

به نام خدا

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، أَسَلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ، وَعَلَيَّ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

فهرست:

سخن سردبیر

بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با مقام زن

برابری و تساوی حقوق زن و مرد از دیدگاه کنواسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان و اسلام

یادی از شهدا

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و بررسی علل تأثیر ناپذیری آن در مخاطب

بیانات برگزیده ی مقام معظم رهبری درباره اربعین

تأثیر معنویات بر سلامت جسم

حکم ماهواره

مصاحبه با استاد حوزه و دانشگاه

تبیین جایگاه زن در اسلام و روایات و نگاهی به حدیث جهاد المرأة حسن التبعل

چرا اهل بیت امام حسین (ع) در اربعین به کربلا رفتند؟

اهمیت زبان و ادبیات فارسی از منظر مقام معظم رهبری

سخن سردبیر

اللهم سدد السنننا بالصواب والحكمه^۱

حمد و سپاس ایزد منان را که توفیق یافتیم، مجدد، عرصه پژوهشی را پس از دو ساله وقفه، بر روی بندگان حقیقت جویش بگشاییم و زمینه ای را فراهم نمائیم تا خواهران فاضل و دانش آموخته علوم دینی بتوانند به تکاپوی علمی برای کنکاش عمیق تر در علوم دینی بپردازند و با ارائه نتایج تحقیقات و مطالعات خود در حوزه معارف الهی، نقش موثری را در فعالیت مجدد این نشریه ایفاء نمایند.

اساسا خلقت انسان که خداوند به آن مباحثات نموده و بدان سبب خود را احسن الخالقین نامیده.^۲ و بواسطه دمیدن روح الهی در انسان، چنان شرافتی یافته که خداوند متعال آن را به خود نسبت داده و سجده فرشتگان بر آدم را واجب شمرده است.^۳ در این راستا بر مبنای اندیشه اسلامی، نظام آفرینش، خلقت انسان و جهان با یک برنامه هدفدار بنا نهاده شده است.^۴ بنابراین تنوع و تفاوت ها در خلقت الهی نشانه کاستی نیست، بلکه هر یک دقیقاً در مسیر اهداف حکیمانه آفرینش، حرکت می کنند.

بنابر این آفرینش زن و مرد از این هدف که همانا نیل به سعادت جاودانه و عبودیت عارفانه است، مسنثنی نبوده و تنوع و تفاوت در خلقت این دو، نشانه ارجحیت یکی بر دیگری نیست بلکه وصول به کمال، نیازمند به امکانات و شرایط متناسب به خود را دارد.

در نتیجه دیدگاه اسلام درباره زن را می توان مترقی و متعادل دانست. اسلام زن را همچون مرد، اشرف مخلوقات می داند که سه ویژگی مهم عقل، اختیار و ارتقاء به کمال را داراست و همانند مرد از امکانات رشد و بالندگی برخوردار است. در میان زنان کسانی هستند که قرآن و حدیث آنان را هم نشین فرشتگان و حتی مقدم بر بسیاری از پیامبران الهی دانسته و وی را کوثری از سوی خدا می داند که این خود نشانه شخصیت والای زن و مراتب کمال وی است و در این راستا روشن ترین آیت کمال زن از دیدگاه قرآن کریم سوره مبارکه کوثر می باشد که حضرت زهرا س را کوثر یا خیر کثیر می نامد. همچنین حضرت مریم (س) و آسیه

^۱ برگرفته از دعای امام زمان (عج)، مفاتیح الجنان: خداوندا زبانهای ما را به کلام پسندیده و حکمت، اصلاح و استوار گردان.

^۲ سوره مؤمنون، آیه: ۱۴.

^۳ سوره حجر، آیه: ۲۹.

^۴ سوره دخان، آیه: ۳۸.

را نه تنها نمونه ای نیک برای زنان بلکه الگویی والا برای مرد مؤمن ، خوانده است . (سوره تحریم، آیه ۱۱- ۱۲؛ سوره حدید، آیه ۱۲)

اوج شخصیت انسانی زن در کلام امام زمان عج متبلور می گردد که موعود امم حجه بن الحسن العسکری(عج) ، حضرت زهرا(س) را مقتدای خویش می نامد : "فی إبنه رسول الله لی اسوه حسنه" دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فاطمه زهرا سلام الله علیه برای من الگویی نیکو است.^۵

والحمد لله رب العالمین

بیانات مقام معظم رهبری در مقام زن

در مقام زن و نقش آفرینی وی در عرصه های اجتماعی، سیاسی و علمی، مقام معظم رهبری نیز بیاناتی را بشرح ذیل ایراد فرموده اند:

اگر یک کشور می خواهد به معنای واقعی خود را بازسازی کند، باید بیشترین تکیه، و بیشترین نگاه و توجهش به انسان و نیروی انسانی باشد. وقتی صحبت از نیروی انسانی است، باید توجه کنیم که نصف جمعیت کشور و نیمی از نیروی انسانی، بانوان کشورند. اگر بینش غلطی در مورد زن وجود داشته باشد، بازسازی به معنای حقیقی و در سطح وسیع آن، شدنی نیست. بانوان کشور باید هم نسبت به موضوع زن از نظر اسلام، دارای آگاهی کافی و الزم باشند، با بتوانند با اتکاء به نظر والای دین مقدس اسلام، از حقوق خود به طور کامل دفاع کنند، و هم تمامی افراد جامعه و مردان در کشور اسلامی باید بدانند که نظر اسلام در مورد حضور زن و فعالیت های وی در عرصه های زندگی، تحصیل و کار و تلاش های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی و همچنین نقش وی خانواده و بیرون از خانواده چیست.

خواهران عزیز و دختران من، اعتقاد این است که اگر در بخشی از جامعه ی اسلامی - چه در ایران و چه در برخی کشورهای دیگر- نسبت به زن مسلمان، کوتاهی هایی صورت می گیرد، قدری تقصیر مردان و قدری هم تقصیر بانوان است؛ زیرا آن کسی که باید شأن اسلامی زن را بشناسد و از آن دفاع کند، در درجه ی اول بانوان هستند. باید بدانند که خدا ، قرآن و اسلام، درباره وی چه قضاوتی دارد، از آن ها چه می خواهد، مسؤولیت های وی را چگونه تعیین می کند. بانوان باید از آن چه که اسلام فرموده ، دفاع کنند و بخواهند و اگر نخواهند، آن وقت کسانی که به هیچ ارزشی پایبند نیستند، به خود اجازه خواهند داد که به زن ستم کنند.

^۵ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

برابری و تساوی حقوق زن و مرد از دیدگاه کنواسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان و اسلام

ملیحه اسمعیلی

چکیده:

برابری و تساوی حقوق زن و مرد از جمله واژگانی است که بین کنواسیون و اسلام به صورت مشترک به کار گرفته است اما با وجود این اشتراک لفظی نباید از وجود تفاوت های مبنایی که ریشه در جهان بینی متفاوت دو دیدگاه دارد غفلت ورزید که در غیر این صورت مستلزم فدا شدن باورهای اصیل اسلام و ارزش های اصیل انسانی خواهد شد. از این رو برای دوری از این غفلت غیر قابل جبران بررسی این تعارضات ضروری به نظر می رسد برداشت غالب از نگاه کنواسیون این است که اگر چه تفاوت های جنسیتی زن و مرد قابل انکار نیست ولی این تفاوت ها نباید منجر به تفاوت و تمایز در حقوق و قوانین شود. در حالی که در وضع قوانین و تکالیف اسلامی این تفاوت ها لحاظ شده است و آن را عین عدالت می داند. این مقاله می کوشد با رویکردی تحلیلی به واکاوی این موضوع از دیدگاه کنواسیون و اسلام با حفظ وحدت مذاهب فقهی بپردازد.

واژگان کلیدی: برابری، تساوی حقوق زن و مرد، عدالت، تبعیض، کنواسیون، اسلام

مقدمه

واژه‌ها بی نظیر تساوی و برابری، آزادی، حقوق بشر و مانند آنها واژه‌های زیبا و دل‌فریبی است که همه مکاتب حقوقی از آن دم می‌زنند و مدعی تحقق آنند اما ضمیر حقیقت بین انسان به او آگاهی می‌دهد که نباید به این ظاهر فریبا دل بست بلکه باید دید و رای این واژه‌ها چه باورها و مفاهیمی نهفته است باید دید که این واژه‌ها برگرفته از چه مبانی فکری بوده است و تفسیر و برداشت هر مکتب از آن چیست؟ آیا مکاتب حقوقی غیر الهی که کنواسیون حقوق زن دستاورد آن است همان مفهوم را از تساوی، آزادی و حقوق بشر و نظایر آن برداشت می‌کند که مکاتب حقوقی اصیل الهی و به عبارت دیگر قانونگذار اسلام اراده کرده است؟

باید دانست که هر ماده حقوقی برای اینکه بر صفحات متون نقش بندد و به مرحله اجرا برسد. پیرو تفسیرها و برداشت‌های هر مکتب از آن ماده می‌باشد و تفاوت در برداشت‌ها و تفاسیر در باورهای مبنایی و جهان بینی هر مکتب ریشه دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۰). لذا با وجود واژگان مشترک و یکسان در کنواسیون رفع تبعیض علیه حقوق زن و حقوق زن در اسلام نباید از وجود تفاوت‌های مبنایی که ریشه در جهان بینی‌های متفاوت دارد، غفلت ورزید و به راحتی برای رسیدن به تفاهم سرتعظیم در مقابل کنواسیون و باورهای غربی فرود آورد که این مستلزم فدا شدن باورهای اصیل اسلام و ارزشهای اصیل انسانی، خواهد شد. در این مقاله برای دوری از این غفلت غیر قابل جبران، به بررسی تعارضات مبنایی کنواسیون در حیطه حقوق زن در خانواده با مشترکات مذاهب فقهی در اسلام می‌پردازیم.

به همین منظور نخست برابری و تساوی حقوق زن و مرد از دیدگاه کنواسیون مورد بررسی قرار می گیرد و پس از آن پیرامون همین موضوع، از دیدگاه اسلام بحث خواهد شد.

برابری و تساوی حقوق زن و مرد از دیدگاه کنواسیون

در مقدمه کنواسیون آمده است. «با عنایت به اینکه منشور ملل بر پایبندی حقوق اساسی بشر، مقام و منزلت هر فرد انسانی و برابری حقوق زن و مرد تاکید داشته و اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل جایز نبودن تبعیض تاکید داشته و اعلام می دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق، یکسان بوده و بدون هیچ گونه تمایزی، از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت حق دارند از کلیه حقوق مندرج در این اعلامیه بهره مند شوند.» با توجه به این مقدمه و همچنین با توجه به مواد مختلف «کنواسیون» رفع هر گونه تبعیض علیه زنان یکی از مهمترین مبانی فکری حاکم بر روح کنواسیون که جان مایه اصلی تمام مواد کنواسیون بویژه حقوق مربوط به خانواده را تشکیل می دهد «تساوی و برابری زن و مرد» و «محو هر گونه تبعیض» می باشد به طوری که این واژه ها و واژه های مشابه آن بیش از ۷۰ بار در کنواسیون تکرار شده است. از جمله در ماده ۱۶ کنواسیون که در رابطه با حقوق زن در خانواده می باشد. آمده است: «دول عضو به منظور رفع تبعیض از زنان در کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی کلیه اقدامات مقتضی به عمل خواهند آورد و به ویژه بر اساس **تساوی مردان و زنان** موارد ذیل را تضمین خواهند کرد: الف) حق یکسان برای ورود به ازدواج ب) **حق یکسان** در انتخاب آزادانه همسر

در مقدمه کنواسیون در بیان معنای «تساوی» اینگونه آمده است: «با عنایت به اینکه اعلامیه حقوق بشر بر اصل جایز نبودن تبعیض تاکید داشته، اعلام می دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق یکسان بوده و برخوردار بدون هیچ گونه تمایزی، از جمله تمایزات فمینیستی بر جنسیت،

حق دارند از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه بهره مند شوند، با توجه به این عبارت تساوی یعنی برابری زن و مرد به طور مطلق، البته از عبارت آخر می توان دوگونه برداشت کرد:

برداشت اول، عدم پذیرش هر گونه تفاوت بین زن و مرد حتی تفاوت های ناشی از جنسیت آنان که این معنا را می توان از محتوای کلمات تعدادی از فمینیست های رادیکال فهمید (هاجری، ۱۳۸۲، ص ۱۸) و اما **برداشت دوم**، اینکه اگر چه تفاوت های فزیولوژیکی و جنسیتی زن و مرد قابل انکار نیست ولی این تفاوت ها نباید منجر به تفاوت و تمایز در حقوق و قوانین شود.

برداشت دوم در واقع از مولفه های محوری و مورد پذیرش فمینیست های معتدل و یا فرامدرن است که با تکیه بر روانشناسی رفتار گرایانه بر حفظ ویژگی های زن بودن تاکید می ورزیدند. آنان با تاکید بر اصل تفاوت انسانها، معتقد بودند که باورهای جهان شمول فمینیست های رادیکال نه تنها غیر قابل دسترسی، بلکه می تواند اشکال جدیدی از ستم را بیافریند. به اعتقاد آنها زن نیازمند خانواده، همسر و فرزند است. اما با وجود این، تشابه حقوق زن و مرد در خانواده و جامعه را لازم می دانستند و ترویج می کردند. کنوانسیون رفع تبعیض نیز که در اواخر دهه ۷۰ به تصویب رسید، ظاهراً تحت تاثیر افکار فمینیستی این دهه، شعار «تساوی و برابری زن و مرد در همه شئون» را با وجود پذیرش تفاوت های زیستی زن و مرد در دستور کار خود قرار داد (همان، ص ۲۰-۱۹). همچنین تنظیم قوانین حمایتی از زنان به هنگام وضعیت های خاص دوران بارداری و زایمان، در کنوانسیون^۱ نشان می دهد که برداشت دوم از بربری و تساوی در کنوانسیون، برداشت غالب می باشد. بنابراین تساوی مورد نظر در کنوانسیون به معنای برابری و تشابه حقوق زن و مرد با وجود تفاوت های جنسی می باشد.

و اما معنای واژه «تبعیض» در ماده یک کنوانسیون این گونه تعریف شده است «عبارت تبعیض علیه زنان در این کنوانسیون به هر گونه تمایز، استثناء (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که

نتیجه یا هدف آن خدشه دار کردن یا لغو شناسایی، بهره مندی یا اعمال حقوق بشر و آزادی های اساسی
در زمینه های

^۱. ماده ۱۱ کنواسیون شماره ۲ بند الف به بعد.

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی
ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان اطلاق می گردد.»

«منظور این ماده این است که هر گرنه قانون، تصمیم، رویه عملی، فرهنگی و سنت رایج که بر
شناسایی و استفاده و اعمال حقوق مساوی زن و مرد در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی،
فرهنگی و غیره لطمه وارد می کند و زن را به لحاظ زن بودن از برخورداری از این حقوق محروم کند،
تبعیض محسوب می شود» (مهرپرور، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲). همچنین «با توجه به مواد مختلف کنواسیون
منظور تنظیم کنندگان آن از تبعیض علیه زنان حالت عدم برقراری تساوی مطلق و یا عدم مشابهت حقوقی
بین زن و مرد می باشد و مراد از رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ایجاد حالت تساوی مطلق بین زن و
مرد است و تساوی در حقوق به این معناست که نباید در حقوق (همچنین در تکالیف و وظایف) یکی از این
دو جنس را بر دیگری برتری داد و از این جهت هر دو برابراند» (رئیزی، ۱۳۸۲، ص ۳۴). کنواسیون، «تساوی
حقوق زن و مرد» با این معنا را، ملاک سعادت جامعه و خانواده و شکوفایی کامل قابلیت ها و استعدادهای
زنان و برقراری عدالت می داند.^۱ و از این لحاظ دچار یک خطای مبنایی شده و آن اینکه برقراری عدالت را
در گرو تساوی کامل زن و مرد در حقوق و وظایف و تفاوت به معنای تبعیض می داند.

خطای دیگر کنواسیون که در واقع نظریه تساوی حقوق زن و مرد از آن ناشی می شود این است
که در این نوع نگرش وجود تفاوت بین زن و مرد به معنای نقص زن و کمال مرد تفسیر می شود. لذا مدافعان
کنواسیون می گویند برای این که این نقص بر طرف شود باید زن هم مثل مرد باشد.

در فرهنگ مدرنیته انسان = مرد؛ مدرنیته زنانگی را بر نمی تابد و اعلام می کند: «برای انسان شدن، زنان را تا حد ممکن باید به مردان شبیه ساخت. در گزاره های فمینیستی، زن و زنانگی ناخواسته تحقیر می شود.»

۱. مقدمه کنواسیون پاراگراف ۹۷.

آن قدر که در نهایت در وجود مرد محو می شود، و آن چه شرف بقاء می یابد مرد است و یا نسخه های مشابه آن، فمینیسم در حقیقت دفاعی مردانه از زنان است که از نادیده انگاری و تحقیر ویژگی های طبیعی زنانه شروع می شود؛ از ضرورت مشابهت زنان به مردان می گذرد و به قداست و برتری ناآگاهانه جنس مرد ختم می شود» (هاجری، پیشین، ۱۳۹).

برابری و تساوی حقوق زن و مرد از دیدگاه اسلام

در اسلام اصل بر تساوی حقوق و تکالیف بین زن و مرد است منتها نگاه اسلام به این اصل، متفاوت از کنوانسیون است. در این قسمت تفاوت این دو نگاه با توجه به بحثی که گذشت، بررسی خواهد شد.

۱- تعریف تساوی در لغت

ابن منظور در لسان العرب واژه تساوی را در لغت این گونه معنا می کند:

«و تساوت الامور و استوت و ساویت بینهما ای سویت و یقال: استوی الشیئان و تساویا: تماثلا. و یقال: هذا لیساوی شیئاً، ای: لا یعادلہ. و فلان و فلان سواء ای متساویان و قوم سواء ای: متساوون و یقال: و هما فی هذا الامر سواء هم سواء و هم سواسیه ای: اشباه» (ابن منظور، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۱؛ انیس و دیگران، بی تا، ص ۴۹۱).

وقتی گفته می شود: دو چیز مساوی اند یعنی مثل هم و عدل هم هستند. وقتی گفته می شود این دو را مساوی هم کنید. یعنی این دو را مثل هم متعادل با هم قرار دهید. گفته می شود این دو شیء با هم مساویند یعنی مثل همدو و وقتی گفته می شود. این دو شیء مساوی نیستند یعنی معادل هم نیستند. فلان و فلان سواء با هم متساوی هستند و قوم یکی هستند یعنی مساویند. و وقتی گفته می شود: ایشان در این امر یکی هستند و ایشان یکی هستند یعنی شبیه به هم هستند.

[خلاصه کلام ابن منظور این که] تساوی در لغت یعنی تماثل و تعادل بین دو شیء در آن چیزی که اراده شده که مثل هم و معادل هم باشد. بین دو یا بیش از دو چیز (الزیدان، ۱۴۱۷، ۱۹۹۷م، ج ۴، ص ۱۷۳)

۲- تساوی در اصطلاح شرع

مساوات در اصطلاح شرعی بر گرفته از معنای مماثلت و معادلت بین هر شیء یا بیشتر از دو شیء است و متعلق کلام نیز امور شرعی و آنچه متعلق به احکام شرعی است می باشد. بنابراین مقصود از مساوات و یا تساوی در اصطلاح شرع یعنی مماثلت در احکام شرعی بین دو یا بیشتر از دو نفر (همانجا). از این رو در نظرگاه شرع مقدس اسلام باید بین تساوی زن و مرد در حقوق و تکالیف و تساوی آنها در برابر حقوق و تکالیف تفکیک نمود. منظور از تساوی زن و مرد در حقوق، تساوی آنها در برابر حقوق و تکالیف است، نه تساوی در حقوق و تکالیف (جوادی آملی، پیشین، ص ۱۵۵).

عبدالکریم زیدان در این باره می گوید: مقصود از تساوی زن و مرد در احکام و تکالیف، تساوی در اصل شمول آنها نسبت به احکام شرعی است که از طرف شارع بوسیله این حقوق و تکالیف، بر انسان ثابت شده است (الزیدان، پیشین، ص ۱۷۴). به عبارت دیگر یعنی زن و مرد هر دو به طور مساوی در وضع احکام و تکالیف، مورد خطاب شارع مقدس واقع شده اند.

۳- ادله اثبات اصل تساوی زن و مرد در احکام شرعی

ادله ای که دلالت می کند در اسلام اصل تساوی بین زن و مرد، تساوی در احکام شرعی است دو امر است امر اول ملاک تکلیف در شریعت اسلام است و امر دوم عموم شریعت اسلام است؛ بعد از اثبات اصل تساوی زن و مرد در احکام شرعی می توان تساوی آنها را در حقوق و تکالیف نیز ثابت کرد (همانجا).

۳-۱. دلیل نخست، ملاک تکلیف

مناط تکلیف در احکام شرعی اسلام بلوغ و عقل است که حدیث نبوی «رفع القلم»^۱ (الطبرسی، ۱۴۰۸ هـ ۱۹۸۷ م، الجزء الاول، ص ۸۴). نیز بر این مطلب دلالت می کند. بر این اساس همانگونه که مرد، بالغ و عاقل می شود. در زن نیز این دو امر محقق می شود و مکلف به تکالیف شرعی و مخاطب احکام آن قرار می گیرد و از این طریق حقوق و تکالیف برای او نیز ثابت و واجب می گردد. (الزیدان، پیشین، ص ۱۷۵).

در اینجا به برخی از آیات قرآن که بر تساوی زن و مرد در خطابات احکام شرعی و تکالیف دلالت دارد اشاره می شود. آیه ۳۸ سوره مائده «والسارق والسارقة فاقطعوا ايديهما» زن و مرد سارق را دستانشان را قطع کنید. و همچنین آیه ۲ سوره نور: «قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم... و قل للمؤمنات يغضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن» آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور «مالکان لمومن و لا مومنه اذا قضى الله و رسوله امرا ان يكون لهم الخيرة من امرهم...»

۳-۲. دلیل دوم، عمومیت شریعت

یکی از خصایص دین اسلام عام بودن آن است. یعنی اسلام برای تمام بشر اعم از زن و مرد و برای همه کشورها آمده که قول خداوند متعال که می فرماید: «قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا» و آیات دیگر که دلالت بر این مطلب دارد، مثبت این مدعاست. فقها نیز به وضوح بر این حقیقت تصریح کردند از جمله قول فقیه ابن حزم الظاهری که گفته است: «و كان رسول الله مبعوثا الى الرجال و النساء بعثا مستويا، و كان خطابا... تعالى و خطاب نبیه الرجال و النساء خطابا واحدا...» رسول خدا مبعوث شده بر همه مردان و

زنان به طور

^۱ قال رسول الله: «رفع القلم عن ثلاثة: عن النائم حتى يستيقظ و عن الصبي حتى و عن المجنون حتى يفيق و في رواية حتى يعقل» یعنی رفع می شود تکلیف از سه گروه: ۱- فرد خواب تا اینکه بیدار شود ۲- کودک تا محتمل شود (به بلوغ برسد) ۳- مجنون تا از جنون آفاقه یابد و در روایتی دیگر آمده تا اینکه عاقل شود.

مساوی و خطاب خدا و پیامبرش به مردان و زنان خطاب واحداست. همچنین الفاظ جمع در خطابات شارع که در کتاب و سنت وارد شده، بر این مطلب دلالت دارد که احکام شرعی، حقوق و تکالیف، زنان م وردان را به طور یکسان در بر می گیرد. احکام شرعی و حقوق و تکالیف دلالت می کند. نظیر قول خداوند متعال که می فرماید: «یا ایهاالناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة» (قرآن، نساء، ۱) و یا صیغه مفرد مذکر معرف و به الف و لام تعریف که مفید عموم است و یا صیغه مفرد معرف به اضافه که همگی دلالت بر عمومیت احکام اسلام دارد. اگر در خطابات شارع بکار رود همه ی مکلفین اعم از زن و مرد را شامل می شود نظیر قول پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و اله و سلم) که می فرماید: «لا یومن احدکم حتی یحب الاخیه ما یحب لنفسه» و نیز روایت دیگر که می فرماید: «المسلم من سلم المسلمون من لسانه و یده» (الزیدان، پیشین، ص ۱۸۰-۱۷۹).

بنابراین با توجه به آنچه تاکنون گفتیم به دلیل ملاک احکام شرعی و عمومیت آن، اصل بر تساوی حقوق و تکالیف بین زن و مرد است و زن و مرد به طور مساوی مورد خطاب احکام شرعی قرار می گیرند. مگر اینکه [در کنار ادله عام] دلیلی اقامه شود که بر اختصاص احکام بر یکی از دو صنف دلالت داشته باشد (همان، ص ۱۸۲؛ جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۷۷).

سئوالی که ممکن است در اینجا مطرح شود اینکه اگر اصل در حقوق و تکالیف، تساوی است پس چرا در بعضی از حقوق و تکالیف زن و مرد به ویژه در حوزه حقوق و تکالیف مربوط به خانواده بین آنها تفاوت وجود دارد؟

عبدالکریم زیدان سر این تفاوت را در اختلاف ملاک احکام می داند و می گوید: «اگر چه اصل در حقوق و تکالیف بر تساوی بین زن و مرد است اما این، به این معنا نیست که بین آن دو در بعضی از احکام اختلاف نباشد. چرا که احکام شرعی مبتنی بر علتها و معانی و صفات معینی هستند که همه آنها یا برخی از آنها ملاک احکام می باشند. و اگر مناط احکام نسبت به مکلفین مساوی باشد احکامی هم که مبتنی بر این ملاک است نسبت به مکلفین اعم از زن و مرد مساوی است و اگر ملاک در هر یک از زن و مرد مختلف باشد احکام آنها نیز متفاوت است» (الزیدان، پیشین، ص ۱۸۳).

علت اختلاف در ملاک برخی از احکام نسبت به زن و مرد را می توان در استعدادها و ویژگی های جسمانی متفاوت آنها جستجو کرد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۶-۲۵). همانگونه که استاد مطهری علت تفاوت و عدم تشابه حقوق و تکالیف بین زن و مرد را، تفاوت در طبیعت و خلقت آنها می داند. به بیان این استاد بزرگوار «آنچه از نظر اسلام مطرح است اینکه زن و مرد بدلیل اینکه یکی زن و دیگری مرد است؛ در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند، جهان برای آنها یکجور نیست. خلقت و طبیعت آنها را یکنواخت نخواست است و همین جهت ایجاب می کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازاتها وضع مشابهی نداشته باشند» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳).

بنابراین می توان گفت در اسلام اصل بر تساوی حقوق و تکالیف بین زن و مرد است. همانگونه که در اکثر حقوق و تکالیف بین زن و مرد هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد و در مواردی هم که تفاوت وجود دارد منشا آن، تفاوت تکوینی بین زن و مرد است که به مقتضای هماهنگی تشریح و تکوین در شریعت اسلام (طباطبائی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱-۲۱۰) خداوند در تشریح قوانین و مقررات حقوق و تکالیف هر یک از زن و مرد نسبت به یکدیگر، این تفاوت ها را لحاظ کرده است. اما نکته ای که در اینجا مهم است به آن پرداخته شود این که در نگاه اسلام تفاوت بین زن و مرد و به تبع آن تفاوت حقوقی بین آنها به معنای نقص زن و کمال مرد نیست بلکه تناسب است.

استاد مطهری در این باره می گوید: «اسلام معتقد است تفاوت زن و مرد تناسب است نه «نقص و کمال» قانون خلقت خواسته با این تفاوت ها تناسب بیشتری میان زن و مرد که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته شده اند و مجرد زیستن انحراف از قانون خلقت بوده است بوجد آورد» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۲۰۲-۲۰۱).

۴- ملاک برقراری عدالت و تساوی در حقوق

همانگونه که قبلاً اشاره شد کنوانسیون تساوی حقوق زن و مرد را ملاک برقراری عدالت در نظر گرفته است. اما آیا برابری ملاک برقراری عدالت، تساوی در حقوق است؟

در پاسخ به این سؤال می توان گفت اتفاقاً نه تنها تساوی حقوق ملاک برقراری عدالت نیست بلکه گاهی اوقات عدم تشابه و تفاوت عین عدالت است، استاد مطهری با اذعان بر این حقیقت می گوید: «ادعای ما این است که عدم تشابه حقوق زن و مرد در حدودی که طبیعت، زن و مرد را در وضع نامشابهی قرار داده است هم با عدالت و حقوق فطری بهتر تطبیق می کند، و هم سعادت خانوادگی را بهتر تامین می نماید و هم اجتماع را بهتر جلو می برد. لازمه عدالت و حقوق فطری انسانی زن و مرد عدم تشابه آنان در پاره ای از حقوق است» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵).

به اعتقاد آیت الله جوادی آملی نیز، برابری و تساوی ملاک عدالت نیست بلکه گاهی نابرابری در شرایط متفاوت عین عدالت است. «فرق بین تساوی قانون و تساوی در برابر قانون، مبتنی بر فرق بین عدالت و تساوی است، زیرا عدالت گاهی مقتضی تساوی قانون است و زمانی سبب تفاوت، البته [عدالت] همواره مقتضی تساوی در برابر قانون می باشد و آنچه مهم است، اجرای عدالت است که از مهم ترین مبانی حقوقی است، زیرا حق همگان بر اساس عدل توزیع می شود نه بر مبنای تساوی پس همه افراد بشر در برابر حق مساوی اند اگر چه حقوق آنان طبق اقتضای عدل متفاوت می باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۶).

بنابراین «در وضع قوانین عادلانه و تعیین نقش و مسئولیتهای اجتماعی به جای تعمیم یکسان آنها بر همه انسان ها، باید محمل و موضوع حقوق و تکالیف از یکسو، شرایط، ویژگیها و امتیازات انسانها از سوی دیگر مورد مذاقه و تامل قرار گیرد. در مباحث حقوق و تکالیف زن و مرد نیز باید به این نکته دقیقاً توجه کرد که اگر موضوع حق یا تکلیف، امری است که زن و مرد در آن مشترکند، مانند آزادی عقیده، آن حق یا تکلیف به طور مساوی برای زن و مرد تعلق می گیرد اما اگر موضوع حق یا تکلیف چیزی است که زن و مرد در آن مشترک نیستند مانند استراحت و مرخصی برای دوران بارداری، ناگزیر آن حق و تکلیف به جنسی تعلق می گیرد که موضوع مربوطه را حایز باشد. بر این اساس کنواسیون رفع تبعیض برای تحصیل عدالت و سعادت جامعه زنان، بهتر است به جای برابر دانستن زنان و مردان در حقوق تکالیف، به شناخت دقیق محامل و موضوعات حقوق و تکالیف از یک سو و شناسایی اشتراکات و تمایزات زنان و مردان از سوی دیگر همت گمارد و سپس بر اساس آن به تعریف نو از نقش ها و مسئولیت های زنان و مردان متناسب با محامل و ویژگیها در جامعه کنونی پردازد» (هاجری، ۱۳۸۲، ص ۲۷).

نتیجه گیری:

۱. تساوی مورد نظر در کنواسیون به کنایه برابری و تشابه مطلق حقوق زن و مرد با وجود تفاوت های جنسیتی می باشد.
۲. کنواسیون برقراری عدالت را در گرو تساوی کامل زن و مرد در حقوق و وظایف و تفاوت را به معنای تبعیض می داند.
۳. در نگرش حاکم بر کنواسیون تفاوت بین زن و مرد به معنای نقص زن و کمال مرد تفسیر می شود.

۴. به دلیل یکسان بودن ملاک احکام شرعی و عمومیت آن در اسلام، اصل بر تساوی حقوق و تکالیف بین زن و مرد است مگر اینکه دلیلی به طور خاص اقامه شود که بر اختصاص احکام بر یکی از دو صنف دلالت داشته باشد.

۵. در نگاه اسلام تفاوت بین زن و مرد و به تبع آن تفاوت حقوقی بین آنها به معنای نقص زن و کمال مرد نیست بلکه تناسب است.

۶. در اسلام برابری و تساوی ملاک عدالت نیست بلکه برابری در شرایط متفاوت عین عدالت است. فهرست منابع:

۱. الزیدان، عبدالکریم، **المفصل احکام المراه والبيت المسلم في الشريعة الاسلاميه**. بیروت: موسسه الرساله و طی المصیطبه، مبنی عبدالله سلیث. ۱۴۱۷-هـ-۱۹۹۷م الطبعة الثالثة، ج ۱۱.

۲. **متن کنواسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان**.

۳. رئیسی، مهدی. **کنواسیون زنان: بررسی فقهی و حقوقی الحاقی یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنواسیون رفع کلیه اشکال تبعیض**. قم: نسیم قدس، ۱۳۸۲، چاپ اول.

۴. مهرپرور، حسین، **نظام بین المللی حقوق بشر**. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷، چاپ اول.

۵. الافریقى المصرى، ابى الفضل جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور «ابن منظور». **لسان و العرب**. بیروت: دار صادر بی تا، ج ۲.

۶. انیس، ابراهیم؛ دیگران. **المعجم الوسیط**. ابی جا، بی تا، یک جلدی.

۷. طباطبایی، محمدحسین. **زن در اسلام**. مصحح و محقق محمد مرادی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی، ۱۳۸۴، چاپ اول.

۸. جوادی آملی، عبدالله. **فلسفه دین، فلسفه بشر**. ویراستار ابوالقاسم حسینی. قم مرکز نشر اسراء. ۱۳۷۵، چاپ اول.

۹. جوادی آملی، عبدالله. زن در آینه جلال و جمال. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء ۱۳۷۲، چاپ سوم.

۱۰. زیبایی نژاد، محمدرضا؛ سبحانی، محمد تقی، در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم: انتشارات دارالنور، ۱۳۸۱، چاپ سوم.

۱۱. طباطبایی، محمد حسین، آزادی از دیدگاه علامه طباطبایی. ترجمه و تنظیم علیرضا فراهانی منش. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹، چاپ اول.

۱۲. مطهری، مرتضی. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی. جامعه و تاریخ. قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ه.ش، چاپ یازدهم.

۱۳. الطبرسی، عبدالرسول. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، مطبعه مهر ۱۴۰۸ ه. ۱۹۸۷ م. طبعه الاولى، الجزء الاول.

۱۴. هاجری، عبدالرسول. فمینیسم جهانی و چالش های های پیش رو. قم: بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲، چاپ اول.

یادی از شهداء

زندگینامه حاج محسن حسنی کارگر

زندگینامه حاج محسن حسنی ، نماینده ایران در مسابقات بین المللی قرآن مالزی



زندگی‌نامه حاج محسن حسنی ، نماینده ایران در مسابقات بین‌المللی قرآن مالزی متولد ۱۳۶۷ در مشهد است که تلاوت قرآن را از سه سالگی آغاز و سال گذشته با حضور در سی و ششمین دوره مسابقات کشوری اوقاف رتبه دوم این مسابقات را کسب کرد؛ در این گزارش گفت‌وگویی با این قاری جوان که پیش از اعزام به مالزی در خبرگزاری ایکنا حضور پیدا کرد، داشته‌ایم که در زیر می‌خوانید:

سه سال بیشتر نداشت که به یک جلسه قرآن رفت و در آن جلسه سوره «کوثر» را که از قبل کار کرده بود اجرا کرد و استاد آن جلسه نوار کاستی که پشت جلد آن عکس استاد شحات بود به این کودک هدیه کرد؛ «محسن» نیز به دلیل علاقه‌ای که به چهره استاد شحات و صدای این استاد قرآنی داشت به تلاوت قرآن مشتاق‌تر شد. «محسن» نیز به دلیل علاقه‌ای که به چهره استاد شحات و صدای این استاد قرآنی داشت به تلاوت قرآن مشتاق‌تر شد.

تقلید از چهره و صدای استاد شحات

محسن حاجی حسنی کارگر که از همان سه سالگی دوست داشت چهره و صدایش شبیه استاد شحات انور شود در همان سنین کم تلاوت‌های استاد شحات انور را در تلویزیون دنبال می‌کرد، وی می‌گوید: «به یاد دارم زمانی که سه سال بیشتر نداشتیم به دلیل علاقه‌ام به استاد شحات، لباسی مانند لباس قاریان مصری برای خود درست کرده بودم و از همان زمان کم‌کم وارد عرصه تلاوت شدم و تلاوت‌ها را پیگیری و گوش می‌دادم و به اتفاق برادر بزرگم «مصطفی» در جلسات قرآن شرکت می‌کردم.»

وی که برادر بزرگش را استاد خود معرفی می‌کند، ادامه می‌دهد: «برادرم همواره من را راهنمایی می‌کرد و به من روحیه می‌داد تا اینکه در سال ۸۱ و در سن ۱۴ سالگی برای نخستین بار وارد مسابقات قرآن شدم و در مرحله کشوری مسابقات قرآن شکوفه‌ها رتبه اول رشته قرائت را به دست آوردم و در همان سال به عنوان نماینده ایران در مسابقات قرآن عربستان شرکت کردم، اما بعد از آن سال، دیگر در هیچ مسابقه‌ای شرکت نکردم تا سال ۹۳ که در سی و ششمین دوره مسابقات کشوری قرآن اوقاف حاضر شدم".
تهیه کننده: خانم گلچین

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و بررسی علل تاثیر ناپذیری آن در مخاطب فاطمه قربانی^۶

چکیده:

امر به معروف و نهی از منکر از آموزه های بنیادین دین اسلام، دارای چنان اهمیت و جایگاهی است که اگر در جامعه ای اسلامی اجرا نشود و افراد در قبال آن احساس مسئولیت نکنند مرگ آن جامعه حتمی خواهد بود. این اثر که از نگرانی نگارنده نسبت به کمرنگ شدن اجرای این فریضه الهی در جامعه نشأت گرفته ابتدا به تعریف و بیان جایگاه خطیر امر به معروف و نهی از منکر در دین اسلام می پردازد و سپس سعی در تبیین علل و عوامل به نتیجه بودن آن در جامعه امروز و ارائه راه حل برای آن دارد.

مقدمه:

هر انسانی در برابر کارهای پسندیده و ناپسند افراد جامعه خود مسئولیت دارد. بنابراین کار واجبی ترک شود و یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت جایز نیست و تمام افراد جامعه باید برای برپایی واجب و جلوگیری از حرام اقدام نمایند. از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی می باشد، اگر افرادی به قدر کفایت به آن اقدام کنند از دیگران ساقط میشود و اگر همه افراد آنرا ترک کرده باشند با فراهم بودن شرایط همه آنها ترک واجب کرده اند(۱) با این وجود امروزه در جامعه اسلامی متأسفانه شاهد کاهش روز افزون آمران به معروف و ناهیان از منکر از سویی و تاثیر ناپذیری مخاطبان از سوی دیگر هستیم در

^۶ فاطمه قربانی، طلبه سطح ۲ مدرسه حضرت ولی عصر(عج)

صورتیکه می توان گفت: امر به معرف و نهی از منکر بهترین ارشاد مردم، جلوگیری از نشر فساد و در دایره وسیعتر دگرگونیهای سازنده اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی است. اگر مسلمانان در اجرای این فریضه مهم دینی خاصه در زمانیکه کشورهای اسلامی مورد هجومه گسترده و همه جانبه اخلاقی - فرهنگی کشورهای غربی قرار دارند، سستی نمایند، قطعاً "از آسیبهای آن در امان نخواهند بود. که حضرت علی علیه سلام فرمودند:

(اگر مردم امر به معرف و نهی از منکر را ترک کنند، افراد پست و نالایق بر آنها مسلط میشوند و دعاها مستجاب نمی شود.) (۲)

(۱) تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۴۰
نامه ۴۷، ص ۶۸۸

امر به معروف: تعریف، جایگاه و اهمیت

معروف، در لغت بمعنی شناخته شده از ماده عرف است و منکر بمعنای ناشناس از ماده انکار می باشد، که اتفاقاً نامگزاری جالبی است زیرا اعمال خوب و پسندیده برای فطرت و سرشت سالم و پاک انسانی، اموری شناخته شده و آشنا هستند و اعمال زشت و ناپسند، برای انسان پاک، ناشناخته و ناآشنا می باشند.

و در اصطلاح، به هر چیزی که انجام دادنش در پیش عقل سالم و شرع و دین، مستحسن و نیکو و پسندیده باشد، معروف گفته می شود، اکنون فرق نمی کند که این معروف بقدری در نظر شرع و عقل پسندیده باشد که اجازه ترک آن را ندهد یا در این حد نباشد و ترک آن به وسیله عقل و شرع تجویز گردد.

پس آنچه را که عقل با شرع لازم بداند یا انجام آن را بهتر از ترک آن بداند، معروف می باشد.

و همچنین، بهر چیزی که انجام دادنش در نظر شرع یا عقل، نکوهیده و ناپسند باشد، منکر گفته می شود و باز تفاوت ندارد که ناپسندی و نکوهیدگی به حدی باشد که عقل یا شرع بهیچ عنوان انجام آن را تجویز ننماید یا کمتر از این حد باشد و یا ناپسند بودنش آن را جائز شمارد.

پس آنچه را که عقل یا شرع، انجام دادنش را تجویز ننماید و یا ترک آن را بر فعلش ترجیح دهد، منکر می باشد.

با توجه به این معانی است که اهمیت شناخت صحیح از معروف و منکر و درک و بینش در مسائل اجتماعی و آگاهی از معارف اسلامی، برای کسی که این وظیفه را انجام میدهد، روشنتر می گردد. (۳)

اهمیت و جایگاه این فریضه الهی در دین مبین اسلام تا بدان جاست که سایر فرایض در پرتو اجرای آن بر پاداشته میشود و در جای جای قرآن مجید بصورت مستقیم و غیر مستقیم به آن اشاره شده که آیات هفتگانه زیر نمونه آن است:

۱- **آل عمران آیه ۱۰۴:** (و باید از شما مسلمانان برخی خلق را بخیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند و اینان که بحقیقت واسطه هدایت خلق هستند در کمال فیروز بختی و رستگاری خواهند بود).

۲- **آل عمران آیه ۱۱۰:** (شما نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کردند که مردم را به نیکوکاری وادار کنند و از بدکاری باز دارند و ایمان بخدا آورند و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند بر آنان چیزی بهتر از آن نبود لیکن برخی از آنها با ایمان و بیشتر آنان فاسق و بدکارند).

۳) مقاله هادی دوست محمدی - مجله درسهایی از مکتب اسلام - شماره ۱۲ - ص ۳۳
۳- **آل عمران آیه ۱۱۴:** (ایمان به خدا و روز قیامت می آورند و امر به نیکوئی و نهی از بدکاری میکنند و در نکوکاری میشتابند و آنها خود مردمی نیکو کارند).

۴- **اعراف آیه ۱۵۷:** (آنانکه پیروی کنند از رسول خدا و پیغمبر امی که در تورات و انجیل که در دست آنهاست نگاشته می یابند آنها را امر به نیکوئی و نهی از زشتی خواهد کرد و بر آنها هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلیدی را حرام می گرداند احکام پر رنج و مشقتی را چون زنجیر بگردن خود نهاده اند همه را بر میدارد پس آنانکه باو گرویدند و از او حرمت و عزت نگه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه بحقیقت رستگاران عالمند).

۵- **توبه آیه ۷۱:** (مردان و زنان مومن یار و دستدار یکدیگرند خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می کنند نماز را بپا میدارند و زکوه می دهند و حکم خدا و رسولش را اطاعت می کنند آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است).

۶- **حج آیه ۴۱:** (آنهای هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز بپا میدارند و زکات به مستحقان میدهند و امر به معروف و نهی از منکر میکنند که عاقبت کارها به دست خداست).

۷- **لقمان آیه ۱۷:** (ای فرزند عزیزم نماز بپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر این کار از مردم نادان هر آزار بینی صبر پیشه گیر که این صبر و تحمل در راه تربیت و هدایت خلق نشانه ای از عزم ثابت در امور لازم عالم است).

- و اما در نگاه معصومان (علیهم السلام) امر به معرف و نهی از منکر از مهمترین برنامه هایی است که خداوند انجام آنها از پیامبران خواسته و هر کسی بر آن همت گمارد در واقع همگام با انبیاء الهی به اجرای رسالت عظیم آنان پرداخته و به تعبیر رسول خدا خلیفه خدا و رسولش خواهد شد: (من امر بالمعروف و نهی عن المنکر فهو خلیفه الله فی الارض و خلیفه الرسول). (کسی امر به معرف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول خدا است). (۴)

حضرت علی (علیه السلام) امر به معرف و نهی از منکر را از همه نیکیها حتی از جهاد به مراتب برتر و مهمتر شمردند. می فرمایند: (وما اعمال البر کلم والجهاد فی سبیل الله عند الامر المعروف والنهی عن المنکر الا کفئته فی بحر بحی). (و تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معرف و نهی از منکر جز به قطره ای در برابر دریای بیکران نمی ماند.)(۵)

(۴) مستدرک الوسائل، محدث نیشابوری، ج ۲۱، ص ۱۷۱ (۵) نهج البلاغه، سید رضی، حکمت ۶۶۳، ص ۳۶۲۱

یعنی با این که جهاد و مبارزه با مفسد و موانع خارجی است، فرد و جامعه وقتی می توانند در نبرد با دشمن خارجی به موفقیت نایل شوند که مفسد و موانع داخلی را در پرتو امر به معرف و نهی از منکر ریشه کن کرده باشند.

و نیز می فرمایند: (قوام الشریعه الامر بالمعروف والنهی عن المنکر). (قوام و جوهره وجودی شریعت امر به معرف و نهی از منکر است.)(۶)

و ارزش و اهمیت تا کجا که امام حسین (علیه السلام) در وصیتنامه خویش یکی از مهمترین انگیزه های قیامش را امر به معرف و نهی از منکر بیان نمودند. و فرمودند: (هدف من از این حرکت اصلاح مفسد امت جدم و منظورم امر به معرف و نهی از منکر است و می خواهم سیره جدم پیامبر و پدرم را پیش گیرم.)(۷)

امام حسین (علیه السلام) حتی در آخرین لحظه عمر خود هنگامیکه دید لشکر یزید به خیمه ها حمله ور شدند دست از امر به معرف و نهی از منکر نکشید و فرمودند: (اگر دین ندارید، لااقل در دنیای خود آزاده باشید).

و این بزرگترین درس برای ما مسلمانان است که در بدترین شرایط و سخت ترین حالتها بی تفاوت نباشیم، اهمیت و جایگاه امر به معرف و نهی از منکر را درک کنیم و در اجرای آن بکوشیم.

(۶) شرح غررالحکم و دررالکلم، جمال الدین خوانساری، ج ۴، ص ۸۱۵ (۷) بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۲۹

و اما بحث بی نتیجه بودن امر به معرف و نهی از منکر دو سویه است در یک سو آمر و ناهی هستند که باید شرایطی داشته باشند و در سوی دیگر مخاطب است که ممکن است به دلیل مشکلات و امراضی امر و نهی را نپذیرد که در اینجا ابتدا به شرایط آمر و ناهی می پردازیم:

شرایط آمر و ناهی:

- ۱- عدالت در عمل و گفتار
- ۲- اصلاح و خودسازی: علامه راغب اصفهانی در این باره می فرمایند: (بزرگترین قبایح آن است که انسانی فرمان نپذیرد، به دیگران دستوری دهد و با بی خیالی، دیگران را از بدی باز دارد. کسی که در نظر دیگران به آلودگی شهره است، دعوت به حکمت کند و در خود عیوبی ببیند ولی به اصلاح آن‌ها نپردازد و غیر خود را نصیحت نماید، اما به خود خیانت کند؟! پس اولین مرحله نصیحت آن است که نسبت به نفس خود انسان باشد؛ چون کسی که به خود خیانت کند، کمتر می تواند دیگران را نصیحت کند. (۸)
- ۳- پذیرش تصلیح دیگران: اینکه شخص آمر و ناهی خود توصیه های اصلاحی و اخلاق دیگران را بپذیرد و انتقاد پذیر باشد.
- ۴- نرمی و مدارا: که در این مورد عالم ربانی علامه نراقی توصیه می فرمایند که: (کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، باید خوشخو و بردبار و شکیب و قوی النفس باشد تا اگر نسبت به وی ناسزا گفته شد، پریشان خاطر و مضطرب نگردد؛ زیرا بیشتر مردم، پیرو هوا و هوس اند و اگر از میل و خواستشان باز داشته شوند، بر آنان گران می آید و چه بسا درباره بازدارنده، زبان بگشایند و سخنان درشت و زشت گویند و حتی کار را به بی ادبی و دشنام گویی بکشانند. و نیز باید با مردم به رفق و مدارا رفتار کند که موعظه با رفق و ملایمت و نرمی در دل بیشتر مردم اثر بهتر و بیشتری دارد. (۹)
- ۵- پرهیز از غرور و خود فریفتگی: عارف کامل امام خمینی (ره) می فرمایند: (سزاوار است که آمر به معروف و ناهی از منکر در امر و نهی و مراتب انکارش مانند پزشک معالج مهربان و پدر با شفقت که مراعات مصلحت مرتکب را می نماید، باشد... قصدش را فقط برای خدای متعال و رضایت او قرار دهد و این کارش را از آلودگی های هواهای نفسانی و اظهار بزرگی، خالص نماید و نفس خودش را منزّه نداند و برای آن بزرگی یا برتری بر مرتکب نبیند؛ که چه بسا برای شخص مرتکب گناه - ولو گناهان کبیره باشد - صفات خوب نفسانی باشد که مورد رضایت خدا می باشند و خداوند متعال او را به خاطر این صفات دوست دارد، اگر چه کار او مورد بغض خداوند می باشد و چه بسا آمر و ناهی عکس او باشد، اگر چه بر خودش پوشیده است. (۱۰)
- ۶- داشتن علم و دانش: در این مورد امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (امر به معرف و نهی از منکر بر کسی واجب است که بتواند معروف را از منکر تمیز دهد و بر آنها آگاهی داشته باشد نه کسی که احدی به حرفش گوش نمی دهد و خودش هم راه و روش صحیح را نمی داند و گفتارش بر مبنای صحیح نیست و چه بسا مردم را از حق به باطل می کشاند. (۱۱)

۸) بر کرانه سعادت، ص ۲۶۱ (۹) جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۳۵ (۱۰) تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۲۱ (۱۱) وسائل الشیعه، شیخ عاملی، ج ۶

و البته همه خصوصیات و شرایط آمران به معروف و ناهیان از منکر در کلام شیرین امام صادق (علیه السلام) خلاصه می شود که فرمودند: (صاحب امر به معروف، باید دانای حلال و حرام باشد، به آنچه امر می کند، خود عامل باشد و از آنچه نهی می کند، باز ایستد. خیر خواه مردم و مهربان و با رفق و مدارا باشد. با گفتار نیک مردم را بشناسد، تا با هرکس به فراخور حال و منزلت او رفتار نماید. به مکر نفس و کیدهای شیطان بصیر و بینا باشد. بر آنچه به او می رسد، صبر کند. در پی انتقام جویی و شکایت بر نیاید، عصبیت و حمیت به کار نبرد. نیت خود را برای خدا خالص کند. از او کمک بخواهد و خشنودی او بجوید. اگر با او مخالفت و جفا شد، شکیبایی ورزد و اگر با وی موافقت شد و امر و نهی پذیرفته گشت، سپاس گوید، کار خود را به خدا واگذارد و از عیب خود غافل نشود.) (۱۲)

(۱۲) وسائل الشیعه، شیخ عاملی، ج ۶

در مورد عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر جناب حجه الاسلام آقای قرائتی علل و عوامل را بصورت زیر دسته بندی و بیان نموده اند:

عوامل نپذیرفتن امر به معرف و نهی از منکر:

عوامل نپذیرفتن متعدد هستند که آنها را می توان به دو نوع تقسیم کرد:
یکی عوامل درونی و دیگری عوامل بیرونی. ابتدا با چهار عامل درونی آشنا می شوید:

عوامل درونی

۱- جهل:

کودکانی که از سخنان والدین اطاعت نمی کنند، به خاطر آن است که اسراری را که در فرمان والدین است نمی فهمند.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «اگر مردم زیباییهای سخنان ما را بدانند، پیرو ما می شوند.» (۱)
انبیا به مردم منحرف می فرمودند: «شما جاهلید؛ وگرنه در برابر ما این همه سرسختی از خود نشان نمی دادید.»

چه بسیارند کسانی که پایبند به نماز نیستند؛ چون از اسرار آن آگاهی ندارند و اگر آشنا شوند نماز خواهند خواند. این روزها که بحمدالله کتب اسرار نماز منتشر شده است، شاهد گرایش به نماز هستیم. در آیات و روایاتی که آن همه سفارش به علم جویی و سؤال کردن از علما شده است، به خاطر نقش علم در اطاعت است. مراد ما از علم مدارک علمی حوزه و دانشگاه نیست؛ زیرا چه بسیارند کسانی که از نظر مدرک علمی باسوادند، ولی نسبت به انجام بعضی از معروفها و یا ترک منکرات بی تفاوتند؛ چون نسبت به آن معروف و منکر آگاهی لازم را ندارند.

۲- تعصب:

یکی از عوامل نپذیرفتن، تعصب است. تعصب گاهی مفید و مثبت است و آن زمانی است که پافشاری بر اهداف و آرمانهای مقدس و مستدلی باشد.

ولی اکثر تعصبات، ریشه ملی و قومی و حزبی و نژادی و شغلی و ... دارد و یا پافشاری بر موهومات و رسومات و پندارهای فردی و اجتماعی است. قرآن در این باره می فرماید: «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ.» (۲)
قرآن می فرماید: اگر ما این کتاب را بر عجمها نازل می کردیم، عربها به خاطر تعصب نابجا تسلیم نمی

شدند.»(۴)

۳- تکبر:

یکی از دلایل نپذیرفتن انتقاد و نهی از منکر، روحیه استکبار است. سرچشمه تکبر، سن و علم و مال و شکل و قبیله و مقام و حزب و فرزند و امثال آنهاست

نشانه تکبر

شخصی به محضر امام آمد و گفت: «من از لباس فاخر و منزل و مرکب خوب استفاده می‌کنم. آیا این نشانه تکبر من است؟»

امام فرمود: «نشانه تکبر آن است که حرف حق را نپذیری. چه بسیارند فقرای متکبر و اغنیای پذیرنده»

۴- لقمه حرام:

امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا به طرفداران یزید فرمود: «دلیل آنکه نهی از منکر من در شما اثر نمی‌کند آن است که شکمهای شما از حرام پر شده است:»

آری! لقمه حرام مانع پذیرفتن حق می‌شود؛ گرچه سخن از فرزند پیامبر و امام (علیه السلام) باشد. (۵)

لقمه حرام مانع مستجاب شدن دعاها می‌شود. (۶)

لقمه حرام مانع از قبول شدن عبادت می‌شود. (۷)

لقمه حرام گرایش انسان را به گناه و طاغوت‌گرایی زیاد می‌کند. (۸)

لقمه حرام در نسل اثر منفی می‌گذارد. (۹)

خوردن مال یتیم که لقمه حرام است، در قیامت آتشی در درون پیا می‌کند. (۱۰)

لقمه حرام عامل سنگدلی و قساوت قلب است. (۱۱)

لقمه حرام مانع تربیت و حرکت‌های انقلابی صحیح می‌شود. (۱۲)

عوامل بیرونی

۱- تبلیغات سوء:

اگر افراد یا گروه‌هایی علیه آمرین به معروف دست به تبلیغات سوء بزنند می‌توانند مانع تأثیر کلام آنان شوند. اگر امروزه تبلیغات سوء علیه جمهوری اسلامی نمی‌شد، مردم به سراغ شناخت آن می‌آمدند. تبلیغات سوء کار را به جایی می‌رساند که مردم، انبیا را مجنون و ساحر؛ یوسف (علیه السلام) را متهم؛ حضرت علی (علیه السلام) را واجب‌القتل؛ امام حسین (علیه السلام) را خارجی؛ و خدمت به یزید را عبادت دانستند. تبلیغات، از کلیسا که در جنایات ابرقدرتها - مستقیم یا با سکوت و رضایت - شریک جرم بوده است، چهره‌ای انسان دوست و عاطفی می‌سازد.

۲- تعارضات:

یکی از موانع پذیرفتن حق و امر به معروف، تعارضات است. از جمله:
- تعارض میان مدرسه و منزل. شاگرد در مدرسه نماز یاد می‌گیرد، ولی در خانه با والدینی است که اهل نماز نیستند.
این قبیل تعارضات، اعتقاد شنونده را نسبت به گوینده - اگر نگوئیم او را بکلی بی‌اعتقاد می‌کند - کم می‌کند.

۳- طاغوت‌ها:

در قرآن، بارها جمله «يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» به کار رفته؛ افرادی مانع راه خدا می‌شوند که معمولاً یا طاغوت‌ها هستند، یا سرمایه‌داران و مقامات مملکتی، یا دوستان فاسد و یا والدین و همسر و استاد و مشاوران ناباب. برای مثال:
- جوانی که بنا دارد به تحصیل خود ادامه دهد، گرانی حق معلم و کتاب و مسکن و هزینه زندگی می‌تواند مانع او شود.
پاکدلی که می‌خواهد به وظیفه خود عمل کند، لبخندهای سرد و استهزاهای این و آن می‌تواند مانع شود.

۴- عملکرد و سابقه گوینده:

یکی از موانع پذیرفتن امر به معروف، سابقه گوینده است. در این باره، در شرایط آمرین به معروف مطالبی را یادآور می‌شویم و از تکرار آن در اینجا صرف نظر می‌کنیم.

۵- حل نشدن مشکلات اقتصادی:

اگر ما مشکلات اقتصادی مردم را حل کنیم، مردم هم براحتی به سایر سخنان ما گوش خواهند داد. قرآن در دعوت مردم به عبادت، به این مسأله توجه فرموده است؛ آنجا که می گوید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»؛ یعنی: «مردم باید بنده خدا باشند؛ او آنان را از گرسنگی و ناامنی نجات داد.» در اینجا، سیر کردن مردم را زمینه دعوت به عبادت قرار داده است.

پی نوشت ها مربوط به عوامل نپذیرفتن امر ونهی:

- (۱) ان الناس لو علموا محاسن كلا منا لاتبعونا (وسائل ج ۱۸ ص ۶۵)
- (۲) مؤمنون ۵۳
- (۳) شعراء ۱۹۸، ۱۹۹
- (۴) قد ملئت بطونكم من الحرام (بحار ۴۵، ص ۸)
- (۵) اذا اراد احدكم ان يستجاب له فليطيب كسبه (بحار، ج ۹۳، ص ۳۲۱)
- (۶) العبادة مع اكل الحرام كالبناء على الرمل (بحار ۱۰۰، ص ۱۶)
- (۷) چه بسیارند افرادی در اثر مهمانیهای کذائی تصمیمات خلافی گرفته اند، امضای ناحق و تأیید ناحق کرده اند.
- (۸) كسب الحرام يبين في الذرية (فروع کافی ۵، ص ۱۲۵)
- (۹) إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا (نساء ۱۰)
- (۱۰) همان حدیث امام حسین که فرمود (قد ملئت بطونكم من الحرام (بحار ۴۵، ص ۸)
- (۱۱) اصحاب كهف بعد از خواب طولانی یکی را مأمور تهیه غذا کردند و شرط کردند که آن غذا حتماً

طعام پاکی باشد آئیهَا ازکی طَعَامًا اگر والدین لقمه حرام به فرزندش دهد چگونه آموزش و پرورش و مسئولین تربیتی با سرود و اردو و شعار و حفظ چند آیه می‌تواند روی بچه اثر بگذارد؟! (۱۲) سوره صف آیه ۱۰-۱۲، یا آئیهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلٰی...

چاره چیست؟

با توجه به بیانات فوق و شناسایی ضعفها چه از سوی آمر و ناهی و چه از سوی مخاطب باید تلاشی شود با رفع نقایص میزان اثر بخشی را تا حد ممکن بالا ببریم که در اینجا به صورت اجمالی چند توصیه برای آمران و ناهیان عزیز:

- ۱- سکوت نکنیم
- ۲- بی تفاوت نباشیم
- ۳- فرافکنی نکنیم
- ۴- نترسیم
- ۵- خجالت نکشیم
- ۶- با سعه صد همه ابعاد و جوانب را بسنجیم
- ۷- سرعت و صراحت داشته باشیم
- ۸- نرم خویی و حسن خلق داشته باشیم
- ۹- از خود شروع کنیم
- ۱۰- از سنت شکنی (بدعت شکنی) نهراسیم

و برای افزایش تاثیر امر و نهی در مخاطب سعی کنیم از روشهای مختلف با توجه به شرایط و اوضاع استفاده کنیم:

- ۱- کرامت انسان را در نظر بگیریم
- ۲- آئینه وار عمل کنیم
- ۳- از خوبیهای مخاطب هم بگوییم
- ۴- از هنر و شهر و داستان استفاده کنیم
- ۵- در صورت نیاز از تغافل استفاده کنیم
- ۶- ظرفیت مخاطب را در نظر بگیریم
- ۷- محبت ایجاد کنیم
- ۸- به او امید دهیم
- ۹- وجدان او را بیدار کنیم
- ۱۰- عواطف مخاطب را تحریک کنیم
- ۱۱- استفاده از طنز
- ۱۲- امر و نهی مخفیانه باشد یا بصورت مکاتبه ای باشد
- ۱۳- بیان ثواب و عقاب
- ۱۴- تدریج

- ۱۵- تکرار
- ۱۶- با انجام معروف زمینه را بر منکر تنگ کنیم
- ۱۷- تشویق
- ۱۸- اخم کردن
- ۱۹- متارکه
- ۲۰- تنبیه
- ۲۱- تحریم
- ۲۲- برخورد انقلابی

نتیجه گیری:

با توجه به جایگاه ویژه و اهمیت امر به معرف و نهی از منکر در دین مبین اسلام و تاکید فراوان در آیات و احادیث و روایات بر اجرای آن بر همه ما مسلمانان الزامی است که از این فریضه دینی غافل نشویم و نسبت به آن بی تفاوت نباشیم و در این راه در مواجهه مشکلات سر فرود نیاوریم و از طرق مختلف در اصلاح امور برادران و خواهران دینی و به تبع آن جامعه اسلامی بکوشیم، چرا که صلح و آرامش و امنیت و آسایش داخلی و بین المللی امت اسلامی در گرو آن است.

و سخن خود را با چند بیت از گلستان سعدی به پایان می برم:

گر نصیحت کنی به خلوت کن	که جز این شیوه نصیحت نیست
هر نصیحت که بر ملا شد	آن نصیحت بجز فضحیت نیست
ای غزالی گریزم از یاری	که اگر بد کنم نکو گوید
مخلص آن شوم که عیبم را	همچو آئینه روبرو گوید
نه که چون شانه با هزاران زبان	پشت سر رفته و مو به مو گوید

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- قرآن مجید - ترجمه مهدی الهی قمشه ای - قم نگین - ۱۳۹۰
- ۲- نهج البلاغه - سید رضی - ترجمه حاج شیخ حسین انصاریان - تهران - پیام آزاده - ۱۳۷۹
- ۳- مستدرک الوسایل - محدث نیشابوری
- ۴- شرح عزالحکم و دررالکم، خوانساری جمال الدین

- ۵- جامع السعادات - نراقی ملا مهدی
- ۶- بحار الانوار - علامه مجلسی محمد باقر - تهران - دارالکتب الاسلامیه
- ۷- اصول کافی - کلینی محمد بن یعقوب - تصحیح علی اکبر غفاری - تهران - مکتبه الصدوق - ۱۳۸۱
- ۸- وسائل الشیعه - شیخ عامل حر - مترجم علی افراسیابی - قم - نهاوندی - ۱۳۸۶
- ۹- فروع کافی - کلینی محمد بن یعقوب - تهران - دارالکتب الاسلامیه - ۱۳۶۲
- ۱۰- امر به معروف و نهی از منکر - قرائتی محسن - قم - مرکز فرهنگی درسهای از قرآن - ۱۳۷۹

مقاله امر به معروف و نهی از منکر - دوست محمدی هادی - مجله درسهای از مکتب اسلام - شماره ۱۲ -



تعدادی از جملات کوتاه و برگزیده ی مقام معظم رهبری درباره اربعین

اربعین در حادثه‌ی کربلا یک شروع بود؛ یک آغاز بود. بعد از آنکه قضیه‌ی کربلا انجام گرفت - آن فاجعه‌ی بزرگ اتفاق افتاد - و فداکاری بی‌نظیر ابا عبد الله (علیه‌السلام) و اصحاب و یاران و خانواده‌اش در آن محیط محدود واقع شد، حادثه‌ی اسارتها پیام را باید منتشر می‌کرد و خطبه‌ها و افشاگری‌ها و حقیقت‌گوئی‌های حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و امام سجّاد (علیه‌الصلاة و السلام) مثل یک رسانه‌ی پر قدرت باید فکر و حادثه و هدف و جهت‌گیری را در محدوده‌ی وسیعی منتشر می‌کرد؛ و کرد (۲۸/۱۱/۱۳۸۷).

مبارزه ادامه پیدا کرد؛ راه باز شد. این خصوصیت اربعین است. یعنی در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقق هدفهای آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد (۲۸/۱۱/۱۳۸۷).

شروع جاذبه‌ی مغناطیس حسینی، در روز اربعین است .

جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرنهای متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان - سیدالشهداء (. - ۰۱/۰۱/۱۳۸۵

اربعین به ما درس می‌دهد، که باید یاد حقیقت و خاطره‌ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگهداشت (۲۹/۰۶/۱۳۶).

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر(ص)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی(علیه‌السلام) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسلهای بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ی زیادی نخواهند برد .

درست است که خدای متعال، شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه می‌دارد و شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است؛ اما ابزار طبیعی‌یی که خدای متعال برای این کار - مثل همه‌ی کارها - قرار داده است، همین چیزی است که در اختیار و اراده‌ی ماست. ما هستیم که با تصمیم درست و بجا، می‌توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه‌ی شهادت را احیا کنیم و زنده نگهداریم .

اگر زینب کبری(سلام الله علیها) و امام سجّاد(صلوات الله علیه) در طول آن روزهای اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سالهای متمادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه‌ی عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی‌کردند، واقعه‌ی عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی‌ماند. (۲۹/۰۶/۱۳۶۸)

تأثير معنويات بر سلامت جسم

گردآورنده: فاطمه ظاهري دزفولي

مقدمه

خداوند انسان را موجودی کامل و دارای دو بعد اصلی جسمانی و روحانی، آفریده است و چون پیکره انسان به طور بسیار منطقی و منظم با هم در ارتباط هستند، این دو بعد نیز کاملاً با هم در ارتباطند. پس می‌توان گفت که سلامت روح و جسم در تقابل مستقیم با یکدیگر قرار دارند.

دین و مذهب یکی از اصلی‌ترین انتخاب‌ها در رابطه با روح است. نتایج تحقیقات مختلف نیز نشان می‌دهد که بین مرگ و میر ناشی از بعضی از بیماری‌ها و مذهب رابطه وجود دارد. کامستوک^۷ و پارتیج^۸ در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که میزان مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلب و عروق (بیشتر ناشی از استعمال دخانیات و تغذیه) سیروز کبدی (ناشی از مصرف الکل)، مشکلات ریوی (ناشی از مصرف سیگار)، سرطان دهانه رحم (ناشی از بی‌بند و باری جنسی) و ایدز و سایر بیماری‌های عفونی (ناشی از رفتارهای پرخطر جنسی) در افراد مذهبی و کسانی که در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند به صورت معناداری کمتر می‌باشد.

علت اصلی پایین‌تر بودن میزان مرگ و میر ناشی از این بیماری‌ها و طول عمر بیشتر در افراد مذهبی سبک زندگی سالم‌تر، اجتناب از رفتارهای پرخطر جنسی، مصرف کمتر سیگار، الکل و تغذیه و آرامش مناسب می‌باشد. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد استرس و فشار روانی سیستم ایمنی بدن را تضعیف می‌کند و خلق مثبت، آرامش و ادراک حمایت اجتماعی باعث ارتقای عملکرد سیستم ایمنی بدن می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد مذهب و رفتارهای معنوی از طریق ایجاد آرامش ذهنی، کاهش استرس و فشار روانی، رابطه با خداوند و خلق مثبت حاصل از شرکت در مراسم‌های مذهبی و عبادت و افزایش حمایت اجتماعی باعث بهبود عملکرد سیستم ایمنی بدن می‌شود.

حضور در مکان‌های مذهبی و انجام فعالیت‌های مذهبی باعث افزایش هیجان‌های مثبت می‌شود. آرجیل^۹ در یک پژوهش علمی، هیجان‌های ایجاد شده توسط فعالیت‌های مختلف تفریحی را مورد بررسی قرار داد. نتایج این مطالعه نشان داد که مراسم دینی و مذهبی، مانند سایر فعالیت‌های تفریحی، باعث افزایش هیجان‌های مثبت و شادی می‌شود. این محقق علت این مسأله را ناشی از عوامل تعالی و رشد شخصی، تجربه‌های عرفانی و درونی و عامل اجتماعی موجود در مراسم مذهبی می‌داند که هر یک از این عوامل عناصری از شادی و بهزیستی را در خود دارند.

^۷- Comstock

^۸- Partridge

^۹- Argyle

چکیده

بزرگ‌ترین هدف از آفرینش انسان رسیدن او به اوج کمال است. با توجه به آیه ۵۶ سوره ذاریات «ما خلقت الجن و الانس إلا ليعبدون؛ و من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه عبادت کنند»، تنها راه برای رسیدن به کمال عبادت است. عبادت یعنی وابستگی صرف که منجر به رهروی و اطاعت می‌گردد. اگر دقیق‌تر بنگریم متوجه می‌شویم، معنویات که نقطه مقابل مادیات است و به عالم غیب و باطن مربوط می‌شود، همان عبادت است. ولی نه؛ بسیار دیده‌ایم که انسان‌ها عبادت را برای امور مادی و ظاهری مثلاً رسیدن به بهشت می‌خواهند. ولی معنویات درجه‌ای بالاتر از عبادت است و منظور، عبادتی است که منیت در آن وجود نداشته باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که، معنویات باعث رسیدن انسان به کمال و رشد می‌شود و به تبع روح و جسم انسان نیز با تأثیرپذیری از آن به کمال می‌رسند. با توجه به آنچه گفته شد، در این مقاله برآنیم تا به بررسی یک یک مصادیق معنویات و تأثیر آن بر سلامت جسم پردازیم.

کلید واژه‌ها: سلامت - جسم - معنویات

سلامت

سلامت در لغت به معنای بی‌عیب شدن، رهایی یافتن و تندرستی است و در اصطلاح خالص از بیماری را گویند.

امروزه سلامت انسان از جهات مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به جرأت می‌توان گفت که پربحث‌ترین موضوع در مورد انسان است. اهمیت موضوع زمانی بیشتر مشخص می‌شود که به آمارهای سازمان‌های جهانی درباره علت‌های اصلی مرگ و میر انسان توجه کنیم.

آمارها نشان می‌دهد که طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، حوادث و بیماری‌های زیر، به ترتیب از اصلی‌ترین عوامل مرگ و میر سالانه می‌باشد:

- ۱- بیماری قلبی (۵۷۹۶۸۹ مورد در سال)
- ۲- سرطان (۵۷۴۷۴۳ مورد در سال)
- ۳- بیماری تنفسی تحتانی مزمن (۱۳۸۰۸۰ مورد در سال)
- ۴- سکته مغزی (۱۲۹۴۷۶ مورد در سال)
- ۵- آلزایمر (۸۳۴۹۴ مورد در سال)
- ۶- دیابت (۶۹۰۷۱ مورد در سال)
- ۷- آنفولانزا (۵۰۰۹۷ مورد در سال)
- ۸- خودکشی با گلوله (۱۹۳۹۲ مورد در سال)
- ۹- مصرف بیش از حد مواد مخدر (۱۲۲۸۰ مورد در سال)
- ۱۰- تیراندازی با اسلحه گرم (۱۱۰۷۸ مورد در سال)
- ۱۱- خودکشی با طناب دار (۹۴۹۳ مورد در سال)
- ۱۲- تصادف سرنشین اتومبیل (۸۰۰۹ مورد در سال)
- ۱۳- خودکشی با سم (۶۵۹۹ مورد در سال)
- ۱۴- تصادف عابر پیاده با وسیله نقلیه موتوری (۵۴۵۷ مورد در سال)
- ۱۵- تصادف موتورسوار با وسیله نقلیه موتوری (۴۷۲۸ مورد در سال)
- ۱۶- خفگی (۳۱۸۸ مورد در سال)
- ۱۷- عوارض جراحی (۲۴۹۰ مورد در سال)
- ۱۸- آتش‌سوزی خانه (۲۱۶۸ مورد در سال)

بعد از عوامل فوق، ۳۲ عامل و بیماری دیگر از جمله مصرف الکل، افتادن از تختخواب، سانحه هوایی، پرت شدن از پنجره، غرق شدن در آب، گاز گرفته شدن به وسیله سگ و گزش توسط عنکبوت در رتبه‌های بعدی علل مرگ و میر قرار دارند.

در موارد نام برده شده فوق، می‌توان مستقیم یا غیرمستقیم نبود اعتقادات دینی در فرد را عامل ایجادکننده بسیاری از حوادث دانست. بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد، معنویات و توجه به مسائل دینی علاوه بر اینکه عامل پیشگیری‌کننده بسیاری از حوادث مانند خودکشی و... - که از جمله بیماری‌های روحی می‌باشند - را می‌گیرد، یکی از راه‌های پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری‌های جسمی نیز می‌باشد.

در ابتدای سخن باید به بررسی برخی ویژگی‌های انسان سالم پرداخت:^{۱۰}

- ۱- امکانات، خواسته‌ها، توانایی‌ها، اهداف و علایق خود را می‌شناسد.
- ۲- در برابر وقایع و اتفاقات سخت زندگی احساس ناامیدی نمی‌کند.
- ۳- از زندگی احساس رضایت و خوشی می‌کند و کمتر گرفتار نارضایتی و ناخوشی می‌شود.
- ۴- قادر به برقراری ارتباطات و مناسبات دوستانه و صمیمانه با دیگران است.
- ۵- خود عهده‌دار زندگی خویشتن است.
- ۶- خود دیگران را دوست می‌دارد و از محبت کردن به آنها لذت می‌برد.
- ۷- به ماهیت وجود خود پی می‌برد و خوب و بد خود را می‌شناسد و قبول دارد.
- ۸- آشفتگی و ناراحتی‌های خود را به نحو قابل قبول و جامعه‌پسند آشکار می‌کند.
- ۹- توانایی خودکنترلی خوبی دارد.
- ۱۰- هم در تنهایی، هم در جمع احساس شادی و خوشی می‌کند.
- ۱۱- واقعیت‌ها را همان‌گونه که هست می‌پذیرد.
- ۱۲- دیگران را تحقیر نمی‌کند و برای خود مزیتی قائل نمی‌شود.
- ۱۳- اجازه نمی‌دهد تحت تسلط دیگران قرار گیرد و دیگران را هم تحت تسلط خود نمی‌آورد.

^{۱۰}- ویژگی‌های انسان سالم، اداره مشاوره و راهنمایی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز

۱۴- از هر فرصتی برای شادی و دوری از نگرانی استفاده می‌کند به گونه‌ای که بذله‌گویی او موجب آزار و اذیت دیگران نمی‌شود.

۱۵- اجازه تقویت حالت‌هایی نظیر بدبینی، سوءظن، غرور، نخوت، شک، حسد، خودخواهی و هیجانرهای منفی از این قبیل را به خود نمی‌دهد.

۱۶- دیگران از دست و زبان و افکار و کردارش در امان هستند.

سلامت انسان به قدری با اهمیت است که مقالات مختلفی درباره آن نوشته شده و دیدگاه‌های مختلفی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند و حتی هفته‌ای را به عنوان هفته سلامت معرفی کرده‌اند. در ادیان مختلف و همچنین در دین اسلام نیز، روایات و احادیث مختلفی در این باب نقل شده است.

سلامت در ابعاد وجودی انسان

گفتیم که سلامت انسان در گرو سلامت دو بعد وجودی او یعنی روح و جسم در کنار هم است. بدین معنا که اگر فرد دچار پریشانی و بیماری‌های روحی و روانی باشد نمی‌توان گفت که از لحاظ جسمی نیز سالم است. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در مورد سلامت روح آدمی مطرح می‌شود توجه او به معنویات است.

معنویات

مجموعه آنچه که دارای ارزش و اعتبار غیرمادی است را گویند. مصادیق معنویات در زندگی انسان بسیار است که می‌توان از جمله آنها ذکر، نماز، وضو، قرآن، دعا، حجاب، روزه، حج و... را نام برد. در ادامه به بررسی بعضی از مصادیق معنویات بر سلامت جسم از دیدگاه‌های مختلف می‌پردازیم:

۱- قرآن

خداوند در سه جا از سلامت و شفابخش بودن قرآن سخن به میان آورده است:

«و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين و لا يزيد الظالمين الا خسارا؛ و ما آنچه از قرآن فرستیم شفای دل و رحمت الهی بر اهل ایمان است، لیکن کافران را به جز زیان چیزی نخواهد افزود.»^{۱۱}

«مفسرین در معنای صدر و ذیل آیه وجوه دیگری ذکر کرده‌اند، از جمله این است که مراد از (شفاء) در آیه اعم از شفای مرض‌های روحی از قبیل جهل و شبهه و شک و ملکات زشت نفسانی است، و بلکه مرض‌های جسمی را هم شامل است، زیرا با تبرک به آیات کریمه قرآن و نوشتن و همراه داشتن آنها مرض‌های بدنی هم معالجه می‌شود.»^{۱۲}

«یا ایها الناس قد جاء تکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمه للمؤمنين؛ هان ای مردم! از ناحیه پروردگارتان موعظتی و شفای قلبی و هدایتی برای عموم بشر و رحمتی برای خصوص مؤمنین بیامد.»^{۱۳}

«و کنایه است از اینکه آن حالت بد و خبیث روحی که داشتیم و مرا به سوی شقاوت سوق می‌داد و خیر دنیا و آخرت مرا از بین می‌برد، از بین رفت و زایل گردید.»^{۱۴}

«قل هو للذین آمنوا هدی و شفاء؛ بگو: این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند، هدایت و درمان است.»^{۱۵}

«قرآن هدایت و شفا است برای هرکس که دارای ایمان باشد، و او را به سوی حق هدایت می‌کند و بیماری‌های درونی، از قبیل شک و ریب را شفا می‌دهد و در عین حال برای کسانی که ایمان نمی‌آورند ضلالت و کوری است و باعث آن است که حق و راه رشاد را تشخیص ندهند.»^{۱۶}

حال این سوال به ذهن می‌رسد که چگونه قرآن شفابخش است؟

به نظر می‌رسد که تحقق شفا به وسیله قرآن از سه طریق امکان‌پذیر است: تأمین سلامت روان، تأمین سلامت جسم و معرفی اصول طبی لازم برای حفظ تندرستی.

^{۱۱} - سوره اسراء، آیه ۸۲

^{۱۲} - تفسیر المیزان، جلد سیزدهم، ذیل آیه ۸۲ سوره اسراء

^{۱۳} - سوره یونس، آیه ۵۷

^{۱۴} - تفسیر المیزان، جلد دهم، ذیل آیه ۵۷ سوره یونس

^{۱۵} - سوره فصلت، آیه ۴۴

^{۱۶} - تفسیر المیزان، جلد هفدهم، ذیل آیه ۴۴ سوره فصلت

- تأمین سلامت روان

ما به عنوان یک مسلمان معتقد، آثار روانی آیات الهی را باور داشته و شاهد آن نیز بوده‌ایم طبق تعالیم قرآن کریم در انسان دو جریان روانی وجود دارد. یکی فطرت که منشا الهی داشته و طبق آیه «فطرت الله التي فطر الناس عليها»^{۱۷} سرشت انسان‌ها را تشکیل می‌دهد و دیگری غرایز نفسانی که از آنها تعبیر به نفس اماره شده و انسان را دعوت به بدی و پلیدی می‌کند. هریک از این دو جریان سعی دارد تا بر وجود انسان حاکمیت پیدا کند.

انسان سالم از نظر روان نیز کسی است که فطرتش بر او حاکم شده و نشانه بارز این حاکمیت آرامش درون است که قرآن از آن تعبیر به سکینه و اطمینان قلب می‌کند: «و الذي انزل السكينة في قلوب المؤمنين؛ او همان خدایی است که سکینت و آرامش و قوت قلب را بر دل‌های مؤمنین نازل کرد»^{۱۸}

و اما راه رسیدن به آرامش قلب که مقدمه سلامت روان است، ذکر خدا به مفهوم او را در همه حال حاضر و ناظر بر خود دیدن است: «ألا بذكر الله تطمئن القلوب؛ آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش پیدا می‌کند»^{۱۹}

آرامش مومن نشانه انسجام عناصر روانی اوست و این آرامش در سایه ذکر به دست می‌آید. هر آنچه ذکر خداوند متعال باشد و باعث شود تا ما خود را در محضر ذات مقدسش بیابیم، باعث حاکمیت فطرت و در نتیجه آرامش روان می‌شود و چه ذکری بالاتر از قرآن کریم که تعالیم درخشان آن و حتی صوت تلاوت آن، حضور دائم ما در محضر خداوند را گوشزد می‌کند.

- تأثیر آوای قرآن کریم در کاهش درد و اضطراب

یکی از زیباترین، موزون‌ترین و روح‌انگیزترین آواها، نغمه دلنشین و صوت فرح بخش قرآن کریم می‌باشد. باشکوه‌ترین بعد اعجاز زیبایی قرآن، هم‌سازی با نغمه‌های دلنشین و آهنگ‌های وزین صوتی است.

درباره شفابخشی قرآن از جنبه علوم پزشکی برخی از محققین تأثیر قرآن بر انسان را در زمینه‌های مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار دادند و به نتایج جالب و شگفت‌انگیزی دست یافته‌اند. آوای قرآن به عنوان یکی از موسیقی‌های آئینی متناسب با ساختار جامعه ما مورد توجه پژوهشگران جهت کاستن درد و اضطراب بیماران قرار گرفته و در این زمینه مطالعاتی انجام شده است. نتایج به دست آمده در تحقیق تجویدی (۱۳۷۷) تحت عنوان بررسی تأثیر قرآن بر اضطراب بیماران قبل از عمل جراحی که بر روی ۸۰ نفر

۱۷- سوره روم، آیه ۳۰

۱۸- سوره فتح، آیه ۴

۱۹- سوره رعد، آیه ۲۸

انجام شد) نشان داد که در گروه آزمون (۴۰ نفر) که با استفاده از ضبط صوت و گوشی حداقل ۲ بار هر بار به مدت ۱۵ دقیقه قبل از عمل به آوای قرآن (آیات ۱ تا ۳۶ سوره مریم) گوش دادند میزان کاهش اضطراب نسبت به گروه شاهد به طور معنی داری بیشتر بوده است.

با توجه به مطالعات انجام شده پژوهشگران در مورد تأثیر آوای قرآن به عنوان یک روش غیردارویی، کم هزینه و مفید جهت کاهش اضطراب و درد بیماران و با عنایت به اصالت موسیقی قرائت قرآن و وسعت توجه عامه مردم به آن و تقدسی که بین جامعه دارد پیشنهاد می شود آوای قرآن کریم قبل و بعد از اقدامات درمانی جهت کاهش اضطراب و تسکین درد مددجویان مورد استفاده قرار گیرد.

۲- دعا

دعا از مصادیق روشن یاد خداست و مناسب ترین زمان آن از دیدگاه انرژی هستی و کیهانی، بین اذان صبح تا طلوع آفتاب است. پژوهش ها نشان داده اند که دعا و نیایش با نیروی شفابخش خود موجب جلوگیری از بیماری های گوناگون می شود.

- تأثیر دعا بر گلبول های قرمز

محققان در «سن آنتونیوتگزاس» از ۳۲ نفر نمونه خون گرفتند و تعدادی از گلبول ها را در محلولی قرار دادند که موجب ورم و ترکیدن آنها می شد. محققان همزمان با این آزمایش از عده ای خواستند تا برای حفظ گلبول های قرمز دعا کنند و برای تجسم بیشتر، تصاویری رنگی از گلبول ها به آنها دادند و در کمال شگفتی مشاهده کردند دعا و نیایش به طرز شگفت آوری روند ترکیدن گلبول ها را کند کرد.

- دعا و آرامش

در تحقیق از عده ای خواستند تا برای آرامش افرادی که در اتاق دیگر قرار دارند دعا کنند و نتیجه این بود که افراد دیگر بدون اینکه بدانند مورد دعا قرار گرفته اند آرام تر شدند. حتی همین نتیجه هم مورد بررسی قرار گرفت و دیده شد در طول زمان به دنبال وقایعی چون شکست های فردی، جنگ و درگیری که سیستم ایمنی بدن به خطر می افتد و احتمال مبتلا شدن به بیماری های قلبی، سکنه، اختلال های روده و زخم های گوارشی بیشتر می شود، با انتقال احساس آرامش از فردی به فرد دیگر سیستم دفاعی بدن به صورت غیرمستقیم تقویت می شود.

- امواجی که دعا از آنها می گذرد

«جک استاکی» یکی از پژوهشگران دعادرمانی است که تاثیر دعا را بر میدان‌های الکترومغناطیسی بدن بررسی کرده است.

آزمایش او به این ترتیب بود که میزان فعالیت الکتریکی در مغز و سطح بدن افراد را در آزمایشگاه خود زیر نظر گرفت، در حالی که هزاران کیلومتر آن طرف‌تر در کالیفرنیا گروه‌هایی مذهبی برای این افراد دعا می‌کردند. نتیجه مطالعه باز هم شگفت‌آور بود، چرا که بین میزان فعالیت الکتریکی بدن کسانی که برایشان دعا شده بود و افرادی که برایشان دعا نشده بود، اختلاف فاحشی وجود داشت.

- تأثیر دعا بر روی فرد

در سال ۱۹۹۳، تحقیقی روی ۱۰هزار کارمند دولتی در طول ۲۶ سال (افراد اهل دعا و کسانی که اهل دعا نبودند) انجام گرفت. مشاهده شد میزان مرگ و میر افرادی که دعا نمی‌کردند به خاطر مشکلات قلبی و عروقی بسیار بیشتر از افرادی بود که اهل دعا بودند.

همچنین در سال ۱۹۹۵ تحقیق دیگری روی ۲۵۰ نفر که عمل جراحی قلب باز کرده بودند انجام شد و دانشمندان در کمال حیرت دیدند آن دسته افرادی که از ارتباط مذهبی و حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار بودند، ۱۲ بار کمتر از آنهایی که فاقد این ارتباط بودند، با مرگ دست به گریبان شدند.

به غیر از تحقیق روی کسانی که عمل‌های جراحی سنگین داشتند، این تحقیقات روی افراد عادی هم انجام گرفت و دیده شد در میان افرادی که عادت به انجام امور مذهبی از قبیل دعا و نماز داشتند، بیماری افسردگی شیوع کمتری داشت.

- دعا و علم فیزیک کوانتوم

التیام فشار خون بالا، درمان زخم و جراحی، به حداقل رساندن حملات قلبی، بهبود سردرد و اضطراب از دیگر نتایجی بود که تحقیقات برای آثار دعا به ثبت رساند تا جایی که امروز افراد زیادی از طریق اینترنت، درخواست‌های خود را برای گروه‌های مذهبی می‌فرستند، هر چند هنوز به طور دقیق مشخص نشده است که مکانیسم این عمل چگونه است، اما تئوری‌ها و حدس و گمان‌های بسیاری در این باره وجود دارد تا جایی که «دوسی» متخصص دعا و درمان، نقش علم فیزیک کوانتوم را در این باره بسیار موثر می‌داند.

تحقیقی روی ۹۱ هزار نفر در مریلند انجام گرفت که نشان داد افرادی که به طور منظم به کلیسا نمی‌روند، بیشتر از دیگر افراد به خاطر بیماری‌های قلبی جان می‌سپارند و اقدام به خودکشی در بین این افراد، ۵۳ درصد بیشتر است.

جالب این که در آمریکا ۳۰ مرکز آموزش پزشکی، درس‌های تاثیر ایمان در پزشکی را ارائه می‌دهند و عده‌ای از پزشکان معتقدند اگر قبل و بعد از جراحی یا پیش از شروع درمان بیمار، برای بهبود او دعا شود، این روند در بهبود بیمار بسیار تاثیرگذار است.

- دعا در ادیان الهی

گذشته از نتایج علمی که درباره دعا به اثبات رسیده، اگر به آیات و روایات رجوع کنیم، می‌بینیم که در تمام ادیان الهی انسان به «دعا کردن» تشویق شده است.

مسیحیان هم بسیار به خواندن دعا اعتقاد دارند، چرا که در کتاب مقدس‌شان (انجیل) به این امر توصیه شده‌اند و دعا در دین مسیحیت جایگاه ویژه‌ای دارد، تا جایی که ارتدوکس‌ها به طور سنتی در گوشه‌ای از خانه، در مقابل شمایی از عیسی مسیح، چراغ یا شمعی روشن می‌کنند و دعا می‌خوانند.

یهودیان هم در کتاب مقدس خود بسیار به دعا کردن و راز و نیاز با خدا تشویق شده‌اند تا جایی که در این باره می‌خوانند: «هر آن کس که ترس خدا در دل اوست، سخنانش شنیده می‌شود و دعایش مستجاب می‌شود.»

۳- نماز

- یافته‌های جدید درباره سجده کردن

هر اندازه که محور طولی انسان کاهش یابد، در معرض اشعه‌های الکترومغناطیسی قرار گرفتن او نیز کم می‌شود.

در زمان سجده کردن هم محور طولی انسان و هم به دنبال آن میزان تأثیرگذاری الکتریسیته‌ها کم می‌شود و سپس عمل تخلیه از طریق تماس پیشانی با زمین صورت می‌گیرد، البته در زمان سجده به دلیل آنکه دیگر نقاط بدن هم با زمین ارتباط می‌یابند، عمل تخلیه آسان‌تر انجام می‌شود و انسان از بیماری‌های روحی، جسمی و حتی سرطان در امان می‌ماند.

شیوه درست تخلیه الکتریسیته بدن به همان شیوه‌ای است که انسان در زمان نماز گزاردن دارد و به سوی مکه نماز می‌خواند، چرا که این حالت بهترین حالت است و شخص احساس آرامش و راحتی بیشتری خواهد داشت.

- تأثیر نماز بر اضطراب

پیشرفت سریع و پیچیده تمدن و در عین حال بی‌توجهی به ارزش‌های مذهبی و خانوادگی هر روز بیش از پیش برای افراد و اجتماع اضطراب‌های جدید به وجود می‌آورد. از نظر روان‌پزشکان، اضطراب با یک احساس منتشر و مبهم دلواپسی که اغلب ناخوشایند و بدون دلیل است مشخص می‌شود که معمولاً با یک یا چند مشکل جسمی همراه می‌گردد. از جمله شخص ممکن است علامت‌های جسمی چون احساس تپش قلب، تنگی نفس و درد قفسه سینه، خالی شدن سردل، تعریق، سردرد، تکرر ادرار، اسهال، گزگز دست و پاها، لرزش و... را نیز به همراه داشته باشد.

اضطراب، گاهی به شکل طبیعی در اشخاص سالم بروز می‌کند و گاهی به صورت بیمارگونه و دائمی در می‌آید که نیاز به درمان و مراقبت پزشکی دارد. با اینکه دلایل علمی گوناگونی از دیدگاه‌های مختلف به عنوان دلایل بروز اضطراب و تشدید آن ارائه شده است اما همچنان دور شدن از ایمان مذهبی، به عنوان یک عامل مهم در بروز اضطراب نقش غیرقابل انکاری دارد و به این ترتیب نقش پیشگیری‌کننده و حتی درمانگر مذهب در مورد اضطراب قابل بررسی است. آرامش حاکم بر روح و روان و در نتیجه آن سلامت جسم اشخاص مذهبی، در مقایسه با آشفتگی روانی و جسمی و اضطراب لامذهب‌ها از دیرباز مورد توجه پزشکان بوده است.

به این ترتیب در بعد پیشگیری از اضطراب و برای آرامش دائمی جسم و روان، «نماز» نقش خارق‌العاده‌ای را ایفا می‌کند. در مورد اضطراب، بد نیست به این نکته اشاره کنیم که شخص نمازگزار با ایمان به قدرت لایتناهی پروردگاری که در مقابلش کرنش می‌کند، خود را در مقابل هر عاملی که قصد به خطر انداختن و ترساندن (و در نتیجه مضطرب ساختن) او را داشته باشد ایمن می‌یابد و ضمن تکرار باور اعتقادی خود طی نمازهای پنجگانه یومیه این ایمنی همه جانبه را، به روان خود تلقین می‌کند و سرانجام آرامش عمیق را در وجود خود ملکه می‌سازد. در راستای این موضوع تحقیقات علمی در برخی کشورهای مسلمان نشان می‌دهد که بیماران مضطربی که در کنار درمان‌های رایج ضد اضطراب، به خواندن نماز و قرآن و حتی احادیث نبوی مشغول شده‌اند، از بهبودی بالاتری نسبت به سایرین برخوردار بوده‌اند.

- تأثیر نماز بر جسم

برخی از کارشناسان معتقدند نماز خواندن تنها غذای روح انسان نیست، بلکه جسم انسان‌ها را نیز تقویت می‌کند و آنها را در مبارزه با مشکلات روزمره یاری می‌دهد. وقتی چشم‌ها در حالت نماز ثابت می‌ماند جریان فکر هم خود به خود آرام شده و در نتیجه تمرکز فکر افزایش می‌یابد. ثابت ماندن چشم باعث بهبود ضعف و نواقصی مانند نزدیک بینی می‌شود و به لحاظ روانی این حالت باعث افزایش مقاومت عصبی فرد شده و بی‌خوابی و افکار ناآرام را از انسان دور می‌کند.

ایستادن در حالت نماز باعث تقویت حالت تعادلی بدن شده و قسمت مرکزی مخچه که محل کنترل اعمال و حرکات ارادی است را تقویت می‌کند و این عمل باعث می‌شود فرد با صرف کمترین نیرو و انرژی به انجام صحیح حرکات بعدی بپردازد.

نماز قسمت فوقانی بدن را پرورش داده و ستون مهره‌ها را تقویت کرده و آن را در حالت مستقیم نگاه می‌دارد. تقویت احشا و ماهیچه‌های شکم، حفظ سلامت دستگاه گوارش و رفع یبوست مزمن، سوءهاضمه و بی‌اشتهایی از دیگر خواص نماز خواندن و رکوع در نماز است. کارشناسان می‌گویند در حالت رکوع ماهیچه‌های اطراف ستون مهره‌ها منبسط می‌شود که در متعادل و آرام کردن سمپاتیک موثر است. مدت زمان خواندن ذکر رکوع نیز باعث تقویت عضلات صورت و گردن ساق پا و ران‌ها می‌شود و به این ترتیب به جریان خون در قسمت‌های مختلف بدن سرعت می‌بخشد.

تنظیم متابولیسم بدن، فراهم نمودن زمینه از بین رفتن اکثر بیماری‌ها از بدن، کمک به افزایش حالت استواری و استحکام مغز و بهبود ناراحتی‌های تناسلی و نارسایی‌های تخمدان از دیگر خواص رکوع در نماز است. سجده نیز ستون مهره‌های بدن را تقویت کرده و دردهای سیاتیک را آرام می‌کند. سجده علاوه بر از بین بردن یبوست و سوءهاضمه، پرده دیافراگم را تقویت کرده و به دفع مواد زائد بدن به دلیل فشردن منطقه شکمی کمک می‌کند.

سجده همچنین باعث افزایش جریان خون در سر شده که این امر با تغذیه این غدد باعث حفظ شادابی، زیبایی و طراوت پوست می‌شود. حالات سجده به واسطه باز شدن مهره‌ها از یکدیگر باعث کشیده شدن اعصابی که قسمت‌های مختلف بدن را به مغز وصل می‌کند، شده و این اعصاب را در یک حالت تعادلی قرار می‌دهد که این امر برای سلامت انسان بسیار حائز اهمیت است. سجده باعث آسودگی و آرامش در فرد شده و عصبانیت را تسکین می‌دهد.

استحکام بخشیدن و تقویت عضلات پاها و ران‌ها، کمک به نفخ معده و روده، بهبود فتق، از خواص نشستن بعد نماز است. روشن است که نماز فلسفه خاص خود را دارد که معراج مومن و مایه قرب به حق است و آن را باید فقط برای خداوند تعالی خواند و نه به انگیزه فواید و آثاری از این دست، ولی آگاهی از این دست نظرات علمی نیز می‌تواند برای برخی مفید باشد.

- تأثیر نماز بر فشار خون

افزایش فشار خون یکی از شایع‌ترین دلایل مراجعه به پزشک در سرتاسر دنیاست. به علت عوارض خطرناک و متعددی که این بیماری برای بسیاری از اعضای بدن از جمله قلب، مغز، کلیه و چشم و... دارد، سعی و اهتمام فراوانی در دانش پزشکی برای پیشگیری و کنترل این بیماری وجود دارد.

در تمامی منابع معتبر علمی، برای پیشگیری از ابتلا به افزایش فشار خون و همچنین کنترل بیماری اشخاص بسیاری که افزایش فشار خونی در حد خفیف یا متوسط دارند، رعایت برخی اصول و استفاده از درمان‌های غیردارویی توصیه می‌شود. درمان‌های غیردارویی ضمن آن که هزینه چندانانی را بر بیمار تحمیل نمی‌کنند، در پایین آوردن فشار خون و ممانعت از بروز و پیشرفت آن مؤثرند.

چهار درمان اولیه و بسیار مهم غیردارویی که در منابع جدید علمی برای کنترل فشار خون مورد توجه قرار می‌گیرند، عبارتند از:

۱- کاهش اضطراب و استرس

۲- کاهش یا عدم مصرف الکل

۳- کم کردن وزن

۴- انجام ورزش‌های سبک به طور منظم در شبانه‌روز

اما با توجه به نقش بسیار مهمی که نمازهای واجب یومیه، در ایمن کردن انسان در مقابل استرس‌ها و مشکلات گوناگون زندگی ایفا می‌کنند و نیز با توجه به الزامی که نماز به شخص نمازگزار مبنی بر عدم مصرف مشروبات الکلی می‌دهد، می‌توان این امر را قدم مؤثری در پیشگیری و کنترل فشار خون تلقی کرد. از طرفی نماز با حرکات موزون و قیام و قعود و رکوع و سجود منظمی توأم است که قابل مقایسه با یک نرمش سبک روزانه مشابه آنچه که در درمان‌های غیردارویی فشار خون توصیه می‌شود، می‌باشد. همچنین اگر به یاد آوریم که مسلمان نمازگزار، رو به قبله مکتبی نماز می‌خواند که خدای آن مکتب از پرخوری و شکم پارگی بیزار است و مثلاً «عالمان فربه و چاق را دشمن می‌انگارد» متوجه خواهیم شد که هر چهار درمان غیردارویی مذکور، برای کنترل و پیشگیری افزایش فشار خون، در ورای احکام نورانی نماز نهفته است.

- تأثیر نماز بر بیماری افسردگی

حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «خداوند هرگاه خیری بر بنده‌اش بخواهد به او کم‌خوابی و کم‌خوری و کم‌حرفی را تلقین می‌کند.»^{۲۰}

پس از آنکه حدود ۴۵ دقیقه از به خواب رفتن انسان گذشت، مرحله REM آغاز می‌شود و به مدت کوتاهی حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه ادامه می‌یابد.

^{۲۰}- مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۱۳

در طول مرحله REM از خواب، به طرز اسرارآمیزی تمام عضلات اسکلتی بدن از کار می‌افتد و شخص کاملاً بی‌حرکت می‌شود و نوار مغزی شخص به جای حالت خواب، حالت بیداری کامل را نشان می‌دهد، به طوری که در این حالت مغز از فعالیت بالایی برخوردار است.

در طی REM درجه حرارت بدن و ضربان قلب به طور غیرمنتظره بالا می‌رود و حرکات سریعی در چشمان فرد دیده می‌شود که وجه تسمیه این مرحله نیز می‌باشد (مرحله حرکات سریع چشم RAPID EYE MOVEMENT) و چنانچه شخص را در این حالت بیدار کنیم به احتمال بسیار قوی ابراز می‌کند که در حال خواب دیدن بوده است. مرحله REM پس از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه متوقف می‌شود و پس از آن در طول خواب و به طور دوره‌ای و منظم تکرار می‌شود. با این وجود کل دوران REM در طول یک خواب ۸ ساعته در اشخاص طبیعی ۹۰ دقیقه خواهد بود و قسمت اعظم آن در ساعات نزدیک به صبح به وقوع می‌پیوندد.

امروزه دانش پزشکی به اثبات رسانده است که در بیماری افسردگی یکی از تظاهرات مهم، افزایش یافتن طول خواب REM نسبت به میزان طبیعی است. به طوری که شخص افسرده به میزانی بیش از سایر اشخاص خواب می‌بیند. یعنی زمان بیشتری را در مرحله REM به سر می‌برد.

از این جهت یک مبنای مهم در تولید داروهای ضد افسردگی ایجاد داروهای است که کاهش‌دهنده مرحله REM خواب باشند. (از جمله داروهای ضد افسردگی ۳ حلقه‌ای)

علاوه بر این یک روش درمانی جدید برای بیماران افسرده، بیدار نگه داشتن آنها، برای کاهش میزان REM می‌باشد. زمان نماز صبح که در سوره مبارکه «اسراء» با عنوان «إن قرآن الفجر كان مشهودا» از آن نام برده شده است و مورد تاکید فراوان می‌باشد، به گونه‌ای قرار گرفته است که سبب کاهش دادن قابل ملاحظه میزان خواب REM در اشخاص می‌شود.

همانطور که خواندید قسمت اعظم خواب REM در حوالی صبح به وقوع می‌پیوندد و چنانچه شخص خود را ملزم به بیداری صبحگاهی کند در حقیقت جلوی ورود خود به مرحله قابل توجهی از خواب REM را گرفته است.

از این جهت بیداری صبحگاهی برای نماز خود به تنهایی می‌تواند به عنوان واکسنی در پیشگیری از افسردگی و حتی دارویی در درمان افسردگی مطرح باشد. لازم به توضیح است که خواب REM در حد

تعادل برای سلامت و رفع خستگی لازم است اما زیادی آن منجر به مشکلات مختلف از جمله افسردگی می‌شود و نقش نماز به عنوان متعادل‌کننده میزان REM مطرح است.^{۲۱}

- تأثیر نماز بر آرامش عضلات

گروهی از نویسندگان مسلمان کوشیده‌اند، در حرکات حین نماز اعم از قیام و قعود و رکوع و سجود جنبه‌هایی از نرمش عضلانی و ورزش بدنی را بجاوند و آن را با نرمش‌های متداول دیگر که منجر به استراحت و آمادگی عضلانی می‌شوند، مقایسه کنند. اما دیدگاه ما به آرامش عضلانی ناشی از نماز، از دریچه دیگری است.

دانش پزشکی امروز، به اثبات رسانده است که اگر شخصی در ساعت حدود ۱۰ شب بخوابد و حدود ساعت ۵ صبح از خواب بیدار شود (یعنی حدود ۷ ساعت خواب) در ساعت حدود ۱ بامداد، در بدن او برخی مواد شیمیایی شبه مورفین که به عنوان گروهی اندورفین‌ها و آنکفالین‌ها نامگذاری شده‌اند، ترشح می‌شوند که این مواد اثر مستقیم بر روی قسمت‌های مختلف بدن از جمله عضلات اسکلتی دارند و منجر به راحتی (RELAXATION) عضلانی، در طول روز آینده برای فرد می‌شوند.

اما چنانچه شخص در ساعت حدود ۱۲ شب بخوابد و صبح روز بعد ساعت ۱۰ صبح از خواب برخیزد (یعنی حدود ۱۰ ساعت خواب) اندورفین‌ها و آنکفالین‌ها برخلاف حالت گذشته افزایش ترشح کافی پیدا نمی‌کنند. این امر سبب می‌شود، با این که شخص حدود ۳ ساعت بیشتر از شخص قبلی خوابیده است، از آرامش و استراحت عضلانی به اندازه کافی بهره‌مند نشود و درست به همین علت است که هرچه خواب انسان بیشتر ادامه پیدا کند، احساس خستگی و کوفتگی عضلانی پس از آن بیشتر خواهد بود.

و اما فریضه «نماز» با اثر درخشان و بی‌نظیری که در ایجاد بهداشت خواب دارد، در این مورد نیز نقش بسیار موثری ایفا می‌کند. چرا که «نماز صبح» ضمن ایجاد الزام و وجوب برای سحرخیزی، انسان را خود به خود به سوی یک آرامش عضلانی ناشی از مواد شیمیایی درون‌زا سوق می‌دهد.

بزرگان عرصه علم و اندیشه مانند استاد شهید مرتضی مطهری (ره) نیز برنامه زندگی خود را بر مبنای خوابیدن در ساعت حدود ۱۰ شب و برخاستن از خواب، حدود نیم ساعت قبل از اذان تنظیم کرده بودند تا از مواهب خدادادی و بی‌حد و حصر نماز، حداکثر فیض و بهره را ببرند.^{۲۲}

^{۲۱}- روان‌پزشکی کاپلان - سادوک «ترجمه فارسی دکتر پورافکاری»

^{۲۲}- طهارت روح (نماز در آثار شهید مطهری) - خاطره دکتر علی لاریجانی

- تأثیر وضو بر جلوگیری از عفونت

عوامل عفونی مختلف اعم از باکتری‌ها، ویروس‌ها و انگل‌ها، می‌توانند باعث درگیری دستگاه گوارش انسان و مشکلات متعدد ناشی از آن شوند. این مشکلات می‌توانند از یک خارش ساده شبانه بر اثر ابتلا به نوعی انگل، تا اسهال‌های وحشتناک تظاهر کنند. اما یکی از برجسته‌ترین مواردی که در آن شعار معروف علم طب، «پیشگیری همیشه مؤثرتر از درمان است» صدق می‌کند، همین مورد عفونت‌های گوارشی است.

دانش پزشکی، امروزه عامل انتقال بسیاری از عوامل عفونی را اصطلاحاً (Fecal Oral مدفوعی - دهانی) شناسایی کرده است که یک گروه عمده از این عوامل عفونی دارای این ویژگی هستند که پس از اجابت مزاج بر روی دست باقی می‌مانند و بعداً در موقع غذا خوردن و از طریق دهان وارد بدن می‌شوند و ایجاد بیماری می‌نمایند.^{۲۳} از این جهت امروزه در همه ممالک پیشرفته اولین اصل بهداشتی که برای مقابله با عفونت‌های گوارشی به همگان (به خصوص کودکان) آموزش داده می‌شود، شستشوی دست‌ها قبل از غذا خوردن و پس از اجابت مزاج است و به این ترتیب تأثیر نظافت دست‌ها در پیشگیری از گروه زیادی از بیمارهای عفونی، باور نکردنی است. فرمان وضو که قرآن کریم در آیه ۶ از سوره مبارکه مائده در قرآن مجید، صادر کرده است، به سادگی و صراحت امر به شستشوی دستان (تا آرنج) می‌کند و ۱۴ قرن پیش با بیان دستوری پیرامون نماز، پیام‌آور نکته‌ای می‌شود که علم بشری در آستانه قرن ۲۱ به اهمیت بیش از پیش آن، دست یافته است.

مقارنت اوقات نماز با سه وعده معمول غذایی (صبحانه و نهار و شام) یا حتی وعده‌های غذا هنگام روزه‌داری (سحر و افطار) سبب می‌شود که شخص نمازگزار، موقع انجام وضو (که معمولاً متعاقب اجابت مزاج نیز هست) خود به خود به شستشوی دست‌ها بپردازد و هرگونه عامل بیماری‌زای عفونی را از دست‌های خویش بزداید و در نتیجه موقع صرف غذا، هیچ عامل عفونی ناشی از دست‌های آلوده موفق به ایجاد بیماری در بدن او نشود.

- تأثیر وضو بر سلامت کلیه

سلامت دستگاه ادراری انسان، به خصوص کلیه‌ها، تأثیر مهمی در ادامه حیات انسان دارند. بیماری کلیوی از دردناک‌ترین و پر مخاطره‌ترین، گرفتاری‌های جسمی است.

در این میان عفونت دستگاه ادراری که یکی از شایع‌ترین علل مراجعه بیماران به مطب پزشکان می‌باشد، علاوه بر آن که خود به خود و به تنهایی بیماری آزاردهنده‌ای است، گاهی سبب بروز بیماری‌های دیگر نیز در بدن انسان می‌شود. به عنوان مثال برخی عفونت‌های دستگاه ادراری می‌توانند، گاهی باعث نارسا شدن و از کارافتادگی کلیه شوند یا عفونت کلیوی در خون و در نتیجه در تمام بدن پخش شود یا برخی عفونت‌ها ممکن است به ایجاد سنگ کلیه در بیماران منتهی شوند، که همه اینها نشانه اهمیت موضوع است.

ادرار پس از آنکه توسط دو کلیه انسان تولید شد، توسط دو لوله موسوم به «حالب» که کلیه‌ها را به مثانه وصل می‌کنند، به مثانه تخلیه می‌شود تا بدان وسیله از بدن دفع گردد. حال چنانچه مثانه به موقع از ادرار خالی نشود، ادرار از مثانه به حالب‌ها و حتی کلیه باز می‌گردد و همین برگشت ادرار، سبب ایجاد استعداد در فرد برای ابتلا به عفونت کلیه می‌شود و به این ترتیب کسانی که در شبانه روز، بنا به هر علتی به ندرت ادرار می‌کنند به طور جدی در معرض خطر هستند. اما در رساله‌های فقهی توضیح المسائل، یکی از مبطلات وضو و نماز، خروج بول و غائط و نفخ کلیه (گاهی کلیه‌ها را دردی می‌گیرد شبیه به درد کلیه اما شن یا سنگی در کلیه‌ها یا مجاری ادراری وجود ندارد. اطبای سنتی معتقدند گاهی مقداری از گازها و حباب‌های هوای داخل خون از راه مویرگ‌ها به کلیه منتقل شده و تجمع تعدادی از آنها در کلیه‌ها حالتی را به نام نفخ کلیه به وجود می‌آورد)، از بدن انسان درج شده است و این موضوع سبب می‌شود که شخص نمازگزار و احیاناً «دائم‌الوضو»، برای پرهیز از ابطال عبادتش به طور معمول و برحسب عادت، قبل از وضو، به تخلیه ادرار بپردازد.

به این ترتیب حداقل سه بار، دفع ادرار از بدن، در زمان‌هایی به فواصل مناسب نسبت به یکدیگر و در حدی که برای یک انسان طبیعی لازم است، فرد را در مقابل ابتلا به عفونت‌های کلیه و دستگاه ادراری مصون می‌سازد و می‌تواند به عنوان نکته‌ای مهم پیرامون نماز مورد توجه قرار گیرد.

- تأثیر وضو بر ایمنی حواس

دانش بشری از سال‌ها پیش حواس انسان را در پنج عنوان (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه) طبقه بندی می‌کند و همین حواس پنجگانه هستند که رابطه گسترده انسان و دنیای اطراف او را شکل می‌دهند.

نظافت صورت: در آیه شریفه ۹ از سوره مبارکه مائده، به عنوان یک فرمان لایتغیر الهی بر عموم مسلمانان واجب شده است.

در اهمیت نظافت صورت شاید همین نکته کافی باشد که چهار حس از مجموع حواس پنجگانه بشری در وابستگی کامل با صورت بسر می‌برند. تماس آب - که منشأ پاکیزگی و حیات است - به صورت علاوه

بر محاسن متعددی که از جهت برقراری تعادل ناقل‌های عصبی در بدن انسان دارد، از دیدگاه مقابله با آلودگی‌هایی که ممکن است، در چشم، بینی، دهان، پوست صورت و... ایجاد بیماری کند، مهم است به خصوص که حین وضو استفاده از شانه و مسواک ذکر شده است.

با این که دست قدرتمند صنع الهی، چنان ساختمان گوش و بینی و چشم و... را آفریده است که خود به خود مقاومت بی‌نظیری در مقابل آلودگی می‌کنند و روزانه بارها و بارها بدون آنکه انسان وقوفی پیدا کند، آلودگی‌ها را از خود دور می‌سازند (مثلا در گوش جریان موم، در بینی موهای ریز متعدد، در چشم پلک زدن و اشک و...) اما چنانچه آب نیز در شستشوی صورت به کار برده شود، ما حاصل فعالیت پاک‌کنندگی اعضای صورت به نتیجه خواهد رسید.

علاوه بر این که حداقل ۳ بار شستشوی صورت هرگونه آلودگی محیطی را نیز از آن خواهد زدود، توجه به این نکته مهم است که دو راه عمده ابتلا به عفونت‌ها (دهانی و استنشاقی) هر دو مربوط به محدوده صورت هستند.

در هر صورت دستور قرآن مبنی بر شستن دست‌ها و صورت قبل از نماز با توجه به این که اعضا معمولاً پوشانده نمی‌شوند (حتی در مورد حجاب خانم‌ها مورد استثناء واقع شده‌اند وجه و کفین) و در نتیجه با وجود اهمیت آنها از نظر تمرکز حس‌های پنجگانه، در معرض آلودگی دائمی هستند، می‌تواند حاوی حکمت‌های بی‌شمار باشد.

۵- روزه

در میان کتاب‌های پزشکی (قدیم و جدید) کمتر کتابی یافت می‌شود که درباره روزه و نقش آن در تندرستی انسان، سخنی به میان نیامده باشد. پزشکان بر این باورند که روزه می‌تواند بسیاری از بیماری‌ها را درمان نماید و حتی در موارد متعدد از آن به عنوان تنها راه درمان برخی از بیماری‌ها یاد کرده‌اند.

دکتر کارلو (پزشک آمریکایی) در این زمینه می‌گوید: «روزه‌ای که دین اسلام واجب کرده است، بزرگ‌ترین ضامن سلامتی انسان است.» وی برای درمان بیست و نه مورد از بیماری‌های صعب‌العلاج گرفتن روزه را شدیداً تجویز می‌کند که - جهت اختصار - تنها به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: سرطان خون، بیماری‌های عصبی، یبوست مزمن، ناراحتی گرده و مثانه، گرفتگی مجاری خون، فشار خون بالا، بیماری‌های معده و روده، امراض چشمی مثل آب چشم، افسردگی، ضعف جنسی، ورم کیسه صفرا و... .

دکتر آلکسی سوفورین (پزشک روسی) می‌گوید: «تنها راه برای قطع ریشه سرطان، روزه است و بس».

وی می‌افزاید: «درمان از طریق روزه فایده ویژه‌ای در بیماری‌های کم‌خونی، ضعف روده‌ها، التهاب بسیط و مزمن، دمل‌های درونی و بیرونی، سل، بیماری‌های شکر، جلدی و مانند آن دارد.»^{۲۴}

دکتر الیکسس کارل در کتاب «انسان موجود ناشناخته» می‌نویسد: «لزوم روزه‌داری در همه ادیان تأکید شده است. هرچند در روزه‌داری، در آغاز، گرسنگی و گاهی نوعی تحریک عصبی و سپس ضعف احساس می‌شود ولی در عین حال کیفیات پوشیده‌ای به فعالیت می‌افتند و در نتیجه همه اعضا، مواد خاص خود را برای نگهداری و تعادل محیط داخلی قلب، قربانی می‌کنند.»

دیدگاه کوپل پا (فرانسوی): «بیشتر بیماری‌ها ناشی از تخمیر یافتن غذا در روده‌ها است که همه با روزه اصلاح می‌گردد.»

دکتر پاک نژاد (پزشک ایرانی) بر این بارو است: «در مدت یک ماه روزه‌داری، انسان دارای یک بدن تازه، تعمیر یافته و آزاد گردیده و از قید و بند سموم رهایی می‌یابد.»

دکتر اوتوبو خنگر می‌گوید: «در مدت پنجاه سال که از تأسیس درمانگاه (کلینک) من می‌گذرد، بیش از پنجاه هزار بیمار در این درمانگاه توسط روزه درمان شده‌اند.»

آنچه از دیدگاه‌های برخی از پزشکان مسلمان و غیرمسلمان درباره نقش روزه در بهداشت و سلامتی جسم، نقل کردیم تنها مستی از خروارها عقیده و نظر است که دکترهای قدیم و جدید ابراز نموده‌اند و ذکر تمام آنها از حوصله این نوشته بیرون است؛ از این جهت، بخش نقل اقوال را با سخنان زیبا و دلنشین دکتر تومانیاس به پایان می‌بریم. وی می‌گوید:

«فایده بزرگ کم خوردن و پرهیز کردن از غذاها در یک مدت کوتاه آن است که چون معده در طول مدت یازده ماه، مرتب پر از غذا بوده، در طی یک ماه روزه‌داری مواد غذایی خود را دفع می‌کند و همین‌طور جگر که برای حل و هضم غذا مجبور است دائماً صفرای خود را مصرف کند در مدت سی روز (یک ماه روزه‌داری) ترشحات صفرائی را صرفاً حل کردن باقیمانده غذای جمع‌آوری شده خواهدکرد. دستگاه هاضمه در نتیجه کم خوردن غذا، اندک فراغت حاصل نموده و خستگی را از خود دور می‌نماید. روزه یعنی کم خوردن و کم آشامیدن در مدت معین از سال. این بهترین راه درمان و حفظ تندرستی است که طب قدیم و جدید را از این جهت متوجه خود ساخته است. مخصوصاً بیماری‌هایی که بر دستگاه‌های هاضمه،

به خصوص گرده و جگر عارض می‌گردد و توسط دوا نمی‌توان آنها را درمان کرد، روزه به خوبی معالجه می‌نماید.»

همه این دیدگاه‌ها در دو جمله کوتاه و نغز حضرت رسول اکرم (ص) خلاصه می‌شود:

الف- «معهده مرکز تمام بیماری‌ها و پرهیز بهترین راه برای درمان آنهاست»

از این جهت است که پرخوری، خوابیدن و حمام کردن با شکم پر و... در دین اسلام، مکروه و ناپسند شمرده شده است، زیرا به سلامتی انسان آسیب می‌رساند.

ب- «روزه بگیریید تا تندرست بمانید»

خلاصه آنکه معده کانون انواع بیماری‌ها است و راه معالجه آنها روزه گرفتن می‌باشد زیرا عامل بسیاری از مرض‌ها افراط و زیاده‌روی در خوردن غذاهای گوناگون است، چون مواد اضافی و جذب نشده به صورت چربی‌های مزاحم در نقاط مختلف بدن و یا به صورت چربی و قند اضافی در خون باقی می‌ماند. این مواد اضافی در لابه‌لای عضلات بدن، در حقیقت لجن‌زارهای متعفن برای پرورش انواع میکروب‌ها و بیماری‌های عفونی قرار می‌گیرد در این حال بهترین راه مبارزه با این نوع بیماری‌ها و نابود کردن این لجن‌زارها، امساک (روزه گرفتن) است.

- روزه و سلامت روانی

نقش روزه در سلامتی روان و طهارت روح، به مراتب افزون‌تر از نقش آن در سلامتی جسم است؛ زیرا گرفتن روزه - بر اساس گفته روان‌شناسان و روان‌پزشکان - هم باعث کاهش بیماری‌های روانی (حتی در بعضی موارد سبب درمان قطعی آنها) می‌شود و هم تقویت، پاکی و بزرگی روح را در پی دارد. برخی از آثار روحی روزه عبارت است از: تقویت اراده، پاکیزگی روح، نزدیکی به خدا.

نتیجه گیری

با بررسی‌هایی که در این مقاله صورت گرفت، که البته قطره‌ای از دریای بیکران بود، می‌توان گفت که نزدیکی به خداوند و داشتن ایمان بالا نه تنها در روح انسان بلکه در جسم نیز اثر مثبت خواهد گذاشت و با توجه به ویژگی‌های انسان سالم می‌توان به این موضوع رسید که سلامت نه تنها فرد بلکه جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرد سالم از بسیاری از تنش‌های فردی و اجتماعی دور می‌شود، اضطراب و بیماری‌های روحی به سراغ او نمی‌آید و باعث می‌شود فرد در اجتماع و در برخورد با افراد دیگر جامعه متشنج عمل نکند. سلامت جسمی فرد نیز چون به روح او گره خورده، در انتها فردی را به اجتماع، خانواده و زندگی فردی تحویل می‌دهد که از هر نظر متعادل است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- تفسیر المیزان، طباطبایی، سید محمدحسین، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اسفند ۱۳۸۷
- ۳- مستدرک الوسائل، نوری طبرسی، میرزا حسین، مؤسسه آل البیت (ع)
- ۴- دانشنامه احادیث پزشکی، محمدی ری شهری، محمد، ترجمه دکتر حسین صابری، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۵
- ۵- راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز (قرآن و طب)
- ۶- بررسی نقش معنویت و مذهب در سلامت، دباغی، پرویز، مجله دانشکده پیراپزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷
- ۷- پاسخ به پرسش‌های جوانان، محمدی‌نیا، اسدالله، بحث روزه، انتشارات سبب اکبر، ۱۳۸۶
- ۸- بخشی از نوشته دکتر مجید ملک محمدی
- ۹- هفته نامه سلامت، سارا جمال‌آبادی
- ۱۰- بیماری‌های عفونی، ترجمه مبانی طب سیسیل
- ۱۱- ویژگی انسان سالم، اداره مشاوره و راهنمایی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز
- ۱۲- روان‌پزشکی کاپلان، سادوک، ترجمه دکتر پورافکاری
- ۱۳- طهارت روح (نماز در آثار شهید مطهری)، خاطره آقای علی لاریجانی
- ۱۴- پایگاه اطلاع‌رسانی پزشکی شفا
- ۱۵- سایت انجمن تحقیقات طب سنتی ایران
- ۱۶- رده‌بندی عوامل مرگ و میر در جهان، سایت خبری - تحلیلی «الف»
- ۱۷- سایت طب اسلامی

حکم ماهواره

نظر مراجع بزرگوار تقلید را درباره مشاهده برنامه های ماهواره بیان کنید؟

آیت الله خامنه ای و آیت الله مکارم: استفاده از برنامه های مفید و مشروع (مانند برنامه های علمی و قرآنی) هر چند فی نفسه مانعی ندارد؛ ولی با توجه به اینکه برنامه هایی که از طریق این دستگاه پخش می شود غالباً در بردارنده آموزش افکار گمراه کننده و تحریف حقایق و برنامه های لهو و فساد هستند، استفاده از ماهواره جایز نیست. آیت الله خامنه ای، اجوبه، س ۱۱۸۳ و ۱۲۱۵؛ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۱۶۰۹ و ۸۲۹.

آیت الله بهجت و آیت الله صافی: استفاده از برنامه های مشتمل بر فساد و مخرب جایز نیست. آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، ۹۷۶؛ دفتر آیت الله بهجت.

آیت الله تبریزی: چنانچه نگاه کردن آنها باعث تهییج شهوت بر حرام یا ترویج فساد در جامعه باشد، جایز نیست و در غیر این صورت باید مراعات مقررات و قوانین شود. آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۶۰۵.

آیت الله فاضل: استفاده از برنامه های مفید و مشروع آن اشکال ندارد؛ ولی مشاهده برنامه های مشتمل بر فساد و مخرب جایز نیست و اگر در این زمینه مقرراتی وجود دارد، باید رعایت شود. دفتر آیت الله فاضل.

آیت الله سیستانی: استفاده از ماهواره اگر مفسده نداشته باشد، جایز است و دیدن فیلم های مستهجن جایز نیست و تهیه آن در صورتی که اطمینان پیدا شود دیگران از آن استفاده بدی نمی کنند، اشکال ندارد. آیت الله سیستانی، سایت، س ۲). احکام نگاه و پوشش، سید مجتبی حسینی، کد: ۵۰۰۰۱۸/۶۸)

مصاحبه با استاد حوزه و دانشگاه خانم ناهید سلیمانی مقدم، در رابطه با اهمیت پژوهش

لطفا نظراتان را درباره اهمیت پژوهش و همچنین هفته پژوهش بفرمایید؟

در رابطه با فلسفه پژوهش باید گفت: انسان زمانی به خویش مستند می شود که تمام مراحل وجودی اش به کار گرفته شود و یکی از آن مراحل، مراتب عقل انسان است. عقل انسان در یکسری از کارها می تواند خوب و غلط را تشخیص دهد.

مرتبۀ دیگر، بدن اوست و آن چیزی است که مطابق با طبیعت انسان است که شامل مرتبۀ خیال و مرتبۀ احساسات می‌گردد.

انسان یک قابلیت دارد که می‌تواند از چیزهای جزئی که در اطرافش است ارتباط برقرار نموده و یک معنای کلی را به شکل قانون درآورد. در مورد بدن، طبیعت و خیالاتش می‌تواند یک قانون درآورد. یعنی به طبیعت برود و با برخورد با آن آزمایش می‌کند تحلیل می‌کند چیزهای که موجب فساد و یا قوت می‌گردد را می‌تواند بدست می‌آورد. همین سیر را در خیالات و احساسات نیز می‌تواند انجام دهد. همه دستاوردهایش را کنار هم بگذارد می‌تواند قانون کلی درست کند. مثلاً فلان چیز موجب تقویت پوکی می‌شود یا موجب رشد او می‌شود و

کوچک‌ترین کاری که انسان انجام می‌دهد تا انسان شود این است که بتواند قانونهای کلی را در رابطه با خود و عالم بدست آورد که در اصطلاح امروز به آن علم می‌گویند و بالاترین کاری که می‌تواند انجام بدهد این است که انسان با عقلش از این طبیعت و عالمی که برخورد دارد با احساسات و خیالات خویش ارتباطش را با خدا بفهمد که به آن علم الهی می‌گویند.

انسان درگیر دو علم است: علم مادی و علم الهی که انسان در پرتو این دو علم انسان می‌شود. اگر این دو علم را نداشته باشد انسان نمی‌شود.

مولوی می‌گوید: این همه علم بنای آخور است که عماد بود گاو و اشتر است

زندگی دنیا تازنده است او را پشتیبانی می‌کند ولی زندگی آخرت را با علم الهی می‌تواند بدست آورد.

به جهت این که انسان با ماده ارتباط زیاد دارد فقط درگیر زندگی با علم مادی می‌شود و از علم الهی غافل می‌ماند. بنابراین بعضی مرگها انسان را به علم الهی توجه می‌دهند و به علم الهی انسان تنبه پیدا می‌کند. وجود پیامبر و امام برای تذکر است هفته پژوهش خبری پیغمبرگونه است که به انسان می‌آموزد باید علم بیاموزد، تحقیق کند که از انسانیتش استفاده کند.

تبیین جایگاه زن در اسلام و روایات و نگاهی به حدیث جهادالمراة حسن التبعل

مریم علیپور^{۲۵}

چکیده

جامعه ی انسانی با رفتار و منش یکایک افراد جامعه شکل می گیرد و این رفتارها در خانواده ساخته می شود. یک انسان از ابتدای تولد تا زمانی که بتواند پا به عرصه ی اجتماع بگذارد در خانواده پرورش می یابد و شخصیتش در آن شکل می گیرد. بنابراین، شخصیتش رابطه ی مستقیم با خانواده دارد. حال اگر این خانواده از ثبات و آرامش برخوردار باشد، فردی که به جامعه تحویل داده می شود نیز فرد باثباتی خواهد بود.

اساس خانواده با زن و شوهر شکل می گیرد و این همسران هستند که با چگونگی برقراری رابطه با یکدیگر می توانند آرامش را برای خودشان و سایر افراد خانواده فراهم کنند.

اکنون می خواهیم جایگاه زن را - به طور ویژه - مورد بررسی قرار دهیم. در این راستا به آیات و روایات مراجعه کرده و با نگاهی به روایت: "أَلْجَهَادُ الْمِرَأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ" به این مهم می پردازیم.

باشد که خداوند یاری گرمان باشد.

^{۲۵} مریم علیپور، طلبه سطح ۲ مدرسه حضرت ولی عصر(عج)

کلید واژه: زن، تَبَّغْل، مادر، زوج، جهاد

مقدمه

تو ای زن با همه اوصاف کریمانه و نفوذ ماهرانه خود و توانمندی عادلانه که در استعدادهای بالقوه خویش داری، چگونه آن را تجلی می بخشی؟

تو هستی که نقش پایداری و بقای خانه و خانواده را رقم زده و به دنبال آن محیط دنیا را از وجود آلودگی ها پاک و مصفا می نمایی.

به خود آییم و حیات انسان ها را مظهر تجلی نعم الهی و عفت و پاکدامنی، ایثار و فداکاری، عطوفت، مهرورزی و خلوص و شهامت و شجاعت گردانیم، تا بدین وسیله افتخار تربیت بزرگ مردان و بزرگ زنان تاریخ را داشته باشیم. در پی ریزی اساس و ساختار شخصیت انسان، زن، معماری نقش آفرین و هنرمندی چیره دست است.

او با رفتار خود، آینده ی طفل را رقم می زند و اینگونه است که به معراج رفتن مرد از دامن پاک و انسان ساز زنان صالحه و عفیف قطعاً میسر خواهد شد. (زن مظهر پرورش است و صفت الهی پروردن را از جانب خدای خویش به ودیعه دارد.

جایگاه زن در جامعه:

جامعه سالم نیازمند داشتن خانواده های سالم است، سعادت و سلامت هر جامعه در خانواده ها پی ریزی می شود و شمع فروزان محفل خانواده زن است.

آنان هستند که با آکنده ساختن کانون خانواده از انس و صفا و الفت می توانند فضای فکری، فرهنگی، دینی و گفت و گوهای سیاسی و اجتماعی را نورانی کنند و عملاً درس مهر و صفا و از خودگذشتگی را از طریق فرزندان و همسران خویش به آیندگان بیاموزند.

با نگاهی به آیات و روایات در می یابیم جایگاه و مقام زن در خانواده از دیدگاه اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است تا آنجا که؛

" جهاد زن در میدان زندگی، نیکو همسررداری کردن معرفی می شود."

همسررداری نیکو توسط زن تنها یکه نقش نیست بلکه یک هنر است، هنری که اگر زن آن را هنرمندانه در صحنه زندگی به اجرا بگذارد، به ایفای بهتر نقش مرد در جامعه کمک می کند.

اگر زنان جامعه بدانند که پایگاه اصلی خدمت و انجام وظیفه شان خانه است و دیگر وظایف در راستای این مسئولیت مهم و خطیر تعریف شده است، محیط خانه ها گرم، روشن و پرمهر خواهد شد و روشنی و گرمای هر خانه پیشرفت جامعه را تضمین خواهد کرد. متأسفانه در جامعه به جای تجلیل از زنان موفق در خانه و خانواده، به نقش و جایگاه زنان در جامعه و موفقیتشان در مشاغل اجتماعی بیشتر اهمیت داده می شود.

و اگر این موضوع به کم اهمیت جلوه دادن خانه و خانواده بیانجامد، جامعه بیشترین صدمه و خسارت را خواهد دید. یک زن مسلمان به همسرش به عنوان یک دوست نگاه می کند او با حفظ موقعیت و جایگاه خود در خانه خوب می داند هرچه را که باعث کوچکترین خدشه و تزلزل در این بنیان مقدس خواهد شد را باید کنار بگذارد و برای سازندگی هرچه بیشتر در زندگی اش، ایثار کند. ایثار و گذشتی که به رشد و ترقی جایگاه مرد می انجامد و نهایتاً به ارتقاء جامعه منجر خواهد شد.

در دوران بسیار دشوار سال های مبارزات و همچنین سال های انقلاب، خیلی از زنها، شوهران خود را با صبر و همکاری شان بهشتی کردند.

مردها رفتند در جبهه های گوناگون و خطرات را متحمل شدند.

این زنها در خانه ها لرزیدند و دچار تنهایی و غربت گشتند. اما زبان به شکوه باز نکردند، شوهران خود را تشویق هم کردند.

این ها شوهران خود را بهشتی کردند و آلا می توانستند طوری عمل کنند که شوهرهایشان از رفتن به جبهه و از ورود در میدان مبارزه، از ادامه مبارزه پشیمان شوند. شوهرانی هم بودند که همسرانشان را بهشتی کردند، هدایت آنها، همکاری آنها، دستگیری و کمک آنها، دستگیری و کمک آنها موجب شد که این زنها بتوانند در راه خدا حرکت کنند." (۱)

روابط جنسی و زناشویی

در سازمان خانواده، امنیت و آرامش روانی بر پایه تامین صحیح نیاز جنسی (و من آیاتِه ان خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجَكُمْ لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ)؛ و از نشانه های خدا این است که برای شما از جنس خودتان جفتی آفرید تا در کنار او آرامش پیدا کنید و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد بدرستیکه در این امر نشانه هایی برای مردم اندیشمند است. (۲) و ادامه حیات خانواده از طریق تولید مثل، دو هدف اساسی اولیه به شمار می آید.

آمارها بیانگر آن است که بیشترین علل و عوامل مستقیم و یا غیرمستقیم افزایش طلاق در میان خانواده‌ها عدم تعامل سازنده و مفید میان زن و شوهر است. زنان بر این باورند که با اختیار شوهر، توانسته‌اند به همه چیزهایی که می‌خواستند دست یابند و ستون استوار بنیاد خانواده را در اختیار گرفته‌اند و به اهداف خود رسیده‌اند. در حالی که نگه‌داشت چیزی سخت‌تر از به دست آوردن آن است. مردان در دست‌زنان و یا در کنار ایشان همانند ماهی بسیار لغزنده هستند. از این رو نمی‌توان از گریزپایی آنها سخن نگفت و امید داشت که همواره پای بند خانه و خانواده باشند مگر آن که انگیزه‌های قوی و شدید، آنان را در محیط خانواده حفظ کند. در ریشه‌یابی طلاق همواره از مسایل جنسی به صراحت و یا کنایه سخن گفته شده است. بطوری که از نظر برخی کارشناسان مسائل خانواده، بیش از ۵۰ درصد طلاقها ریشه در مسائل جنسی دارد.

مردان پیش از آن که به جا و مکان و غذا اهمیت دهند به مسایل جنسی اهمیت می‌دهند. از این رو گفته‌اند ریشه مشکلات خانوادگی را می‌بایست در خلوت گاه ایشان جست. بر پایه آموزه‌های قرآنی و فرمان الهی، زنان و مردان می‌بایست در شبانه روز سه وعده را خلوت کنند و در این سه زمان حتی فرزندان نیز نباید در خلوت گاه ایشان وارد شوند. "یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَیْسَتَاذِنُکُمْ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید با بندگان ملکی شما و اطفالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند در شبانه روز سه مرتبه از شما اجازه ورود بخواهند، پیش از نماز صبح و در نیمروز که جامه‌ها را از تن بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء این سه وقت خصوصی و خلوت شماست و بعد از این سه بار باکی بر شما و آنها نیست که با بندگان و اطفال خود گرد یکدیگر جمع شوید..." (۳)

در این سه خلوت زن می‌بایست خود را به اشکال مختلف بیاراید و از هرگونه آرایش و زینت بهره برد. در روایات و روان‌شناسی جنسی درباره تعامل زن و شوهر در خلوت گاه در این مدت، گفته شده که آنان در این مدت با یکدیگر درباره مسایل خصوصی سخن بگویند و معاشقه نمایند و هرگز درباره مسایلی سخن نگویند که کدورت‌زا باشد و مشکلات بیرون از خلوتگاه را به درون خلوتگاه بکشاند و عیش را منقص گرداند و آتش محبت را به آب سرد سخنان درشت خاموش سازد بلکه هر سخنی که مهر و محبت را بیافزاید و عاملی برای جذب و جلب به سوی یکدیگر باشد بر زبان رانند. به هر حال عرضه کردن زن به مرد در خلوتگاه و حریم کاملاً خصوصی، اصلی قرآنی و حکمی الهی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. از این رو گفته‌اند بسیاری از مشکلات و درگیری‌های میان زن و شوهر در طول روز ارتباط تنگاتنگی با خلوت گاه ایشان دارد. هرگاه مسایل خلوتگاه حل شود اغلب مشکلات دیگر به خودی خود حل می‌شود. اگر مردی درباره پوشش زن و یا غذا و نحوه بچه‌داری و مانند آن اشکالی می‌گیرد ریشه آن را می‌بایست در جای دیگر جست و این گونه چیزها بهانه‌هایی بیش نیستند. در این حریم خصوصی، بچه‌ها و دیگر کسان حاضر

در محیط خانواده نمی بایست وارد شوند. در دستوره‌های قرآنی و نبوی این مسئله بارها مورد تأکید قرار گرفته که زن و شوهر می بایست از خوابگاه مستقل و مجزایی برخوردار باشند تا از هر حیث آسوده خاطر باشند.

یکی از بهترین و نیکوترین روش های همسر‌داری به طور کلی، و شوهر‌داری به طور خاص، آن است که زن و شوهر در شبانه روز سه وعده با یکدیگر تنها باشند: پیش از نماز صبح و سحرگاهان، هنگام چاشت (ظهر) و هم چنین بعد از نماز عشاء (نور / ۵۸). در این زمان هیچ یک از بستگان از کوچک و بزرگ نباید راه یابند و اگر فرزندان به بلوغ جنسی رسیده اند می بایست همانند دیگران هنگام ورود به خلوت، از پدر و مادر اجازه ورود بگیرند خلوت های سه گانه آن چنان مهم و اساسی است که؛ پیامبر اکرم (ﷺ) می فرماید: "نشستن مرد در کنار همسر خود در پیشگاه خداوند دوست داشتنی تر از اعتکاف و شب زنده داری در مسجد خود (مسجد النبی در مدینه) است." (۴)

مرد در این خلوت گاه، باید محبت خود را به زن ابراز کند و از پنهان کردن آن بپرهیزد؛ زیرا زنان با شنیدن محبت مردان اعتماد به نفس خاصی می یابند. از این رو پیامبر بزرگوار (ﷺ) می فرماید: "این گفته مرد به همسر خویش که دوستت دارم هیچ گاه از قلب او بیرون نمی رود." (۵)

هر یک از زن و مرد باید به اشکال مختلف مهر و محبت خویش را بیان و آشکار سازند. چه این مسئله با گفتن کلمه ای باشد و یا دادن شاخه گلی و یا هر چیزی که زن از آن خوشش می آید. از این رو حتی خریدن تنقلاتی جزئی و چیزهایی که زن بدان علاقه مند است یکی از شیوه های بیان و ابراز مهر و محبت بشمار می رود.

پیامبر (ﷺ) در این باره می فرماید: "مردی که برای همسرش لقمه می گیرد نزد خداوند پاداش دارد." (۶) به این معنا که این عمل وی نه تنها بازتاب دنیوی و افزایش مهر و محبت میان زن و شوهر خواهد داشت بلکه بازتاب اخروی نیز به ارمغان می آورد و شخص در آخرت از پاداش آن بهره مند می شود.

زن در خلوت گاه باید خود را عرضه کند. و لذا در اسلام پیش قدمی زن در مسایل جنسی و عرضه کردن پیشنهاد از سوی او امری مستحب دانسته شده است. استحباب به این معنا خواهد بود که این عمل وی مانند لقمه گرفتن مردان برای زن، آثار دنیوی و اخروی و پاداش را دربردارد و فقط یک رفتار اجتماعی و هنجاری نیک به شمار نمی رود بلکه امری مورد تایید و تأکید دین و شارع به عنوان یک عمل دینی و حکم شرعی شمرده می شود.

پیامبر(ﷺ) در بیان ضرورت اعلام آمادگی جنسی زن می فرماید: " علیها ان تطیب باطیب طیبها و تلبس احسن ثیابها و تزین باحسن زینتها و تعرض نفسها علیه غدوه و عیشه و اکثرمن ذلک حقوقا. " بر زن به عنوان یک واجب (یا حکم استحبابی) شرعی است که از خوشبوترین عطرها استفاده کند و زیباترین لباس ها را بپوشد و خود را به نیکوترین وجه بیاراید و بامدادان و شامگاهان خود را بر شوهر عرضه کند و اعلام آمادگی نماید. این از حقوق شوهر می باشد و حقوق شوهر بیش از این چیزی است که گفته شد.

تاکید آن حضرت بر عرضه کردن در دو وقت به معنای مخالفت با حکم سه وقت قرآن نیست بلکه تنها از باب نمونه مواردی را مطرح می سازد و از بیان بسیاری از موارد و مصادیق خودداری می ورزد و در یک کلمه می افزاید که حقوق شوهر بیش از آن چه گفته شده می باشد تا زن خود با توجه به شرایط شوهر و علاقمندی وی اقدام کند تا شوهر وی نیازی به دیگری پیدا نکند و در دام وسوسه های شیطنی نیفتد.

چنان که گفته شد و آمارها نیز نشان می دهد، بسیاری از اختلافات میان زن و شوهر از این ناحیه است. شما زنانی را دیده اید که در هنگام بیرون رفتن گویی، خود را برای عروسی و میهمانی آرایش می کنند و جامه های بسیار زیبا و آرایش بسیار نیکو می کنند و از همه روش های خودنمایی بهره می گیرند ولی همین که به خانه می آیند آرایش را با توجیه بد بودن در نزد فرزندان می شویند و جامه های زیبا را از تن خارج می کنند و به شکلی معمولی در خانه می گردند. مردی که در بیرون با چنین زنانی حتی بطور لحظه ای و گذرا مواجه شود سپس درخانه با شکلی دیگر روبه رو گردد در درون خویش احساس کمبود می کند و به شکل مطلوب ارضا نمی شود در حالی که دیدگاه اسلام عکس این رفتار را تأیید می کند.

حسن التبعل " رفتاری جهادی "

امام علی(A) در کلمات قصار نهج البلاغه " شماره ۱۳۶ " در عبارتی کوتاه اما پرمغز می فرماید: جهاد المرأه، حسن التبعل ؛ جهاد زن، نیکوشوهرداری کردن است.

به تحقیق و با اطمینان می توان گفت تمام رمز و رازهای خوشبختی و سعادت یک زوج مسلمان و مؤمن، در همین عبارت کوتاه نهفته است و شاید بتوان ادعا کرد که پیرامون همین عبارت موجز، مقالات متعدد و حتی کتاب ها بتوان نوشت. تجربیات زندگی بسیاری از خانواده های مسلمان نشان می دهد که اغلب معضلات و ناهنجاریهای خانوادگی و اختلافات میان همسران ناشی از عمل نکردن به این جمله نورانی امیرالمومنین (A) است. از این رو با توجه به اهمیت موضوع و در ادامه، با توجهی بیشتر به حسن التبعل یعنی نیکوترین شیوه شوهرداری در آموزه های قرآنی می پردازیم.

از این رو شوهر و جفت زن را بعل گفته اند که در حقیقت خدایگان زن و پروردگار اوست و به نوعی مالکیت و سروری دارد. در کاربردهای اقوام کهن برای بیان مفاهیمی مهم چون شوهر، احترام و بزرگی و سیادت و آقایی مطرح و مهم بوده است. از این رو از واژگانی بهره گرفته می شد که در حد و اندازه پرستش بوده است. در برخی از اقوام، شوهر چنان از جایگاه بلند برخوردار بود که در حکم خدایگان و در شأنیت پرستش بوده است. از این رو واژه ای که برای بیان پروردگاری و رب النوعی و یا صنم و بت استفاده می شد برای شوهر نیز به کار می رفته است. بنابراین معنا و مفهوم بعل در کاربردهای اصیل آن به معنای پروردگار خانه و سرور و سالار بوده است.

پیامبر (ﷺ) می فرمایند: "ما مِنْ امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ أَلِيٍّ مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صِلَاحًا إِلَّا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ إِلَيْهَا لَمْ يُعَدَّ بِهِ"؛ (۷)

پیامبر (ﷺ): "هر زنی که در خانه شوهر خود به قصد سامان دادن کارهای خانه چیزی را جابجا کند خداوند به او نظر می کند و هر که خداوند به او نظر کند عذابش نمی دهد."

پیامبر (ﷺ) می فرمایند: "أَيُّمَا امْرَأَةٍ حَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُ لَمْ تَقْبَلْ مِنْهَا حَسَنَةً"؛ (۸)

"زنی که شوهر خود را بر انجام دادن کارهایی وادار کند که او توانایی انجام دادن آنها را ندارد، هیچ یک از کارهای نیک او پذیرفته نخواهد شد."

امام باقر (A) می فرمایند: "لا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ انْجَحُ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا"؛ (۹)

برای زن نزد پروردگارش هیچ شفاعت کننده ای کار سازتر از خشنودی شوهرش نیست."

امام صادق (A) می فرمایند: زن با شوهر سازگار خود ناگزیر از رعایت ۳ نکته است:

۱- حفظ کردن خود از هر گناهی و آلودگی تا شوهرش در هر حال، خوشایند یا ناخوشایند، در دل به او اطمینان داشته باشد.

۲- مراقبت از او و زندگی اش تا شوهرش در صورتی که لغزشی از او سرزند با او مهربانی کند.

۳- اظهار عشق به او با عشوه و دلبری و ظاهر مناسب و خوشایند در نظر او. (۱۰)

در کنار هر مرد بزرگ همسری لایق قرار دارد.

برای یاری رساندن به همسر در راه رسیدن وی به موفقیت می توان از توصیه های زیر بهره برد:

- زن برای شوهرش بهترین عطر و لباس و آرایش را بکار بگیرد.

- شوهر خود را به کار علاقمند کند. علاقه رمز بزرگ موفقیت است. اگر دو نفر در همه چیز و همه شرایط با هم برابر باشند، آنکس که به کارش بیشتر علاقه دارد به موفقیت نزدیکتر است.
- هر مردی نیازمند یک زن مومن است.
- حضرت علی (A) می فرمایند: برای هر چیزی زکاتی است و زکات زیبایی پاکدامنی است. (۱۱)
 آیه حجاب: "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّزَوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَو نَسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيَّهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكْ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛ ای پیغمبر با زنان و دختران خود و زنان مومنان بگو: خویشان را به چادر فرو پوشند که این برای اینکه به عفت شناخته شوند تا مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است." (۱۲)
- در خدمت مادران باش، زیرا بهشت زیر پای مادران است.

آماده باش دائمی

یکی از حقوق مردان بر زنان به عنوان حسن تبعل آن است که زن، خود را همواره در حوزه مسائل جنسی آماده نشان دهد مگر در مواردی که دین از آن بازداشته است. البته در همان موارد خاص و ممنوع نیز به اشکال دیگر خود را در معرض بهره برداری جنسی قرار دهد و زمینه های استمتاع شوهر را فراهم آورد به گونه ای که مرد هیچ احساس کمبود و نیاز جنسی نکند. این آماده باش هرچند که در آیه ۵۷ سوره نور نیز بیان شده ولی در روایات به شکلی مشخص مطرح شده است. در بسیاری از روایات بر این نکته تاکید شده که زن می بایست همواره درحالت آماده باش دائم جنسی باشد.

در روایت است که زنی از پیامبر (ﷺ) درباره حقوق شوهر پرسید؛ آن حضرت فرمود: "ولاتمنعه نفسها و ان كانت علی ظهر قتب؛ بر زن است که خود را از شوهرش باز ندارد و بگذارد تا وی از او کام بگیرد حتی اگر بر روی کوهان شتر باشد."

این روایت بدترین حالت را تجسم کرده که در جریان سفر و آن هم در روی شتر و بار کجاوه اگر مردی از زن خویش بخواهد که از وی کام گیرد می بایست خود را آماده کند و از آن باز ندارد.

در حقیقت آماده باش دائمی جنسی برای جلوگیری از هرگونه احساس نیاز، امری است که می بایست زن به عنوان حق شوهر بشناسد و از آن کوتاهی نکند. از این رو گفته اند یافتن شوهر آسان تر از حفظ آن است؛ زیرا مردان با دیدن غرایز جنسی شان تحریک می شوند و احساس نیاز می کنند و اگر این نیاز برآورده

نشود، از راههای دیگر ارضا می شوند که یا گناه است و یا با عقد موقت و دائم با زن دیگری برآورده می شود.

تاکید آیات و روایات بر خودنمایی و آراستگی زنان برای شوهران از این روست که مردان با مشاهده و دیدن، عواطف و احساسات جنسی شان برانگیخته شود. از این رو زن موظف است خود را در حالت آماده باش قرار دهد تا شوهر وی به زنی دیگر گرایش نیابد و استمتاع نجوید.

مسائل جنسی در خانواده هم در حوزه تشکیل و هم بقای آن نقش اساسی دارد. تفکر این که این امور در زمانی کاسته می شود و یا تقلیل می یابد و یا از میان می رود تفکر نادرست و دور از واقع است. مردان برخلاف زنان دارای تمایلات جنسی قوی ای هستند. شاید یکی از علل و حکمت های تعدد زوجات و عقد موقت مسئله گرایش های شدید جنسی مردان باشد که هرگز فروکش نمی کند و زنان گاه به عللی نمی توانند آن را برآورده سازند و مشکلات خانوادگی را سبب می شود. خانه غالباً زمانی آرامش می یابد که مرد از نظر جنسی ارضا شود و نیازهای جنسی او برآورده گردد.

اگر این تمایلات جنسی در خانه و به شکل صحیح و محبت آمیز تأمین نشود به اشکال مختلف در جامعه خود را نشان می دهد و فساد و تباهی اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

از این رو زن باید پروانه وار پیرامون شوهر بچرخد و همه گونه وسایل و آرامش روحی و روانی و جنسی وی را برآورده سازد .

امام باقر(A) می فرماید: " هر زنی که یک لیوان آب به شوهرش بدهد از یک سال روزه داری و شب زنده داری برایش برتر است." (۱۳)

اصولاً جهاد نفس و جهاد اکبر و اصغر زن در زندگی خانوادگی و در شوهرداری و حسن التبعل وی می باشد. زنان اگر بخواهند ثوابی کسب کنند نیازی نیست که شب زنده داری کنند و برای نماز شب برخیزند و یا روزهای بلند و گرم را روزه مستحبی بگیرند و یا برای جنگ و جهاد در راه خدا به جبهه بروند. برای به دست آوردن پاداش اخروی همه این امور کافی است که فقط خوب شوهر داری کنند. از این رو یک لیوان آب به شوهر دادن برابر با ثواب و پاداش یک سال شب زنده داری و روزه داری می باشد.(۱۴)

امام باقر(A) هم چنین می فرماید: " زن برای رضا و خشنودی خدا تنها رضایت شوهر را اصل قرار دهد. با این کار است که رضایت و خشنودی خدا را نیز به دست می آورد و اگر شوهر خشمگین شود خشم الهی را به دنبال خواهد داشت."

رضایت شوهر، عامل ثبات خانواده

زنان می بایست به هر شکلی شده رضایت شوهر را به دست آورند. از این رو شوهر در اندیشه و تصویر اسلامی چون پروردگار صاحب حق و مالک شمرده شده است و از جایگاه بلندی برخوردار می باشد. زن برای به دست آوردن رضایت و خشنودی خدا نمی بایست نمازهای بسیار و یا طولانی بخواند و یا روزه های مستحبی بگیرد. همین کار را می تواند با رضایت شوهر به دست آورد و از پاداش آن بهره مندگردد. از این رو در اسلام جز نمازهای واجب و آن هم در خانه از آنان خواسته نشده و حتی نهی شده است که زنی نمازش را طولانی کند و شوهر را سرکار بگذارد و خود را در کنار شوهر نشاناند و عشوہ نکند و روزه های مستحب حتی بی اذن شوهر باطل و گناه است و نمازهای مستحبی از استحباب خارج می شود.

به هر حال جهاد و دین داری زن در شوهرداری وی خلاصه می شود. چنانکه امیر مومنان علی (A) می فرماید: " جهاد زن آن است که خود را بیاراید و زیبایی خویش را آشکار کند و برای شوهرش آراستگی نماید." (۱۵)

آنچه بیان شد تنها نمونه هایی کوچک از روش های نیک شوهرداری است و حتی اگر این کوچک ترین و مصادیق مطرح شده مراعات گردد بسیاری از خانه ها از وضعیت کنونی بیرون می رود و آرامش در خانه ها حکمفرما می شود ولی مساله این است که حتی در همین اندازه مسایل رعایت نمی شود و در نتیجه طلاق و جدایی در جامعه افزایش می یابد. به سخن پیامبر (ﷺ) آنچه گفته شده، بخشی از حقوق شوهران است و حق شوهر بیش از این چیزهایی است که بیان شده است. البته بدیهی است کارها و رفتارهای دیگری نیز وجود دارد که از مصادیق حسن التبعّل است که برای آشنایی با آنها می توان به کتابهای مربوط به اخلاق خانواده مراجعه کرد.

اطاعت از شوهر یا بردگی

در آیه ۳۰ سوره روم، اشاره به خلقت انسان بر اساس فطرت الهی است، فطرتی که به تعبیر قرآن غیرقابل تغییر می باشد، خدا دین خود را بر این فطرت بنا نهاده و با آن هماهنگ است؛ و رشد و ارتقای انسان براساس عمل به فرامین دینی است که بر این فطرت بنا شده است.

آیا اطاعت شوهر از دستورات دین است؟! آیا این اطاعت حدی دارد؟ و این حد چیست؟

در آیه ۳۴ سوره نساء خدای مهربان و حکیم قیومیت زن را به مرد واگذارده است.

"الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ." ودر همان آیه یکی از صفات زن صالح را «همسر متواضع و مطیع» معرفی کرد است، (قائتات). پیامبر اسلام (ﷺ) بهترین زن را این گونه معرفی کرده است " إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتُطِيعُ أَمْرَهُ ؛ به درستیکه از بهترین زنان شما زنی است که حرف همسرش را گوش کند و فرمان او را اطاعت کند." و همچنین در حدیث دیگر زن خوشبخت و بزرگ را این گونه تعریف کرده است: " زن بزرگ و خوشبخت زنی است که همسرش را اکرام می کند و او را آزار و اذیت نمی کند و در تمام حال از او اطاعت می کند." (۱۶).

با توجه به آیه قرآن و احادیث نبوی، اطاعت زن از همسر خود، از آموزه های اسلامی می باشد که موجب رشد و قرب الی الله زن مسلم خواهد شد.

زن مسلم همواره در فکر رشد و قرب به سوی خالق خود می باشد، او می داند عمرش سرمایه ای است تا در این فرصت بندگی خدا کند و به وسیله آن به مقامات بهستی که رب رحیم برای او آماده کرده است، دست یابد.

البته قابل ذکر می باشد که اسلام نیز در مورد اکرام زن و معاشرت معروف به او را، سفارش اکید نموده است، به گونه ای که پیامبر اسلام (ﷺ) فرموده اند: " بهترین شما در ایمان کسی است که نسبت به همسرش خوب رفتار کند."

متأسفانه بعضی از مردان به وظایف خود نسبت به همسر عمل نمی کنند، و حتی رفتارهایی که در شأن یک مؤمن نیست، نسبت به او دارند. هرچند که خدا در قرآن کریم چنین مردان را به سختی تهدید کرده است: " البته خدا کلام زنی که در مورد همسرش گفتگو می کرد و در باره او به سوی خدا شکایت می کرد، شنید؛ و خدا گفتگوی شما دو را می شنود، البته خدا شنوای بینا است." (۱۷)

اطاعت از شوهر در هر حال می تواند دو پیامد مفید داشته باشد:

اولاً به تغییر رفتار همسر منجر شود، تا از رفتار خود پشیمان گردد.

ثانیاً موجب قرب زن به سوی خدا می شود، و همچنین از هم پاشیدگی خانواده جلوگیری می کند. از این رو امام صادق (A) در حدیثی چنین زنی را این گونه ستایش می کند: " سه زن خدا عذاب قبر را از آنها بر می دارد و با حضرت فاطمه (A) دختر محمد (ﷺ) محشور می شوند: زنی که بر غیرت همسرش صبر کند، وزنی که بر سوء اخلاق همسرش صبر کند، زنی که مهرش را به همسرش ببخشد، خدا در ازای هر واحد از آن ثواب هزار شهید می دهد و برای هر واحد از آن ثواب یک سال عبادت می نویسد." (۱۸).

اطاعت از شوهر کوتاه ترین راه برای جلب یک مرد است.

زنان در دوران ابتدای آشنایی خود با یک مرد سعی دارند با پذیرفتن نظرات او، قلب او را تسخیر کنند، و این روش جلب و شکار مرد را به طور فطری اعمال می کنند. این مطلب یعنی این که زن در درون خود حس می کند برای جذب مرد، احترام به عقاید و نظرات او لازم می باشد. یک دختر بچه در زمانی که خردسال است، برای جذب پدر این شیوه را اعمال می کند، تمام سعی او، کسب رضایت پدر و اجرای فرامین اوست؛ این عمل بروز فطرت دختر می باشد که تمرین و تکراری به همسر داری او می باشد.

بنابراین اطاعت از شوهر یک خصیصه فطری زن سالم می باشد، که خدا برای تحکم بخشیدن و شیرین کردن زندگی زناشویی، در زن قرار داده است. آقای هاری استین متز متخصص امور زناشویی و روان شناس معروف می نویسد: سازگاری و قبول کردن سلیقه همسر در خوشبختی ازدواج مؤثر و مهم تر از آن است که زن و شوهر دارای عقیده مشترک باشند. (۱۹)

شاید بسیاری از زنان با رجوع به فطرت خود این حقیقت را دریابند. ولی سوء استفاده های بعضی از مردان، زنان را وادار به تمرد و عصیان نسبت به آنها می کند؛ که در نتیجه موجب از هم پاشیدگی زندگی زناشویی می گردد. خانم مارابل مورگان در مورد تجربه نادرست این چنین زنان می نویسد: اگر شاه یک تصمیم اشتباه بگیرد چه می شود؟ او، این یک وضعیت دستور است، بخصوص وقتی که شما می دانید حق با شماست. در مواقع زیادی این چنین است با وجود این ملکه باید از شوهرش تبعیت کند. یک ملکه نباید پس از اعلان تصمیم شوهرش به او غر بزند یا از او خرده بگیرد، خانمها، آن آزمون ها و تجربه های شتابزده را بخاطر آورید!!!

آیا مخالفت با همسران زندگی زناشویی شما را رونق بخشید؟! آیا با مخالفت با او قلب همسران را تسخیر کرده اید؟! آیا رفتار همسران بدتر از قبل نشده است؟! به نظر شما اطاعت از شوهر بردگی است؟ یا بندگی خداست.

نقش حساس مادر در آموزشگاه بزرگ حیات بشری

نقش های همسری و مادری بانوان، به عنوان دو نقش خانوادگی دوشغل بی بدیل تکوینی زنان در منطق الهی است که امنیت و سلامت روانی بشر را در درون خانواده تضمین می کند و کسی جز همسران و مادران نمی توانند این رسالت را بر عهده بگیرند.

نقش زن در حوزه خانواده به عنوان مدیز عاطفی و روانی خانواده در اداره شوهر و تامین نیازهای او در خانه و تحقق امنیت روانی اش توسط بانوان، مبدا سلامت فعالیت مردان و خود زنان در جامعه و سازمان های اجتماعی و اداری است.

در صورتی که زن نتواند در نقش همسر و مادر وظیفه مهم تامین نیازهای عاطفی و روانی خانواده را به درستی انجام دهد، فقدان رضایت روانی شوهران و در ادامه نارضایتی روانی زنان را نیز به دنبال خواهد داشت.

عدم تامین نیازهای عاطفی و روانی شوهر در محیط خانواده ایجاد خلاء های روانی و عاطفی را منجر می شود که منشأ بروز آسیب های اجتماعی و به دنبال آن آسیب ای روانی خواهد بود.

زن در مقام دیگر، در نقش مادر و والد وظیفه خطیر تولد فرزند و در ادامه حمایت، تربیت و دستگیری از او را به عهده دارد.

مادر تربیت کننده یک نسل است، مادری با اوج وفاداری و دلسوزی خود و تربیتی صحیح، نسلی پویا، شایسته و خادم به جامعه و کشور تربیت می کند و از سوی دیگر می تواند با بی تفاوتی و عدم توجه به فرزندان و نیازهای آنان فرزندانی ناشایست و بی اخلاق را تحویل جامعه دهد.

رسول اکرم (ﷺ) می فرمایند: " هر زنی که شوهرش را در کار حج و جهاد یا علم آموزی، کمک کند، خداوند به او از همان پاداشی می دهد که به همسر ایوب داد."

دامن مادر اولین کلاس درس و بهترین محل تربیت کودک است، خانواده نخستین جایگاه آموزش و پرورش اوست. ظهور و بروز استعداد های زیستی، فکری و عاطفی وی تحت الشعاع این کانون قرار دارد و از گرمی وجود مادر نشأت گرفته و کمال می یابد، به نحوی که آثار آن تا پایان عمر در جهان ماده و تداومش در نشئه روح باقی خواهد ماند.

او با رفتار خود آینده طفل را رقم می زند و اینگونه است که به معراج رفتن مرد از دامن زن میسر می گردد.

امام خمینی (و) در تحلیل جایگاه و منزلت زن در دوران رژیم منحوس پهلوی می فرماید: مبتذل نمودن شغل مادر توسط اجانب در آن رژیم به منظور عدم تربیت صحیح فرزند، درست نشدن انسان مؤمن طالب شهادت، جدا کردن کودکان از دامن مادر و سپردن آنان به مؤسسات فاقد صلاحیت و افراد غیر رحم و پیدایش عقده و فاسد بار آوردن آنان، به دور از تربیت انسانی است.

رابطه دور شدن فرزند از مهر و محبت مادری با انحطاط و فساد جامعه توأم است که در جامعه اگر حرمت عاطفه شکسته شود، نظام اجتماعی آن جامعه تدریجاً متلاشی خواهد شد.

قال رسول الله (ﷺ): "الجنة تحت اقدام الامهات؛ بهشت زیر پای مادران است." (۲۰)

کودک حداقل ۶ ماه و حداکثر ۹ ماه در رحم زن است، و با تمام قوا جسم و روح خود را از مایه های وجود زن می گیرد و بطور دائم از کارگاه جسم و اعصاب زن تغذیه می کند، لذا از وجود مادر نسبت به کودک تعبیر به امّ شده است. در حقیقت مادر؛ اصل، ریشه و سرچشمه وجود کودک است و کودک انعکاسی از واقعیات جسمی و روحی مادر و میوه ای از آن شجره مبارک است. روی این حساب تمام یا اغلب گیرندگی و اثرپذیری او از مادر است، و به همین علت حسابی که اسلام برای مادر باز کرده برای غیر او باز نکرده است.

ابعاد وجودی زن

احمام و اوصاف صنف زن از دو دیدگاه قابل مطالعه و بر دو قسم است:

قسم اول: راجع به اصل زن بودن او است که هیچ گونه تفاوتی در طی قرون و اعصار به آنها رخ نمی دهد. مانند: لزوم حجاب و عفاف و صدها حکم عبادی و غیرعبادی که مخصوص زن است و هرگز دگرگون نخواهد شد، و بین افراد زن هم هیچ فرقی در آن جهت مشترک زنان نیست.

قسم دوم: ناظر به کیفیت تربیت و نحوه محیط پرورش آن است که اگر در پرتو تعلیم صحیح و تربیت وزین پرورش یابند و چون مردان بیاندشند و چون رجال تعقل و تدبر داشته باشند، تمایزی از این جهت با مردان ندارند.

حیات طیّب

این که قرآن می فرماید: " مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ هر کس کار شایسته کند - چه مرد و چه زن - و مومن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای حیات بخشیم." (۲۱)

یعنی در رسیدن به حیات طیّب فقط دو چیز نقش دارند، یکی: حُسن فعلی به نام «عمل صالح» و دیگری: حُسن فاعلی است، یعنی جان باید مؤمن باشد و «عمل صالحاً» ناظر به حُسن فعلی است. (۲۲)

مقام والای مادر در قرآن

نوع دستورهایی که اسلام به زن و مرد می دهد، در عین حال که یک راه مشترکی برای هر دو قائل است، ولی راه مخصوص را هم از نظر دور نمی دارد، وقتی احترام به پدر و مادر را بازگو می کند، برای گرامی داشت مقام زن، نام مادر را جداگانه و بالاستقلال طرح میکند. قرآن می فرماید: "وَصَيِّنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدِيهِ إِحْسَانًا؛ انسان را نسبت به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم." (۲۳)

و همچنین است در سوره اسراء/۲۳ و لقمان/۱۴

اما با همه ی اینها وقتی می خواهد از زحمات پدر و مادر یاد کند، از زحمت مادر سخن می گوید نه از زحمت پدر. آنجا که می فرماید: "وَصَيِّنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدِيهِ إِحْسَانًا حَمَلْتَهُ أُمًّا كَرِهًا وَضَعْتَهُ كَرِهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا." (۲۴)

زحمات ۳۰ ماهه ی مادر را می شمارد، که: دوران بارداری، زایمان و دوران شیرخوارگی برای مادر دشوار است. و همه اینها را به عنوان شرح زحمات مادر ذکر می کند. در این بخش حتی اشاره ای هم به این موضوع نیست، که پدر زحمت کشیده است.

در طی این ۳۰ ماه که مستقیماً کودک از مادر تغذیه می کند، مادر مسؤول دو نفر است و دو تکلیف دارد. یکی برای خود و دیگری برای کودک. پدر، در اصل نطفه موظف است حلال بخورد و اگر بعداً مبتلا به حرام شد ارتباط تنگاتنگی به پرورش کودک ندارد. (۲۵)

اما غذای مادر در دستگاه گوارش او تبدیل به شیر می شود. او موظف است به کودک حلال بدهد و خود حلال بخورد. این در مورد تغذیه جسمانی.

در غذای روحانی نیز چنین است، اگر مرد خاطره بدی، خیال و هوس بدی در سر پیرواند خود او را می سوزاند، اما خیال باطل و حرام و اندشه گناه و خاطرات تلخ برای زن علیه دو نفر است.

این مسئولیتی است که ذات اقدس اله به زن داده.

وظیفه مادری تنها این نیست که با وضو به بچه شیر بدهد و وقتی پستان در درهان کودک گذارد بسم الله بگوید که اینها امور ظاهری و عبادت های ظاهری است، بلکه دین می فرماید اندیشه های خودت را مواظب باش. همان طور که به مرد می گوید: هنگام ارتباط با زن به فکر نامحرمی که در خیابان و بیابان دیدی نباش، چون خداوند آگاه است.

مسئولیت زن در این ۳۰ ماه به مراتب بیشتر از مرد است و هر که مسئولیتش بیشتر باشد در صورت عمل به آن توجهش به خدا بیشتر است و هر که توجهش به خدا بیشتر بود و عملکرد، موفقتر است.

صلاح زن در جهاد اکبر

در جنگ با دشمن بیرونی باید از آهن و آتش استفاده کرد. ولی اگر با دشمن درونی می‌جنگید باید از «آه» استفاده کرد، اسلحه انسان گریه است نه شمشیر، اسلحه تیز و کارآمد «جهاد اکبر» تهذیب نفس و ناله است و این اسلحه را زنها بیشتر از مردها دارند. چون ناله و لابه، هنر هرکس نیست، که نرمش دل کار هرکسی نیست و فضیلتی نیست که نصیب هرکسی بشود.

امام سجاد (A) در ابوحزمه ثمالی می‌فرمایند: "و أَعْنَى بِالْبِكَاءِ عَلِيٌّ نَفْسِي؛ و یاری کن مرا در گریه برای خودم."

حال زن باید از این اسلحه بجا استفاده کند و به جا بکار ببرد، به این فکر نباشد که چه می‌پوشد و دیگری چه پوشیده و دیگری چه دارد. خداوند این سرمایه را نداده تا زن برای چشم و هم چشمی و مظاهر دین و لباس و زیور ظاهر گریه کند.

توجه ویژه خداوند به زن

ابن بابویه قمی در کتاب «ادب المرأة فی الصلاة» روایتی از امام ششم (ع) نقل می‌کند که زن اگر خواست تسبیح بگوید با انگشتهای خود تسبیح بگوید: "فانهنّ مسؤولات" (۲۶)

شاید چنین دستوری درباره مرد نباشد، البته بهترین تسبیح تربت حسینی (ع) است که فضیلت بسیاری دارد اما دستور آمده که زن با سرانگشتانش تسبیح بگوید، زیرا این سرانگشتان در قیامت مسؤول خواهند شد. این عنایتی از سوی خداوند است تا با انگشت خود نیز عبادت کند. چون خداوند بدن را با همه خصوصیات در قیامت محشور می‌کند، این عنایتی است تا زن را متوجه کند تا دیگر با این انگشتان معصیت نکند.

با توجه به این مسأله می‌توان ادعا کرد که خداوند متعال اصرار دارد که زن با تمام اعضای بدنش بنده حق شود، به همین دلیل او را ۶ سال زودتر از مرد مورد عنایت خود قرار داده است. اگر این را نشانه عظمت و برتری زن بر مرد حساب نکنیم لاف‌ل معلوم می‌شود که دین عنایت خاصی به زن دارد. پس زن باید موقعیت خود را درک کند که دین صریحاً به مرد می‌گوید برو ۶ سال بازی کن، ولی زن را به حضور می

پذیرد. این نه برای آن است که زن ناقص است، که زن ریحانه است و این گل فقط باید به دست باغبان باشد و باغبان این گل فقط قرآن و عترت و ذات اقدس اله است.

ازدواج یک هویت دینی

ارزش زن به عنوان هویت دینی وقتی روشن می شود که گوشه ای از اسرار نکاح و روز ازدواج از زبان صاحب وحی بازگو شود تا معلوم گردد که زن تنها ملعبه ی مرد نیست و نه تنها وابسته نمی باشد و نه تنها ابزار نیست بلکه چون بنیان مرصوصی است که مرد را از پرتگاه دوزخ می رهند و از انحراف نجات می دهد، و با هم از خطر تیرگی و تاریکی آسوده می شوند و هماهنگ هم راه فلاح و صلاح و نجات را طی می کنند و از طلاح و تباه و تبار می رهند. رسول اکرم (ﷺ) می فرمایند: " مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ " (۲۷)

یعنی مردی که با زن ازدواج می یابد و زنی که با مرد عقد زناشویی ببندد هرکدام نصف دین خود را حفظ نموده اند. یعنی هویتشان یک هویت دینی می شود نه غریزی و آمیزشی حیوانی.

و باز پیامبر اکرم (ﷺ) می فرمایند: " هیچ جوانی نیست که در عنفوان جوانی ازدواج نماید مگر آنکه شیطان مراقب وی، ناله برمی آورد که «او دو سوم دین خود را از من حفظ نموده است.» بنده خدا بعد از ازدواج باید درباره یک سوم دیگر دین خود پرهیزکار باشد." (۲۸)

اشتراک زن و مرد در انسانیت (وحدت نوع)

در بعد انسان شناختی، اصل «وحدت نوع» میان زن و مرد، مبنایی ترین و فراگیرترین اصل در ارزش گذاری جنس زن و مرد به شمار می رود، حقیقتی که فراتر از ملاک «جنسیت» است و در آن مرحله، تفاوتی میان جنس زن و جنس مرد وجود ندارد.

علامه طباطبایی (و) می فرمایند:

مشاهده و تجربه، این معنا را ثابت کرده که مرد و زن، از یک نوع و از یک جوهرند، جوهری که نامش انسان است. چون تمامی آثاری که از انسانیت در مردان قابل مشاهده است، بدون تفاوت در زنان نیز مشاهده می شود. مسلماً ظهور آثار نوع، دلیلی بر تحقق خود نوع است. آری این دو صنف در بعضی آثار مشترک، از جهت شدت و ضعف، تفاوت دارد، ولی صرف شدت و ضعف در بعضی صفات انسانیت، باعث آن نمی شود که بگوییم نوعیت در صنف ضعیف باطل شده و او دیگر انسان نیست. (۲۹)

آفرینش اصیل زن

از دیدگاه قرآن هدف خلقت زن و مرد، عبودیت خداوند و تقرب به اوست و هرکدام برای رسیدن به کمال خود خلق شده اند نه این که اصل، کمال مرد باشد و زن ابزاری برای کمال یابی مرد به حساب آید. ولی آفرینش اصیل این دو، به معنای استقلال آنها از یکدیگر در رسیدن به کمال خویش نیست. بلکه این دو مکمل یکدیگرند و هر کدام در کمال دیگری نقش موثری را ایفا می کنند.

خلقت حوا پس از خلقت آدم نیز دلیل فروتری و تبعی بودن زن نیست. زیرا، این ترتب زمانی بوده و نه ترتب رتبی و تکوینی، و بر فرض اثبات این مطلب که حوا از بدن آدم آفریده شده اثبات فرع بودن زن بر مرد در حقیقت وجودی او نیست که او طفیل مرد به حساب آید.

گوناهایی راه های کمال

آفرینش زن و مرد برای رسیدن به هدف یکسان - بندگی و سعادت جاودانه - است و آنان در این مسیر با امکانات لازم و متناسب با ظرفیت خویش راه سعادت را طی می کنند. و لیکن وحدت هدف به معنای وحدت در مسیر رسیدن به آن هدف نیست. در مجموعه هستی، غایت موجودات رسیدن به کمال است. اما برای هرکس طبیعی در نظر گرفته شده است و اشتراک در هدف غایی، به معنای وظیفه مشابه آن دو در این طریق نیست.

پیامبران الهی تمام بندگان را، چه زن و چه مرد به قیام برای اهداف الهی از طریق ایمان و عمل صالح فرا خوانده اند. اما اعمالی که این دو را به کمال می رسانند یکسان معرفی نکرده اند. از این رو جهاد مرد را بذل جان و مال در راه خدا و جهاد زن را خوب شوهر داری کردن دانسته اند.

تفاوت در وظایف و نقش ها به دلیل تفاوت در ویژگی های تکوینی و به خاطر لزوم هماهنگی در امور اجتماعی است. در نظام ارزش گذاری اسلام هیچ یک از موقعیت های ظاهری موجب برتری و فرا دستی انسان نیست و ارزش افراد در جامعه و جهان آخرت به معیارهای والای انسانی است. این معیارها و ارزش های اسلامی چنان بااهمیت است که همه مسئولیت ها باید در چارچوب آنها باشد. نظام اجتماعی و نهاد خانواده لزوماً بر پایه تقسیم کار و توزیع مسئولیت بنا نهاده شده است و اهمیت این تلاشها زمانی است که هر انسانی با آگاهی و اختیار خود در مسیر خیر عمومی جامعه و کمال افراد آن پیش رود. در پاسخ این پرسش که آیا غرض از خلقت خود آرامش آدم بوده و آیا این بدان معناست که زن برای خدمت به مرد آفریده شده است؟

باید گفت: نباید میان هدف غایی خلقت و راه های منتهی به این هدف خلط کرده، اگر زن و مرد وظایفی متفاوت بر عهده دارند این به معنای اختلاف مسیر هر یک در رسیدن به هدف مشترک است از این روی اگر هم ثابت شود که آرامش بخشی شأن ویژه زن در خانواده است باز منافاتی با گفته های پیشین و اختلاف نقش ها و فعالیت ها در رسیدن به هدف یکسان ندارد. (۳۰)

زیبندگی عفاف

حیا و عفاف از هرکسی زیبنده است ولی از زنان زیباتر است. اگر حیا ۱۰ قسمت باشد ۹ قسمتش در مورد زنان و یکی در مورد مردان است و این آراستگی به زینت عفاف از خردورزی است.

ثمرات عفت و ورزیدن عبارتند از: فرو نشانیدن آتش شهوت، تزکیه و پاکسازی اعمال، اجر شهید بردن، و شبیه فرشتگان آسمانی شدن، مصون و محفوظ ماندن، قناعت، قدر و منزلت الهی پیدا کردن.

و نداشتن حیا و عفت و وقار از هرکس زشت است و از زن زشت تر و ناپسندتر است، از این رو در ابتدای سوره ی نور که مجازات آلودگان را بیان می کند، زن ناپاک به مرد ناپاک مقدم شده است، زیرا که زنان از حجب و حیای بیشتری برخوردارند و پاره کردن این پرده نشان نافرمانی بیشتر آنهاست.

"الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ زن خلافکار و مرد خلافکار را هریک صد ضربه تازیانه بزنید...." (۳۱)

از این گذشته، پیامدهای سوء بی عفتی گرچه گریبانگیر مرد و زن هر دو می شود ولی در مورد زنان ناگواری بیشتری را به دنبال دارد و البته چه بسا وسوسه این کار بیشتر از ناحیه زنان می باشد و آنان از عوامل اصلی به حساب می آیند.

"و زنانی که مرتکب فاحشه و عمل زشت زنا می شوند ... آنان را در خانه ها حبس کنید تا مرگ آنان فرا رسد یا خداوند برایشان راهی مشخص کند و آن مرد و زنی که این کار زشت را انجام می دهند آزار دهید...." (۳۲)

علامه طباطبایی آیه دوم را متمم حکم در آیه اول می دانند و معتقدند از مجموعه دو آیه استفاده می شود، زن و مرد زناکار را باید کتک زد و خصوصاً زن را در خانه نیز باید حبس کرد.

قرآن مجید در سوره بقره آیه ۱۸۷ زن و مرد را لباس یکدیگر معرفی می کند: "هُنَّ لِبَاسٌ لِّكُمْ و انتم لباس لهنّ"

زن و مرد در مقابل دیگران هر دو ساتر و پوشاننده یکدیگرند، اما قدم اول برای این پوشانندگی، حفظ عیوب و نواقص وظیفه زنان است. (۳۳)

عفت در راه رفتن

قرآن برای بیان چگونگی راه رفتن یک زن در بیرون، از راه رفتن یک دختر پاک از خاندان نبوت مثال می آورد: "تمشی علی استحياء؛ او در کمال حیا و عفت و وقار گام برمی داشت"، مرحوم علامه ذیل این آیه می گوید: نکره آمدن کلمه (استحياء) نشانه ی عظمت این حالت است یعنی عفت و نجابت از راه رفتن آشکار بود و این گونه راه رفتن، در مقابل آن گونه راه رفتنی است که خداوند دوست ندارد و از آن نهی می کند: "به گونه ای در حال راه رفتن پای بر زمین نکوبند که زینتهای نهانشان آشکار شود" (۳۴)

چه زینت هایی از قبیل خلخال باشد و یا زیبایی ها و برجستگی های بدن باشد که با نوع راه رفتن خاص نمایان تر می شود. (۳۵)

عفت در دادوستد

وجود حریم و حائل بین زن و مرد بیگانه یک اصل است و در نظام اخلاقی، تربیتی نقش موثری دارد زیرا هرچه روابط بیشتر و تماسها نزدیک تر باشد زمینه تحریکات و وسوسه ها و هیجان ها بیشتر می شود و خطرات احتمالی دیگری را در پی دارد. قرآن در این رابطه خطاب به مومنین در ارتباط با همسران پیامبر (ﷺ) می فرماید: "و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی آنان می خواهید از پشت پرده بخواهید" (۳۶)

البته منظور از حجاب در اینجا، پوشش زنان نیست بلکه به معنای حائل قرار دادن بین خود و بیگانگان است. از خصوصیت حجاب این است که تماسی بین طرفین برقرار نمی گردد و نتیجه این عدم تماس و ارتباط رویارویی، طهارت و پاکی قلب است: "ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ" (۳۷)

اسلام دوست دارد زن در جامعه و بیرون از منزل به گونه ای باشد که موجب تحریک و تهییج نامحرمان نباشد، و هر کاری را که توجه مردان را جلب کند آن را نمی پسندد از این رو استفاده زن از بوی خوش را در مقابل نامحرمان، باعث ننگی و عذاب اخروی میدانند. قال رسول الله (ﷺ): "اِذَا تَطَيَّبَتِ الْمَرْأَةُ لَعِيْرٍ زَجَّهَا فَاتِّمَّا هُوَ نَارٌ وَ نَشَارٌ." (۳۸)

نیز حضرتش فرمودند: "او مورد لعنت الهی قرار می گیرد."

به مومنان بگو شرمگاه های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنن. این شیوه برای آنان پاکیزه تر است. قطعاً خداوند به آنچه می کنند آگاه است. (۳۹)

فضایل اخلاقی زن به عنوان همسر

زن در مقابل شوهر باید متواضع، مهربان، صمیمی و دلسوز، حافظ حریم خانواده، عصمت و پاکدامنی خود و تامین کننده نیازهای جنسی و عاطفی شوهر باشد.

هرچه زن در انسجام مسئولیت ها نسبت به شوهر احتمال بیشتری داشته باشد شخصیت او نزد شوهر محبوب تر و ارزش او والاتر خواهد بود و به استحکام زناشویی آنها افزوده خواهد شد.

امام موسی کاظم (A) می فرمایند: "جهاد زن خود شوهر داری است و این موضوع در جایی است که جهاد مرد در پیشگاه خداوند مبارزه با دشمن دین تا سرحد مرگ و ریخته شدن خون است."

امام صادق (A) می فرمایند: "هر زنی به شوهرش احترام کند و آزارش نرساند خوشبخت و سعادتمند خواهد بود." (۴۰)

پیغمبر (ﷺ) می فرمایند: "زن نگهبان و امانتدار اموال شوهرش می باشد و دراینباره مسئولیت دارد." (۴۱)

بهترین زنان شما، عقیف راغب است که در ناموس خود عفت و به شوهر خود رغبت داشته باشد. (۴۲)

حضرت رضا (A) می فرمایند: بعضی از زنها برای شوهرشان بهترین غنیمت هستند، زنانی که به شوهرشان اظهار محبت کنند. (۴۳)

از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید. (۴۴)

نمونه ای از زنان نمونه:

زن فاطمه است؛ بهشتی ترین مولود، نگین زیبایی های آفرینش، همسر، همتا، همراه و هم پرواز علی (A).

زن مریم است؛ مادر مسیح، برگزیده خدا، تجلی عفت و طهارت.

زن آسیه است؛ اوج ایمان در همسری و هم جواری طاغوت بیدادگر، ماندن و رنگ نگرفتن.

زن هاجر است؛ شکوه بی کران عشق مادری، تصویر ساز صفا و مروه و زمزم.

زن خدیجه است؛ بذل بی کران وجود، گذشت از همه چیز و همه کس برای حقیقت.

زن رحیمه است؛ همراه ایوب صبر، همسری که که جرعه جرعه زجر نوشید ولی وفا نفروخت.

زن سمیه است؛ شهید اعتقاد زیر تازیانه های جهل.

زن زینب است؛ اسوه ای که سوره های صبر را با آیه های شجاعت و شهامت آمیخت و زیباترین حماسه را ورق زد.

زن امّ المومنین است؛ امّ الشهداء، مربی رزم آوران بی همورد دفاع از ولایت.

پی نوشت

۱. مقام معظم رهبری، خطبه عقد ۲۳ / ۱۲ / ۷۹
۲. سوره روم، آیه ۲۱
۳. سوره نور، آیه ۵۸
۴. تنبیه الخواطر، جلد ۲، صفحه ۱۲۲
۵. اصول کافی، جلد ۵، صفحه ۵۶۹
۶. امحجه البيضاء، جلد ۳، صفحه ۵۶۹
۷. بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۴۶
۸. مکارم الاخلاق، صفحه ۲۱۵
۹. میزان الحکمه، جلد ۴، صفحه ۷۸۶
۱۰. بحار الانوار، جلد ۷۸، صفحه ۲۳۷
۱۱. میزان الحکمه، جلد ۴، صفحه ۲۲۶
۱۲. سوره احزاب، آیه ۵۹
۱۳. وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۱۲۳
۱۴. زن در آینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، صفحه ۳۹۸
۱۵. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۳۶
۱۶. بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۵۳

۱۷. سوره مجادله، آیه ۱
۱۸. وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۳۷
۱۹. کارنگی دورتی، آیین همسرداری، صفحه ۱۹۰
۲۰. مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۱۸۱
۲۱. سوره نحل، آیه ۹۷
۲۲. زن در قرآن، آیت الله جوادی آملی، صفحه ۹۱
۲۳. سوره احقاف، آیه ۱۵
۲۴. سوره احقاف، آیه ۱۵
۲۵. زن در قرآن، آیت الله جوادی آملی، صفحه ۱۷۷-۱۷۹
۲۶. من لا یحضره الفقیه، جلد ۱، صفحه ۳۷۴
۲۷. جامع الاحادیث شیعه، جلد ۲۰، صفحه ۸
۲۸. جامع الاحادیث شیعه، جلد ۲۰، صفحه ۹
۲۹. علامه طباطبایی، جلد ۴، صفحه ۱۴۰
۳۰. بهشت خانواده با زنان شایسته، الف یوسفیان، صفحه ۱۴-۱۵
۳۱. سوره نور، آیه ۲
۳۲. سوره نساء، آیه ۱۵ و ۱۶
۳۳. بهشت خانواده با زنان شایسته، الف یوسفیان، صفحه ۴۳ - ۴۴
۳۴. سوره نور، آیه ۳۱
۳۵. بهشت خانواده با زنان شایسته، الف یوسفیان، صفحه ۵۵
۳۶. سوره احزاب، آیه ۵۳
۳۷. سوره احزاب، آیه ۵۳
۳۸. نهج الفصاحه، صفحه ۳۶
۳۹. سوره نور، آیه ۳۰
۴۰. بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۵۳
۴۱. مستدرک، جلد ۲، صفحه ۵۵۰
۴۲. نهج الفصاحه، حدیث ۱۵۳۴
۴۳. مستدرک، جلد ۲، صفحه ۵۳۲
۴۴. سوره روم، آیه ۲۱

منابع

۱. قرآن کریم، مترجم/ بهرام پور ابوالفضل، موسسه نشر شهر
۲. نهج البلاغه، مترجم/ ارفع سید کاظم، ویراستار قارونی، انتشارات فیض کاشانی
۳. وسایل الشیعه، تالیف/ شیخ حر عاملی، انتشارات ذوی القربی
۴. بحار الانوار، تالیف/ مجلسی محمدباقر، نشر هاتف، جلد ۱۰۳ و ۷۸
۵. نهج الفصاحه، تصحیح/ شریعتی محمدامین و دیگران، انتشارات خاتم الانبیاء
۶. جامع الاحادیث شیعه □ جلد ۲۰
۷. مستدرک الوسایل - جلد ۱۵ و ۲
۸. مکارم الاخلاق، تالیف طبرسی، نشر ذوی القربی
۹. میزان الحکمه، تالیف/ ری شهری محمد، نشر دارالحدیث، جلد ۱۴
۱۰. آیت الله جوادی آملی، " زن در قرآن "
۱۱. آیت الله جوادی آملی، " زن در آئینه جلال و جمال "
۱۲. آیین همسررداری، دوروتی - آیین همسررداری صفحه ۱۹۰
۱۳. ب الف یوسفیان، " هشت خانواده با زنان شایسته "
۱۴. حقوق خانواده و مسائل ازدواج
۱۵. تبیان، " عباس خراسانی (مدرس دانشگاه علامه) "
۱۶. با نگاهی به مقاله آقای داوودی، " اطاعت از شوهر یا بردگی "

چرا اهل بیت امام حسین علیه السلام در اربعین به کربلا رفتند

امام خامنه ای

فقط یک جمله در باب اربعین عرض کنم؛ آمدن اهل بیت حسین بن علی (ع) به سرزمین کربلا، که اصل این آمدن مورد قبول هست، اما سال اول یا دوم بودن آن معلوم نیست، فقط برای این نبود که دلی خالی کنند یا تجدید عهدی بکنند؛ آنچنان که گاهی بر زبانها جاری می شود

نمی شود کارهای شخصیتی مثل امام سجاد (ع) یا مثل زینب کبری (س) را بر .مسأله از این بسیار بالاتر بود همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد، باید در کارها و تصمیمات شخصیت هایی به این عظمت در جست و جوی رازهای بزرگتر بود

مسأله آمدن بر سر مزار سیدالشهدا(ع)، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود.

با این کار خواستند به پیروان حسین بن علی(ع) و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند تفهیم کنند این حادثه تمام نشد؛ مسأله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسأله ادامه دارد.

به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماس است؛ اینجا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین را باید به یاد هم بیاورید.

تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع! این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمی رفت و خاطره آن برای همیشه زنده می ماند. آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد(ع) و زینب کبری(س) به کربلا در اربعین به این مقصود بود."

(خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴، به نقل از کتاب «آفتاب در مصاف»، انتشارات موسسه انقلاب اسلامی-دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، ص ۲۳۶).

اهمیت زبان و ادبیات فارسی از منظر مقام معظم رهبری

زینب ظاهری عبدوند^{۲۶}

چکیده

زبان فارسی به سبب نامحدود بودن دایره ی لغات و گستردگی اش می تواند علوم بشری را به زبان ساده به همگان ارائه دهد که مقام معظم رهبری در این باره فرموده اند: زبان فارسی اینقدر ظرفیت و گنجایش دارد که دقیق ترین و ظریف ترین علوم و دانش ها می توانند با این زبان بیان شوند. ما زبان پر ظرفیتی داریم.

از دیدگاه مقام معظم رهبری زبان فارسی یک زبان زنده، شیرین و برخوردار از خصوصیات برجسته زبان شناسی است که هیچ محدودیتی ندارد و تمامی مفاهیم

^{۲۶} زینب ظاهری عبده وند، طلبه سطح ۲ مدرسه حضرت ولی عصر (عج)

مهم را می توان با آن بیان کرد. ایشان معتقدند: زبان فارسی به لحاظ دایره گسترده لغات و جنبه واژگانی و قدرت ترکیبی آن زبان نیرومندی است.

از میان ابزارهای زبان فارسی رهبر معظم به شعر توجه خاصی دارند و از نظر ایشان شعر یک ابزار بسیار شگفت برای ارائه فرهنگ خود به دیگر کشورهاست.

مقام معظم رهبری فرموده اند: (نمی شود باور کرد که نفوذ زبان فارسی به خاطر قدرت سیاسی کشور فارسی زبان است بلکه علت نفوذ چیز دیگری است؛ یک مقدار در ذات خود این زبان است یعنی ترکیب، شیوایی ویژه و آهنگی که این زبان دارد). زبان فارسی را می توان یک منبع معتبر برای علاقه مندان به علوم ادبی، حکمی و اخلاقی دانست چرا که این زبان و معارف الهی رابطه محکم و دیرینه ای با هم دارند.

رهبر عزیز فرموده اند: **زبان فارسی زبان دوم اسلام است. کلید واژه:** مقام معظم رهبری. ادبیات. زبان فارسی. شعر. هنر

مقدمه

من زبان پارسی را پاسداری می کنم و بیان خویش را فرهنگ داری می کنم
خون دل خورده ام مدام وبا سرشک دیده ام/ گلشن باغ ادب را آبیاری می کنم
من زبان پهلوی را خوانده ام درّ دری/ واژه های ناب آن را ساختاری می کنم
شهریاران ادب را می نهم ارج گران/ هریکی را هرکجا حرمت گذاری می کنم چون زبان ماست گنج معرفت
اندر جهان/ احتراز از فحش و طعن و جعلکاری میکنم
امروزه اهمیت زبان بر کسی پوشیده نیست زیرا وسیله ارتباط میان انسان ها در جوامع مختلف است و هر چه زبان یک کشور غنی تر باشد می تواند تأثیر بیشتری بر جوامع انسانی گذارد. مقام معظم رهبری در این باره فرموده اند: زبان فارسی باید گسترش یابد باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روز به روز بیشتر شود. فارسی بنویسید، فارسی واژه سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید کاری کنیم که در آینده آن

کسانی که از پیشرفت های علمی کشور ما استفاده می کنند، ناچار شوند برون زبان فارسی را یاد بگیرند این افتخاری نیست که ما بگوییم حتماً

زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است بلکه به فرموده ی رهبر عزیزمان زبان فارسی شیرین و پروسعت است که حتی از زبان عربی هم وسیع تر است

و مثل یک بادکنک صد برابر حجم فعلی خودش قابل گسترش است که ویژگی_

های برجسته این زبان زیبا باید نمایان شود تا همگان به استفاده ی بیشتر از این زبان ترغیب شوند. که یکی از راهکارهای عملی برای رواج زبان فارسی عدم استفاده از کلمات بیگانه است ایشان فرموده اند: "بنده از پیش از انقلاب از اینکه واژه های بیگانه بی دریغ در دست مردم ما به کار می رفت و به آنها افتخار می کردند_ کاً نه کسی اگر یک مطلبی را با یک تعبیر فرنگی بیان کند این را یک افتخار می دانست _ همیشه رنج می بردم.

لذا ما براین شدیم اولاً ویژگی ها و امتیازات زبان شیرین و پر مغز فارسی و سپس اهمیت آن را از منظر رهبر معظم بررسی کنیم.

مفهوم شناسی

مفهوم شناسی "رهبر"

در لغت نامه دهخدا، رهبر به معنای قائد، راهنما، هادی، مرشد، امام، پیشواتعریف شده است.

در فرهنگ معین، رهبر به معنای پیشوا آمده است.

مفهوم شناسی "انقلاب"

در فرهنگ فارسی معین، انقلاب، به معنای دگرگون شدن، زیر و رو شدن، قیام گروهی برای واژگون کردن یک حکومت، شورش آمده است.

در فرهنگ لغت فارسی به انگلیسی، معادل انگلیسی انقلاب Revolution آمده است.

در فرهنگ لغت دهخدا، انقلاب، به معنای برگشتن، واژگون شدن و برگردیدن آمده است.

مفهوم شناسی اهمیت

اهمیت در لغت نامه دهخدا به معنای: لزوم، وجوب، احتیاج است.

اهمیت در فرهنگ عمید: به معنای مهم بودن آمده است.

مفهوم شناسی ادبیات

در فرهنگ فارسی معین: ادبیات به معنای: آثار ادبی، علوم ادبی، مجموعه آثار باقی مانده از سخنوران و نویسندگان کهن هر ملتی آمده است.

مفهوم شناسی شعر

در لغت نامه دهخدا: شعر به معنای: دانستن و دریافتن چیزی آمده است.

در فرهنگ فارسی معین، شعر به معنای: (۱) سخن موزون (۲) حرف بی اساس آمده است.

در فرهنگ لغت عمید، شعر: "ادبی" سخنی است که دارای وزن و قافیه باشد، سخن منظوم معنا شده است.

[امتیازات زبان فارسی از نظر مقام معظم رهبری](#)

زبان فارسی از لحاظ خصوصیات زبان شناسی در سطح قابل قبولی قرار دارد که قابلیت های بالایی در ارائه مفهوم مورد نظر خود دارد و می تواند در پیشبرد اهداف فرهنگی بشر پیشقدم شود. مقام معظم رهبری درباره امتیازات ارزنده ی زبان فارسی فرموده اند:

"زبان فارسی یک زبان شیرین، گسترده و برخوردار از خصوصیات برجسته زبان شناسی است که هیچ محدودیتی ندارد و تمامی مفاهیم مهم، ظریف، دقیق و جدید را می توان با آن بیان کرد. به لحاظ دایره گسترده لغات و جنبه واژگانی و قدرت ترکیبی آن، زبان نیرومندی است و اهمیت و ارزش والایی دارد".

حضرت آیت الله خامنه ای، بار فرهنگی زبان فارسی را در فرهنگ و تمدن جهانی در خور توجه می دانند و فرموده اند:

"این باور حقیقی وجود دارد که در میراث های فرهنگی ملت ها، آن چه که به

وسيله زبان فارسی در دسترس انسان ها وجود دارد از بسیاری از زبان های دیگر بیشتر است و زبان فارسی رایج حدود هزار و دویست سال ذخیره فرهنگی برجسته دارد که می توان از آن برای پیشبرد فرهنگ بشری استفاده کرد و به آن غنا بخشید. رهبری به برجستگی های زبان فارسی توجه دارند و فرموده اند:

آن چه که از حکمت، معرفت و اندیشه والای بشری در دیوان های شعری زبان فارسی گنجانده شده است بسیار مهم و قابل توجه است و در این زمینه می توان به حکمت، معارف الهی و اندیشه مورد نیاز بشری که در شاهنامه حکیم ابوالقاسم

فردوسی موجود است، اشاره کرد. ایشان قدمت هزار ساله داستان سرایی تاریخی

را از ذخایر زبان فارسی می دانند.

[علت نفوذ زبان فارسی از منظر مقام معظم رهبری](#)

شکی نیست که زبان شیرین فارسی به لحاظ زیبایی شناختی در سطح بالایی قرار

دارد و با وجود نا ملایمت هایی که توسط خود فارسی زبانان به زبان فارسی شده است اما به خاطر ویژگی های بارزش توانسته در طول قرن ها اصالت خود را حفظ کند و این به خاطر بار معنایی الهی و عرفانی ای است که این زبان با خود حمل می کند که به فرموده ی مقام معظم رهبری محتوای عرفانی و فرهنگ اسلامی را

می توانیم عامل گسترش زبان فارسی بدانیم.

حال، علت های نفوذ زبان فارسی از دیدگاه مقام معظم رهبری را بررسی می کنیم:

رهبری فرموده اند: باید اعتراف کنیم که در کار زبان فارسی تقصیر شده است نه فقط در چند دهه سال اول پیروزی انقلاب که هر کسی به کار خود مشغول بود به این مهم پرداخته نشد، بلکه در گذشته نیز تقصیر های بزرگتر و بیشتری صورت گرفت و با اینکه در این کشور ادبا، شعرا، فارسی دانان و فارسی گویان بزرگی بودند اما در این سنین متمادی، زبان فارسی آن رشدی را که بایستی میس کرد و آن سعه یی

را که در دنیا باید پیدا می کرد، پیدا نکرد. هر زبانی که سعه ی نفوذ آن زیاد باشد،

طبیعی است که با خود فرهنگی را حمل می کند. کاری که امروز دولت های استعمارگر و سلطه طلب می خواهند با خرج های زیاد و با اعمال نفوذ های فراوان

در دنیا انجام بدهند، زبان فارسی آن کار را با نفوذ طبیعی خودش کرده است نمی شود باور کرد که نفوذ زبان فارسی به خاطر قدرت سیاسی کشور فارسی زبان است،

بنابراین، علت نفوذ زبان فارسی در چیز دیگری است؛ شاید یک مقدار در خود ذات این زبان است؛ یعنی ترکیب، شیوایی ویژه و آهنگی که این زبان دارد. من از بعضی کسانی که در مجامع جهانی خیلی حضور پیدا می کنند و نطق های مختلف را می شنوند، شنیدم که می گفتند آهنگ زبان فارسی، گیراتر از آهنگ های زبان دیگر است ما هم گاهی می بینیم که بعضی از اشخاصی که از کشور های متعدد به ایران می آیند و در

اینجا صحبت می کنند، آن زیبایی و فراز و نشیب لطیف زبان فارسی در کلامشان احساس نمی شود؛ البته این ها را باید زبان شناسان

بگویند؛ چیزی نیست که با گوش بشود فهمید؛ لابد موازین و معیارهایی دارد که این ها را زبان شناسان می فهمند.

علت دیگر نفوذ زبان فارسی، آن بار معنایی است که این زبان با خود حمل می کند. زبان فارسی فرهنگ غنی ای را با خود می برده است؛ این فرهنگ امروز در اختیار ماست؛ عمدتاً هم فرهنگ اسلامی است، یعنی اسلام در این منطقه شرق عالم، از شبه قاره تا چین و تا هر جای دیگر که رفته، با زبان فارسی رفته است. خیلی

نزدیک به نظر می آید که یکی از عوامل گسترش زبان فارسی در دنیا و لاقلاً در این ناحیه همراهی آن با دین و پیام دین و معارف دینی باشد؛ یعنی آن کسی که این دین و این معرف را می پذیرد، زبانی را هم که حامل آن است، را می پذیرد. من دیده ام، قوال ها در هند در مقبره ی شاه ولی الله می نشینند و اشعاری را به زبان فارسی می خوانند البته فارسی را هم خیلی بد می خوانند،

یعنی صدایشان خوب است لیکن خواندنشان خیلی غلط دارد؛ در عین حال، اشعار،

همان اشعار عرفانی و معنوی فارسی است که یا از اشعار خود شاه ولی الله و یا از اشعار دیگران می خوانند؛ بنابراین، ما می توانیم آن محتوای عرفانی و آن فرهنگ اسلامی را که شکل لطیف و زیبای خودش را در ایران داشته عامل گسترش زبان بدانیم.

امروز هم حقیقتاً زبان فارسی در دنیا جاذبه جدیدی پیدا کرده است. من کسانی

را از کشور های عربی و غیر عربی دیده ام که زبان فارسی را از طریق رادیوی جمهوری اسلامی یاد گرفته بودند، جاذبه سخنان امام و حقایق انقلاب و مفاهیم انقلابی این ها را با زبان فارسی مانوس کرده بود و این زبان را می فهمیدند،

هم در منطقه شرقی عربستان که صدای ما به آن جا می رسد، هم در پاکستان و

به خصوص در هند و هم در آفریقا ما این را دیدیم.

ادبیات، رابط میراث فرهنگی یک کشور از نسلی به نسل دیگر

همان طور که خصوصیات فردی افراد از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود ادبیات هم به فرموده مقام معظم رهبری، اتصال یک ملت را

به گذشته خودش ایجاد و حفظ و ثبت می کند ایشان همچنین ادبیات فارسی را عامل وحدت نسل های مختلف دانسته اند که این وحدت با شعر، با کلام و با سخن به وجود می آید.

ما باید اتفاق نظری را که در گذشته با کشورهای دیگر از لحاظ فرهنگ و ادبیات داشته ایم را مجدداً احیا کنیم که رهبر معظم در این باره سخنان ارزشمندی دارند که فرموده اند:

آن دستگاه هایی که مباشر امور ادبیات هستند باید اثبات کنند که ادبیات، فقط یک سرگرمی و یک امر تشریفاتی و زایده ای در زندگی نیست، بلکه یک چیز ضروری است. فرض بفرمایید ما امروز مایلیم که آن ملت هایی که در اطراف

عالم با فرهنگ و ادبیات ایرانی آشنا بودند، این ارتباط و اتصالشان محفوظ بماند

می دانید که استعمار ده ها سال متمدنی شاید در بعضی جاها قرن ها تلاش کرد تا آثار فرهنگ ایرانی را که در خیلی از نقاط دنیا وجود داشت، بزداید؛ مثلاً در هند

این معنا کاملاً واضح است؛ حالا ما می خواهیم این را برگردانیم؛ به چه وسیله ای می شود این زبان را برگرداند؟ ما گلستان سعدی و دیوان حافظ و کتاب های فارسی، همان چیزهایی که از نسل های گذشته، این زبان و ادبیات و فرهنگ را دارند منتقل می کنند، می فرستیم؛ آن ها هم استقبال می کنند و می خوانند؛

این نقش ادبیات است که به نظر بنده بسیار حائز اهمیت است، این را شما باید

در محیط های ادبیاتی اثبات کنید

خصوصیات مهم زبان فارسی از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری با زیرکی خاص و دید نافذی به ذکر خصوصیات ادبیات فارسی

پرداخته اند برای مثال ایشان از زبان فارسی به خاطر ظرفیت بالایش در پذیرش

مفاهیم والای حکمت و عرفان به عنوان زبان دوم جهان اسلام نام برده اند. حال

به ذکر بیانات مقام معظم رهبری در این باره می پردازیم:

رهبر معظم از زبان فارسی به عنوان رمز هویت ملی نام می برند و فرموده اند:

زبان فارسی در واقع جویبار پر فیضی از گنجینه عظیم موارث فر هنگی ایرانیان

و ملت های فارسی زبان است و برای ملت های دیگر نیز پدیده ای بسیار بزرگ و شکوهمند محسوب می

شود. زبان فارسی از گسترش و ظرفیت ترکیب پذیری

برخوردار است. آهنگی گوشنواز، به هنجار و زیبا دارد و با تکیه بر خصوصیات واژگانی

و ترکیبی خود می تواند هر بخشی از گستره ی معارف بشری را ارائه دهد و آن را بیان کند. حضرت آیت الله

خامنه ای زبان فارسی را زبان شعر، فلسفه و معارف می دانند و فروده اند: زبان فارسی وسیله ای انحصاری

برای دست یافتن به

مفاهیم والا و حکمت عظیم بی نظیری است که در میراث فرهنگی این زبان،

در کتاب های علمی، ادبیات، حکمت و اخلاق به صورت شعر و نثر وجود دارد و بر همین اساس، زبان فارسی برای تمام کسانی که علاقه مند به معارف والای بشری هستند، یک ذخیره مهم، باارزش، قابل فراگیری و پیگیری است.

رهبری، تلاش در جهت اعتلای هر چه بیشتر زبان فارسی را مورد تأکید قرار داده اند و فرموده اند:

زبان فارسی، زبان فاخر، زیبا، رسا و پر ظرفیت است و محموله بسیار عظیمی از گنجینه معارف بشری و میراث ذهنیات و عقلیات بشری را به خود به همراه دارد، بنابراین،

فارسی زبانان و علاقه مندان و دوستداران این زبان در سراسر جهان و صاحبان ذوق و اندیشه باید با جدیت کامل و اهتمام فراوان، تلاشی مضاعفی را برای اعتلای زبان فارسی به عمل می آورند. ایشان فرموده اند:

زبان فارسی کلمه طیبه ای است و اصل ثابتی دارد .

[رابطه هنر و ادبیات از نظر رهبری](#)

هنر و ادبیات رابطه مستقیمی با هم دارند که مقام معظم رهبری شعر را گویاتر از

هنر های دیگر در ارائه مفهوم مورد نظر به مخاطب می دانند. ایشان فرموده اند:

ادبیات، طبعاً مقوله ی خوب و مطلوبی است؛ منتها هنر- هنری که با ادبیات

نسبت نزدیک دارد، مثل شعر یا بعضی هنر های دیگر- تأثیرش بیشتر است نظر من نسبت به شعر، نظر بسیار مثبتی است، معتقدم، شعر هنر بسیار خوبی است،

قریحه ی شعری یک موهبت الهی است و شعر و همه هنرها، یک توان و قدرت

و تعبیر رسایی از تخیلات ظریف انسان ها هستند. بعضی از تصورات و تخیلات انسانی هست که جز با زبان هنر و با توصیف هنری، با هیچ زبانی قابل توصیف

و بیان نیست. اگر هنر نبود خیلی از ما فی الضمیر انسان ناگفته و توصیف نشده باقی می ماند البته شعبه های گوناگون هنر هر کدام خصوصیتی دارد یکی از

بهترین هایش که با ادبیات ارتباط نزدیک دارد شعر است و شعر، هنر رسا و بلیغی است. زبان شعر بسیار گویاتر از هنرهای دیگر است؛ یعنی زبان نقاشی، موسیقی و

بعضی هنر های دیگر، به اندازه زبان شعر گویا و توانا نیست البته شعر خوب، نه هر شعری؛ شعری که حقیقتاً هنر تخیل در آن حضور داشته باشد و لمس شود، ضمناً

بعضی از هنر های دیگر که توصیفشان به دقت هنر شعر نیست، دایره شعورشان وسیع است؛ مثلاً وقتی شعر می گویند فقط یک فارسی زبان از زیبایی های شعر

فارسی استفاده می کند، همچنان که از زیبایی های یک شعر عربی فقط یک عرب زبان استفاده می کند حتی کسی که عربی را هم بلد است زیبایی های یک شعر عربی را مثل یک عرب زبان نمی فهمد لیکن نقاشی این طور نیست؛

شما یک نقاشی که می کشید دیگر زبان نمی شناسد، مرز زبان ندارد. موسیقی هم تا حد زیادی همین طور است بعضی هنر های دیگر نیز همین گونه است البته بعضی از حرف ها هست که اصلاً نمی شود با زبان معمول بیان کرد؛ بعضی از

تصورات هست که جز با ادب و هنر بیان نمی شود در شعر می شود بیان کرد، در کارهای ادبی و هنری می شود بیان کرد؛ اما خیلی از آن ها را در زبان معمولی

نمی شود گفت.

زبان، پدیده ای زنده

زنده بودن زبان بدان معناست که کلمات یک زبان باید قدرت برخورد با کلمات

دیگر زبان ها را داشته باشد و در مقابل واژگان بیگانه محو نشوند. مقام معظم رهبری در این باره فرموده اند:

زنده بودن زبان به آن است که می تواند از بیرون محدوده ی خود، لغت های دیگر را جذب کند و برای وارد کردن لغت های دیگر به زبان فارسی لازم است آنها پارسی گونه شوند و اوزان و هنجار این لغات، فارسی شود. پارسی گری به مفهوم دادن هنجار فارسی به لغت های غیر فارسی است و این مهم باید در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مورد توجه قرار گیرد.

تبیین تشخیص فرهنگی و هویتی ایران توسط زبان فارسی

تبیین تشخیص فرهنگی هر کشور ابزارهایی دارد که ابزار ما در طول تاریخ ارائه ی

ویژگی ها و برجستگی های زبان فارسی به دیگر ملت ها بوده که آنها را دعوت به مطالعه ی کتاب های بزرگان ادب فارسی مانند مولانا و سعدی و حافظ و دیگر شاعران و عرفای فارسی زبان می کنیم. رهبر معظم فرموده اند:

ما احتیاج داریم که در کشورهای اسلامی به نحوی، در کشورهای فرنگی، به نحوی - اعم از اروپا و آمریکا - و بقیه کشور های دارای تمدن های قدیمی و کهن در آسیا و در آفریقا به نحوی، تشخیص فرهنگی و هویتی خودمان را تبیین و ابعاد آن را روشن کنیم این کار ابزارهایی دارد، زبان فارسی، یکی از این ابزارهاست که خیلی مهم است. معرفی چهره های بزرگ ایرانی در زمینه ی ادبیات، فلسفه و

علم، یکی دیگر از این ابزارهاست که این ها خیلی مهم است. شما مولوی را

معرفی کنید فرض کنید در یک دوره ی یک یا دو ساله، ده نفر از شخصیت های برجسته ادبی، فلسفی، عرفانی، علمی را انتخاب کنید برای معرفی در دنیا. حافظ را معرفی کنید. ملاصدرا را معرفی کنید، ابن سینا را - که

معرفی شده است -منتها در عین حال معرفی کنید و بگویید که ابن سینا جزو گذشته و شجره نامه ی تاریخی

شماست البته شخصیت های زمان خودمان مثل علامه طباطبایی و امام را با بعد علمی و عرفانی و ادبی اش هم معرفی کنید.

وظیفه ی رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

انتشار و تبلیغ معارف اهل بیت یا هنر و تمدن ایرانی، همه این ها با ارزش است
من به خصوص روی زبان فارسی تکیه می کنم. اهمیت زبان فارسی ده برابر آن چیزی است که به عنوان ترویج هنر ایرانی ذکر می شود.

ایشان ترویج زبان فارسی از طریق پیگیری کرسی های زبان فارسی در مراکز علمی و دانشگاهی را یکی از وظایف اصلی سفیران فرهنگی می دانند.

نتیجه

حفظ زبان هر کشور را می توان نشانه ی استقلال آن کشور در طول تاریخ دانست به طوری که بعضی کشور های آفریقایی به دلیل مستعمره بودن، زبان خود را به طور کلی از دست داده اند و در حال حاضر با زبان کشور بیگانه صحبت می کنند

اما زبان فارسی همچنان توانسته خود را از این خطرات حفظ مند که این را می توان مدیون شاعران بزرگ مثل حافظ و سعدی دانست البته ورود بعضی کلمات

بیگانه به زبان فارسی را نمی توان انکار کرد که تنها راه علاج آن از نگاه مقام معظم رهبری عدم استفاده از کلمات بیگانه است.

با مطالعه ی آثار بزرگان ادب فارسی می توان به پیوند نا گسستنی زبان فارسی

با مذهب اسلام پی برد که کاملاً در این بزرگان دیده می شود که همان طور که

در بخش علت نفوذ زبان فارسی توضیح دادیم دلیل زنده ماندن و پویایی زبان فارسی در طول قرن ها با وجود ناملایمت هایی که به این زبان شده رابطه ی پایدار این زبان با مفاهیم الهی است.

ما باید از ظرفیت های زبان فارسی که استعمار گران در طول تاریخ در صدد نابودی آن بودند استفاده کنیم و از این زبان در جهت وحدت و یکدستگی ملل

فارسی زبان استفاده کنیم.

اگر ما بتوانیم ظرفیت های بزرگ زبان فارسی و ویژگی های برجسته ی آن را از طریق انتشار معارف ادبی به دیگر کشور های عالم نشان دهیم، بی شک می توانیم تشخیص فرهنگی و هویتی بسیار والایی برای کشور خود ایجاد کنیم.

و من الله التوفیق

فهرست منابع

۱) دیدار رهبر معظم انقلاب با جمعی از استادان ادبیات فارسی در کشور های مشترک المنافع

۱۳۷۲/۱۱/۱۸

۲) بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۷۰/۱۱/۲۷

۳) بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای گروه ادب و هنر صدای ج.ا. ۱۳۷۰/۱۲/۵

۴) دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با اعضای مجامع بین المللی استادان زبان فارسی ۱۳۷۴/۱۰/۱۶

۵) گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم با گروهی از جوانان و نوجوانان ۱۳۷۴/۱۱/۱۴

۶) همان ش ۴

۷) دیدار مقام معظم رهبری با رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳/۵/۲۱

۸) فرهنگ فارسی معین

۹) لغت لغت نامه دهخدا

۱۰) فرهنگ عمید

عنوان: «ولایت فقیه در اندیشه و عمل آخوند خراسانی»

مؤلف: حجت الاسلام محمد صادق مزینانی

اندیشه های سیاسی آخوند خراسانی برای مکتب و نظامی که می خواهد از مرزهای فرهنگی خود پاسداری نماید یک ضرورت است

کتاب ""؛ با موضوع فقه سیاسی نگاشته شده و طلاب، دانشجویان، پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه می توانند بهره های فراوانی از این اثر ارزشمند ببرند.

این اثر پژوهشی برای نخستین بار، در تابستان ۹۳ و در ۵۰۴ صفحه در قطع وزیری، توسط موسسه بوستان کتاب به زیور طبع آراسته گردید.

پیش از پرداختن به معرفی تفصیلی کتاب، گفتنی است که شناخت دیدگاه و عملکرد آخوند خراسانی درباره «ولایت فقیه»، از چند جهت ضرورت دارد:

پاسدار مرزهای فرهنگی نظام

اندیشه‌های سیاسی وی به ویژه دیدگاه ایشان در بحث ولایت فقیه، ناشناخته و یا کم شناخته شده است. در حوزه‌های علمیه از ایشان در مباحث فقهی اصولی یاد می‌شود، ولی از اندیشه‌های سیاسی ایشان کمتر سخن به میان می‌آید. با آن که اندیشه‌های سیاسی وی، در آن مقطع و حتی در این زمان دارای اهمیت ویژه‌ای است. به عقیده نویسنده، شناخت اندیشه سیاسی ایشان و دیگر متفکران اسلامی امروز ضروری‌ترین حرکت برای مکتب و نظامی است که می‌خواهد از مرزهای فرهنگی خود پاسداری نماید.

افزون بر این، اندیشه‌ها و سیره عملی آخوند خراسانی از گزاره‌های بحث برانگیز میان نویسندگان؛ به ویژه پس از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ چرا که شماری از نویسندگان به ویژه در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند که دیدگاه آخوند خراسانی و استاد ایشان، شیخ انصاری را در برابر دیدگاه امام خمینی (ره) قرار داده، او را منکر ولایت فقیه قلمداد کنند. در برابر این گروه، بسیاری از نویسندگان و متفکران با استناد به آثار علمی و سیره عملی آخوند خراسانی او را از معتقدان به «ولایت مطلقه فقیه» می‌دانند.

*اعمال ولایت از سوی مرحوم آخوند خراسانی

محوری‌ترین اندیشه سیاسی شیعه در روزگار غیبت، «ولایت فقیه» است. آثار علمی و سیره عملی ایشان چه پیش از نهضت مشروطه و چه پس از آن، بیانگر آن است که ایشان نه تنها به ولایت فقیه معتقد بوده که آن را نیز اعمال کرده است. احکام ولایی صادره از ایشان در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... فراوان است که در متن این کتاب به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

در سال‌های اخیر، برخی از نویسندگان به استفاده ابزاری از متفکران و اندیشمندان اسلامی روی آورده و گاه به تحریف و تأویل اندیشه‌های ایشان به نفع جریان‌های سیاسی دست زده‌اند. حتی در این مسیر به حریم پیشوایان معصوم نیز وارد شده، گفتار و کردار آنان را به سود مطامع سیاسی خودگزینش و حتی تحریف می‌کنند. این شیوه، افزون بر آن که ستمی در حق ذخائر فکری و

فرهنگی است، جامعه را از شناخت درست آنان به منظور راهیابی به آینده‌ای روشن باز می‌دارد که ستمی بزرگ تر از ستم اول است.

با توجه به مطالب یادشده بود که برخی از بزرگان حوزه پیش از برگزاری کنگره بین المللی بزرگداشت یکصدمین سال رحلت آخوند خراسانی در سال ۱۳۹۰، از دست اندرکاران آن کنگره خواسته بودند که در پاسخ به شبهه‌هایی که نسبت به اندیشه‌ها و مواضع آخوند پخش شده، کاری در خور و جدی صورت دهند.

این کتاب، می‌تواند پاسخی باشد به خواسته بزرگان حوزه و همچنین به تحریف‌ها و شبهه‌هایی که به وسیله مخالفان حکومت دینی در داخل و خارج کشور طرح شده است. نیز جوابی باشد به بسیاری از تاویل‌ها و مطالب نادرستی که به آخوند خراسانی نسبت داده می‌شود.

*معرفی اثر:

این کتاب، از چند بخش تشکیل شده است:

بخش اول) به اختصار، به زندگی علمی سیاسی و اوضاع سیاسی اجتماعی روزگار آخوند و نیز حضور فعال ایشان در میدان سیاست پرداخته است. ارتباط اوضاع روزگار هر اندیشور با اندیشه او غیرقابل-انکار است و بدون درک حوادث و وقایع مهم هر زمانی، نمی‌توان تحلیل درستی از اندیشه‌های آن عصر ارائه داد.

بررسی محوری ترین دیدگاه فقهی آخوند

بخش دوم) در این بخش مهم ترین و محوری ترین دیدگاه فقهی ایشان در سیاست بررسی می‌شود و آن دیدگاه ولایت مطلقه فقیه و راه‌ها و روش‌های آخوند خراسانی برای اثبات آن است. با این بررسی رابطه ولایت فقیه بامشروطیت، قانونگذاری، آزادی، برابری که مهم ترین مسائل

سیاسی در آن روزگار بودند روشن می شود. در ضمن به برخی از پرسش ها نیز پاسخ داده خواهد شد.

بخش سوم) به سیره عملی آخوند اشاره کرده و برخی از احکام ولایی و حکومتی او را در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آورده و باور قاطع و عمیق ایشان را به ولایت مطلقه فقیه نشان داده است.

الگوی حکومتی آخوند خراسانی

بخش چهارم) این بخش با عنوان: «الگوی حکومتی آخوند خراسانی»، ضمن اشاره به الگوی حکومتی مطلوب و الگوی «قدر مقدور» از دیدگاه ایشان، پاره ای از شبهه ها و الگوهایی که به ایشان نسبت داده شده را مورد ارزیابی قرار داده است.

بخش پنجم) با نگاهی به پاره ای از اصول و قواعد فقه سیاسی، با توجه به نامه ها و اطلاعیه های آخوند خراسانی، بنیان های فقهی و سیاسی ایشان را تبیین کرده است.

تعامل آخوند خراسانی با دیگر فقه های شیعی

بخش ششم) با عنوان: «تعامل آخوند خراسانی با دیگر فقه های شیعی» به سه محور زیر پرداخته است:

الف: یاران و همگامان آخوند خراسانی در نهضت مشروطه؛ به میزان اشتراکات آخوند خراسانی با مراجع همگام با او در نهضت و نظام مشروطه، همانند میرزا حسین خلیلی و شیخ عبد الله مازندرانی اشاره شده.

ب: آخوند خراسانی و دیگر فقه های شیعی؛ به بررسی اندیشه های برخی از فقیهان متأثر از نگرش فقهی - سیاسی آخوند خراسانی چون: نائینی، محلاتی، بروجردی و سید ابوالحسن اصفهانی و... پرداخته شده.

ج: رویکرد های گزینشی به اندیشه ها و مواضع آخوند خراسانی؛ نگاهی دارد به برخی از همایش هایی که در دهه اخیر با رویکردی گزینشی و سیاسی به تحریف اندیشه ها و مواضع سیاسی آخوند خراسانی پرداخته اند.

بخش ششم مفصل ترین بخش این پژوهش است؛ چرا که پاسخ به بسیاری از پرسش ها و شبهه ها درباره اندیشه و مواضع آخوند خراسانی، به گونه ای مستقیم و غیرمستقیم اقتضای چنین تفصیلی را داشته است.

این کتاب، با شمارگان ۸۰۰ جلد، چاپ و منتشر شده و علاقه مندان می توانند اثر مزبور را از کتاب فروشی های بوستان کتاب در قم، مشهد، تهران و اصفهان تهیه نمایند.

تهیه کننده: خانم طالبلو

خبر:

۲۵ آذر به عنوان روز پژوهش و چهارمین هفته آذر ماه به نام هفته پژوهش نامگذاری شده است. هفته پژوهش نشان از اهمیت و نقش پژوهش در ارتقای جایگاه علمی و معنوی طلاب است. برخی از برنامه هایی که برای طلاب در نظر گرفته شده عبارت است از:

- برگزاری کارگاه آموزش نرم افزار نوین جهت سهولت در دستیابی به منابع پژوهشی
- برگزاری اردوی مهارت افزایی پژوهشی در شهر مقدس قم که شامل : ۱- زیارت حضرت معصومه (س) ۲- دیدار با یکی از علمای بزرگ اسلام ۳- دیدار از مؤسسه موضوع شناسی فقه حجه الاسلام و المسلمین فلاح زاده ۴- زیارت مسجد جمکران.
- اهداء جوایز به سه نفر از برندگان مسابقه کتاب خوانی کتاب انسان ۲۵۰ ساله .